

ایران توشه

- رانلور نمونه سوالات امتحانی

- رانلور گام به گام

- رانلور آزمون گام به گام و قلم چی و سنجش

- رانلور فیلم و مقاله آنلیزشی

- رانلور و مشاوره



IranTooshe.ir



@irantooshe



IranTooshe



فصل اول : فلسفه و ابعاد آن

درس ۱ : چیستی فلسفه شامل مباحث :

- انسان و تفکر
- دو مرتبه از تفکر
- دانش فلسفه
- واژه فلسفه
- ویژگی های فلسفه

درس ۲ : ریشه و شاخه های فلسفه شامل مباحث :

- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه
- شاخه های فلسفه

درس ۳ : فلسفه و زندگی شامل مباحث :

- معنای زندگی
- برخی فواید تفکر فلسفی

درس ۴ : آغاز تاریخی فلسفه شامل مباحث :

- فلسفه در یونان
- سوفیست ها

درس ۵ : زندگی بر اساس اندیشه شامل مباحث :

- سقراط در برابر دادگاه

ایران توننده
توشه ای برای موفقیت

درس اول فصل اول : چیستی فلسفه

۱- از هر کسی پرسید که چقدر به حفظ زمین اهمیت می دهی، می گوید: حفظ زمین اهمیت ویژه دارد.

▪ با این وجود دانشمندان می گویند، تنها موجودی که زمین را تهدید می کند، نوع بشر است.

▪ دانشمندان می گویند بشر از طریق ایجاد جامعه های صنعتی، مصیبت های بزرگی برای محیط زیست پدید آورده است و در همین صد سال اخیر، نسل میلیون ها گیاه و حیوان منقرض شده و دیگر خبری از آنها نیست.

۲- از هر کسی درباره عدالت پرسید، خواهد گفت مهم ترین عامل دوام و بقای جامعه عدالت است.

▪ در عین حال همه جوامع در طول تاریخ از بی عدالتی در رنج بوده و بسیاری از مردم برای رسیدن به عدالت فداکاری کرده اند اما به آن نرسیده اند.

▪ اندیشمندان در پی آن بوده اند که بدانند چرا این تناقض در گفتار و عمل افراد وجود دارد. در این باره نظرهایی هم داده اند.

✓ آیا اصولاً نوع بشر در تخریب زمین مقصر است؟ مگر انسان چه خصوصیتی دارد که چنین می کند؟

✓ نظر شما در این باره چیست؟ واقعا ریشه این تناقض در کجاست؟

✓ آیا انسان ها با آن چیزی که دوست دارند، دشمنی می ورزند و از آن فرار می کنند؟

✓ آیا شما می توانید به این سؤال ها پاسخ قانع کننده بدهید؟

۳- برخی می گویند نظریه های علمی پیوسته تغییر می کنند؛ برای مثال :

▪ زمانی دانشمندان عقیده داشتند که هر جسمی یک حقیقت توپُر و متصلی است که اشیای ریز هم نمی توانند از آن عبور کنند.

▪ در قرن بیستم ، دانشمندان گفتند اجسام از اتم های بسیار کوچکی تشکیل شده که با چشم قابل دیدن نیست. آن اتم ها هم از

دو هسته و الکترون تشکیل شده و الکترون به دور هسته می گردد، چیزی شبیه به منظومه شمسی. پس فاصله زیادی میان

الکترون و هسته هست و در این فاصله چیزی نیست. پس اجسام، اشیای متصل و توپُر نیستند.

▪ بعدها معلوم شد که علاوه بر ماده، انرژی هم وجود دارد و ماده و انرژی، با هم عالم طبیعت را می سازند. اینان می گویند

ممکن است دانشمندان در آینده به هر چیز دیگری معتقد شوند؛ علم یک قرن بعد ممکن است زمین را مسطح و خورشید را

دور زمین قرار دهد!

✓ راستی، آیا جریان علم مبتنی بر احتمالات پیش می رود؟

✓ پس حقیقت چگونه به دست می آید؟

✓ نظر شما در این باره چیست؟ آیا خودتان هم قبلاً در این مسائل اندیشیده اید؟

✓ این قبیل سؤال ها در کدام علم باید بررسی شوند؟

انسان در زندگی روزانه خویش، معمولاً با مسئله هایی روبه رو می شود و به حل آنها می پردازد، مانند:

امروز چه لباسی بپوشم، کدام کار را اول انجام دهم، چه غذایی بخورم و درباره کارم با چه کسی مشورت کنم.

در میان انبوه افکار و اندیشه های روزانه، گاه و بی گاه سؤال های خاصی خودنمایی می کنند که می توانند

ساعاتی طولانی ما را به خود مشغول سازند و به تفکر وادار نمایند، از قبیل اینکه:

✓ مقصود ما از آزادی چیست؟

✓ از برابری چه منظوری داریم؟

✓ آیا اصولاً می توان آزادی را با برابری جمع کرد؟

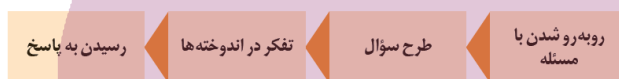
اگر هرکس آزاد باشد هر طور که می خواهد زندگی کند، آیا نتیجه این نخواهد شد که آدم ها در وضعیت نابرابر

قرار گیرند؟

- ✓ چرا درد و رنج هست؟ خوشبختی و سعادت در گرو چیست؟ آیا می توان به آن رسید؟
 - ✓ سرانجام ما انسان ها چه می شود؟ آغاز و انجام جهان چگونه است؟
 - ✓ عشق و دوستی چطور؟ آیا اینها امور واقعی و مقدس اند؟ یا امور خیالی و ذهنی؟
- اصولا انسان و حقیقت انسانی چیست؟ آیا انسان اختیار دارد یا مجبور است؟ انسان چه هدفی را باید در دنیا دنبال کند؟

انسان و تفکر

- یکی از ویژگی های انسان پرشگری است.
 - کودکان در همان سنین ابتدایی از حوادث پیرامون خود سؤال می کنند و کنجکاوی خود را با گفتن کلمه « چرا » به پدر و مادر خود نشان می دهند.
 - هر سؤالی که برای ما پیش می آید، گویای آن است که چیزی را نمی دانیم و به دنبال دانستن آن هستیم.
 - وقتی که از خود می پرسیم « امروز به کجا باید بروم به کتابخانه یا به ورزشگاه و یا « بدین معناست که هنوز نمی دانیم کدام را باید انتخاب کنیم و به دنبال دانستن آن هستیم.
 - تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ هاست.
 - با قدرت تفکری که خداوند در وجود ما قرار داده، پاسخ سؤال ها را می یابیم و امور روزانه خود را سامان می دهیم. پس می توان گفت که بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست.
- مراحل اندیشه ورزی و تفکر در انسان به صورت زیر است :



□ دو مرتبه از تفکر

« تفکر غیر فلسفی » :

زمانی که انسان با همان سؤال های معمولی و روزانه روبه روست و به دنبال پاسخ آنهاست. (مرحله اول تفکر)

« تفکر فلسفی » : گوشه ای برای موفقیت

اگر انسانی از مرحله اول تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال های دسته دوم (سؤال های اساسی و بنیادی) پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر شد.

این انسان، ممکن است یک کارگر یا فیزیک دان یا پزشک یا دانشجو و دانش آموز باشد، اما همین که وارد این وادی شد و چنین پرسش هایی (اساسی و بنیادی) را جدی گرفته و به دنبال یافتن پاسخ برآمده، در حال تمرین « تفکر فلسفی » است. مراحل تفکر فلسفی نیز به صورت زیر است :



دو قلمرو فطرت نزد ملاصدرا

« فطرت اول » : مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها.

« فطرت دوم » : ورود به پرسش های اساسی و تفکر در آنها (مرحله عالی و برتر)

ملاصدرا مانند در فطرت اول را شایسته انسان نمی داند و از انسان ها می خواهد که بکوشند از فطرت اول

عبور کنند و به فطرت ثانی که مرحله ای برتر و عالی تر است، برسند.

□ دانش فلسفه

بدون در دست داشتن پاسخ درست و قانع کننده برای سوال های اساسی و بنیادی، تصمیم گیری های انسان به نتیجه و سرانجام روشنی نخواهد انجامید.

- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند (به سؤال های اساسی) موجب ظهور دانش «فلسفه» گشته است
- دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند سؤال های اساسی و بنیادی است .
- از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی به اهمیت پرسش های ویژه و اساسی پی بردند و با دقت و تأمل فراوان، برای دستیابی به پاسخ صحیح تلاش کردند.

□ واژه فلسفه

- لفظ فلسفه ریشه یونانی دارد.
- این لفظ عربی شده کلمه « فیلسوفیا » است .
- « فیلسوفیا » مرکب از دو کلمه « فیلو » به معنی دوستداری و « سوفیا » به معنی دانایی است.
- پس کلمه فیلسوفیا به معنی « دوستداری دانایی » است .
- واژه فلسفه در آن زمان ها اختصاص به این دانش خاص نداشت و همه دانش ها را شامل می شد.
- کسی که این واژه را بر سر زبان ها انداخت و عمومی کرد، فیلسوف بزرگ یونان « سقراط » بود .
- دانشمندان زمان سقراط و قبل از او، خود را « سوفیست » یعنی دانشمند می خواندند.
- ممکن است بپرسید چرا سقراط نیز خود را « سوفیست » نخواند و از لفظ فیلسوف که به معنی دوستدار دانش است استفاده کرد؟

□ دیدگاه سوفیست ها :

- سوفیست ها بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند .
 - دغدغه برخی از سوفیست ها ، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود .
 - سوفیست ها ، پیروزی بر رقیب را مهم ترین هدف می دانستند .
- سوفیست ها در استدلال های خود بیشتر از مغالطه کمک می گرفتند که به ظاهر درست به نظر می رسید، اما در واقع غلط بود.

سوفیست ها برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نیستند.
سوفیست ها ، هر کس هر چه خودش می فهمد همان حقیقت و واقعیت است.

□ تغییر معنی کلمه سوفیست :

بعدها کلمه سوفیست (دانشمند) مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خود گرفت و کلمه « سفسطه » هم که در زبان عربی از لفظ « سوفیست » گرفته شد، معنای مغالطه کاری پیدا کرد .

□ دلایل سقراط برای انتخاب لفظ فیلسوفوس :

▪ سقراط به دلایل زیر ، مایل نبود او را « سوفیست » یا دانشمند بخوانند و از این رو خود را فیلسوفوس (فیلسوف) یعنی دوستدار دانش نامید.

✓ تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم

✓ شاید به خاطر هم ردیف نشدن سوفیست ها

▪ رفته رفته کلمه فیلسوف به مفهوم دانشمند ارتقا پیدا کرد .

رفته رفته کلمه فلسفه مترادف با دانش شد.

▪ با گذشت زمان و پیشرفت دانش های مختلف، بر هر یک از شاخه های دانش نام ویژه ای گذاشته شد و

به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص به کار رفت.

فلسفه به معنای دانش خاص

فلسفه به معنای مطلق دانش

فلسفه به معنای دوستداری دانایی

□ ویژگی های فلسفه

دانش فلسفه چه تفاوتی با سایر دانش ها دارد؟ مرز و حدود این دانش کجاست؟

- کدام گفت و گو را گفت و گویی فلسفی می نامند؟
 - مسائل فلسفی کدام اند و چگونه از مسائل دیگر علوم جدا می شوند؟
- برای پاسخ به سؤال های بالا، می گوئیم که اساسا هر دانشی از دو جهت از سایر دانش ها متمایز و جدا می شود:

(۱) از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می کند.

(۲) از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می گیرد.

□ تفاوت علوم مختلف و فلسفه

۱- موضوع فلسفه، بنیادی ترین موضوعات

موضوع بحث علوم مختلف :

- هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می کند.
 - دانش ریاضیات درباره مقدار و کمیت است.
 - شیمی درباره ساختمان مواد و ترکیب میان آنهاست.
 - اخلاق درباره چگونگی کسب فضیلت ها و دوری از بدی هاست.
- سایر علوم هر کدام به موضوعی خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می پردازند و بحث می کنند.

موضوع بحث فلسفه :

فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخ گوی عمیق ترین دغدغه های بشری است.

فلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند و اینها اموری هستند که پایه و اساس سایر علوم به شمار می آیند.

۲- استفاده از روش عقلی و استدلالی

▪ ابتدا به این مسئله ها توجه کنید:

۱- مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟

۲- چرا هوا معمولاً در زمستان سرد می شود؟

۳- چرا در اکثر کشورها طلاق افزایش یافته است؟

۴- چرا هر حیاتی پایانی دارد؟

۵- آیا جهان ابتدا و انتها دارد؟

▪ برای کسب دانش در علومى مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی، اقتصاد و جامعه شناسی از روش های تجربی استفاده می کنیم.

▪ در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی توان از حواس یا آزمایش بهره برد و یا از ابزاری مانند میکروسکوپ و تلسکوپ کمک گرفت.

در مسائل فلسفی فقط باید به توانایی عقل و استدلال های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد.

▪ مسائل فلسفی، از جهت روش، مانند مسائل ریاضی هستند که استفاده از حواس و ابزار به حل آنها کمک نمی کند و فقط با عملیات فکری و استدلالی باید به جواب مسئله ها دست یافت.

ایران نوشته
توشه ای برای موفقیت

پاسخ فعالیت های درس اول

مقایسه ص ۴ (صرفا برای فعالیت کلاسی و مستمر مورد استفاده قرار گیرد.)

۱- آیا میان این سوال ها و سوال های مربوط به زندگی روزمره، تفاوتی می بینید؟ می توانید آن تفاوت را ذکر کنید؟
با توجه به اینکه هنوز دانش آموزان به صورت منطقی تفاوت فلسفه با سایر علوم و مسائل روزمره را نمی دانند، و ممکن است پاسخ های اشتباهی دهند پس پاسخ دقیق به این سؤال ها در این مرحله از درس ضروری نیست. پاسخ های زیر گرچه دقیق نیستند اما آنها را از دانش آموزان قبول کنید:
این مسئله ها اهمیتش از مسائل روزمره بیشتر است. این مسئله ها پایدارترند. این مسئله ها کلی تر و اساسی تر هستند.
این مسئله ها مشترک میان عموم انسانهاست.

۲- به نظر شما از میان سؤال هایی که مطرح شد، کدام یک مهم تر است؟ (تا سه مورد را انتخاب کنید).

به احساس، سلیقه، نوع انتخاب، نوع تفکرات و تأملات خاص دانش آموزان مربوط می شود.

۳- آیا سؤال های مهم تر و اساسی تری نیز به نظر شما می رسد که قابل طرح باشد؟ چند مورد را ذکر کنید.

خودارزیابی ص ۵ و ۶ (صرفا برای فعالیت کلاسی و مستمر مورد استفاده قرار گیرد.)

ملاصدرا، فیلسوف بزرگ قرن دهم و یازدهم هجری می گوید مردم بر دو دسته اند: «واقف» (ایستاده) و «سائر» (رونده)
«واقف» کسی است که به همین دانش ظاهری دل خوش کرده و متوقف شده و دروازه جهان بزرگ و برتر به رویش گشوده نشده است. او فقط از شنیده ها بهره می برد و کارش تقلید از دیگران است. اما «سائر» اهل حرکت و پویایی است و به شنیده ها بسنده نمی کند. او در تلاش است که از تنگنای ظواهر و محسوسات عبور کند و به جهان وسیع معقولات راه یابد.
او همواره در تکاپوست. اقبال، شاعر پارسی گوی معاصر پاکستان، می گوید:

هیچ نه معلوم شد، آه، که من کیستم

ساحل افتاده گفت گرچه بسی زیستم

هستم اگر می روم، گر فروم نیستم

موج ز خود رفته ای تیز خرامید و گفت

در این دو بیان فیلسوفانه و شاعرانه تأمل کنید و بگویید:

۱- چه شباهت هایی میان این دو بیان وجود دارد؟

هم نزد ملاصدرا و هم نزد اقبال مردم بر دو دسته اند: ملاصدرا از دسته نخست به عنوان «واقف» یاد می کند و اقبال از آن بعنوان «ساحل». این دسته از انسانها ایستاده و راکداند، مانند این است که نیستند. هستند، اما هستی انسانی ندارند اما دسته دوم که نزد ملاصدرا به «سائر» و نزد اقبال به «موج» تعبیر شده اند، انسان هایی هستند که زندگی واقعی انسانی دارند، موج وار زندگی می کنند و در پویایی و رفتن و حرکت اند.

پس ملاصدرا و اقبال با دو شیوه بیان یک مطلب را عرضه می کنند. همانطور که عرفا گفته اند «ان الالفاظ و ان اختلاف متقاربه المعنی» یا به تعبیر امام خمینی (ره) یک مطلب اگر با زبانهای مختلف بیان شود باز همان مطلب است.

۲- روحیه خود را نزدیک به کدام یک می یابید: «واقف»؟ «سائر»، «ساحل افتاده» یا «موج ز خود رفته»

دانش آموزان را نباید به پاسخ این سوال مجبور کرد. چنانچه دانش آموزی تمایل به بیان روحیه خود است این امکان برای او فراهم شود.

تفکیک ص ۹

قبل از پاسخ به سؤالات فوق، سؤال های زیر را به دقت مطالعه کنید و ببینید آیا می توان گفت برخی از آنها تفاوت خاصی با بقیه سؤال ها دارند؟ آنها را در دسته «الف» قرار دهید و بقیه را به دسته «ب» ببرید.

| ردیف | سوال ها | الف | ب |
|------|--|-------|--------|
| ۱ | دلیل پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا چه بود؟ | | تاریخی |
| ۲ | آیا تنها جهان موجود، همین جهان مادی و طبیعی است؟ | فلسفی | |
| ۳ | خداوند چند رکعت نماز را بر ما واجب کرده است؟ | | فقهی |
| ۴ | دلیل حمله اسکندر مقدونی به ایران چه بود؟ | | تاریخی |
| ۵ | آیا هر چیزی دارای علت است؟ | فلسفی | |
| ۶ | آیا زیبایی حقیقت دارد یا ساخته ذهن ماست؟ | فلسفی | |
| ۷ | پیرشدن سلول ها در اثر کدام عامل شیمیایی است؟ | | شیمی |
| ۸ | آیا می توانیم به اختیار خود موجود شویم؟ | فلسفی | |

تفکر ص ۱۰

به این مسئله ها توجه کنید :

- ۱- مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟
 - ۲- چرا هوا معمولاً در زمستان سرد می شود؟
 - ۳- چرا در اکثر کشورها طلاق افزایش یافته است؟
 - ۴- آیا هر حیاتی پایانی دارد؟
 - ۵- آیا جهان ابتدا و انتها دارد؟
- همان طور که در کتاب منطق آموخته اید، برای رسیدن به علم معمولاً از روش هایی چون تجربه و استقرا و نیز قیاس و استدلال استفاده می شود. توضیح دهید که درباره هر کدام از این مسئله ها با کدام روش می توان تحقیق کرد و به نتیجه رسید.

سؤال اول یک سؤال ریاضی است. در ریاضیات از اقسام استدلال های قیاسی استفاده می شود. پس ریاضیات از نظر روش شبیه به فلسفه است، اما از نظر موضوع با آن متفاوت است. (استدلال قیاسی)

سؤال دوم یک سؤال در حوزه علوم طبیعی است و لذا باید از تجربه و استقراء استفاده کرد. (استدلال استقرائی و تجربی)

سؤال سوم یک سؤال مربوط به حوزه علوم انسانی است که باید از طریق استقراء به پاسخ آن رسید. (استدلال استقرائی و تجربی)

سؤال چهارم نیز یک سؤال فلسفی است درست است که ما به تجربه می بینیم که انسان ها و حیوان ها حیاتشان موقت است و پایانی دارد. اما وقتی می پرسیم که «آیا هر حیاتی پایانی دارد» این سوال را نمی توان این تجربه ها پاسخ داد. می دانیم که خداوند هم حیات دارد، فرشتگان هم حیات دارند، اما حیات آنها پایان ندارد. (استدلال قیاسی)

سؤال پنجم نیز یک سؤال فلسفی است زیرا درباره کل هستی سؤال می کند و یک سؤال بنیادین است. کل هستی در ظرف تجربه و آزمایش قرار نمی گیرد. (استدلال قیاسی)

به کار ببندیم ص ۱۰

۱- کدام یک از افراد زیر بیشتر اهل تفکر فلسفی هستند؟ گزینه ب درست است .

الف) کسی که پاسخ فیلسوفان در ارتباط با سؤالات اساسی، را به خوبی آموخته و توضیح می دهد.

ب) کسی که در آرای فیلسوفان می اندیشد و دلایلی را که به نظر خودش، محکم است، انتخاب و ارائه می کند.

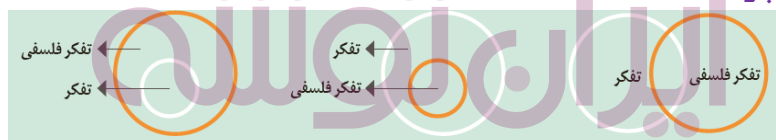
۲- برای درست فکر کردن و قرار گرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی نیاز به برداشتن گام هایی است. این گام ها به صورت . نامرتب قرار گرفته اند؛ با توجه به نظر خود، آنها را به ترتیب بازنویسی کنید.

ارائه استدلال صحیح - جست و جوی پاسخ برای سؤالات - داشتن معیار برای پذیرش پاسخ - آگاهی از مجهولات و ندانسته های خود
پاسخ ترتیب مسیر درست تفکر:

آگاهی از مجهولات و ندانسته ها ، جست و جوی پاسخ برای سؤالات ، ارائه استدلال صحیح ، داشتن معیار برای پذیرفتن پاسخ
۳- نکات اساسی مربوط به هر یک از عناوین درس را استخراج و در جدول زیر یادداشت کنید. سپس یادداشت های خود را با دیگران مقایسه نمایید .

| عنوان | نکات اساسی |
|-----------------|--|
| تفکر فلسفی | برخی انسان ها توجهشان به مسئله های فلسفی جلب نمی شود برخی انسان ها از سؤال های معمولی عبور می کنند و اهل تفکر در مسئله های فلسفی هستند ورود به تفکر فلسفی یکی از نشانه های تکامل فکری انسان است. |
| فلسفه | فلسفه یک دانش ویژه است که قوانین خاص خود را دارد. کسی می تواند به سؤال های فلسفی پاسخ دقیق بدهد، که در این دانش تخصص داشته باشد. |
| ویژگی های فلسفه | فلسفه در موضوع و روش با دانش های دیگر فرق دارد. موضوع فلسفه بنیادی ترین و اساسی ترین موضوعات است. روش استدلال در فلسفه استدلال قیاسی است |

۴- اگر بخواهیم رابطه « تفکر » با « تفکر فلسفی » را به صورت دو دایره ترسیم کنیم، این دو دایره به شکل کدام یک از صورت های زیر خواهد بود، چرا؟



پاسخ قسمت وسط می باشد زیرا بین تفکر و تفکر فلسفی رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است یعنی هر تفکر فلسفی ، تفکر است اما بعضی تفکرها، فلسفی هستند و بعضی تفکرها، فلسفی نیستند ولذا دایره تفکر، اعم (بزرگتر) از دایره تفکر فلسفی است.
در میان عبارات های زیر، عبارات های صحیح را انتخاب کنید.

الف) تفکر فلسفی، تفکر در حوزه فطرت اول و فلسفه تفکر در حوزه فطرت ثانی است، نادرست

ب) تفکر دو قلمرو دارد؛ تفکر در حوزه فطرت اول و تفکر در حوزه فطرت ثانی، درست

ج) تفکر فلسفی و فلسفه، هر دو در حوزه فطرت ثانی قرار می گیرند، درست

د) در فلسفه هم تفکر فلسفی صورت می گیرد، اما به شکل نظام مند و تخصصی، درست

ه) کسی که به تفکر فلسفی رسید، دیگر نیازی به تفکر در حوزه فطرت اول ندارد، نادرست

۶- فلسفه، از چه جهت با ریاضیات اختلاف دارد و از چه جهت مشترک است؟ مشترک از جهت روش - مختلف از جهت موضوع

سوالات تشریحی

۱- سه نمونه از نمونه سوال های اساسی و بنیادی که گاه و بی گاه در میان انبوه افکار و اندیشه های روزانه خودنمایی می کنند و ساعاتی طولانی ما را به تفکر وادار نمایند، نام ببرید .

مقصود ما از آزادی چیست؟ از برابری چه منظوری داریم؟ آیا اصولاً می توان آزادی را با برابری جمع کرد؟

(نمونه های دیگر: اگر هرکس آزاد باشد هر طور که می خواهد زندگی کند، آیا نتیجه این نخواهد شد که آدم ها در

وضعیت نابرابر قرار گیرند؟ چرا درد و رنج هست؟ خوشبختی و سعادت در گرو چیست؟ آیا می توان به آن رسید؟ سرانجام ما

انسان ها چه می شود؟ آغاز و انجام جهان چگونه است؟ عشق و دوستی چگونه است؟ آیا اینها امور واقعی و مقدس اند؟ یا امور

خیالی و ذهنی؟ اصولاً انسان و حقیقت انسانی چیست؟ آیا اختیار دارد یا مجبور است؟ چه هدفی را باید در دنیا دنبال کرد؟)

۲- هر سؤالی که برای ما پیش می آید، گویای چه چیزی است؟

گویای آن است که چیزی را نمی دانیم و به دنبال دانستن آن هستیم.

۳- وقتی که از خود می پرسیم « امروز به کجا باید بروم به کتابخانه یا به ورزشگاه » این سخن به چه معناست ؟

بدین معناست که هنوز نمی دانیم کدام را باید انتخاب کنیم و به دنبال دانستن آن هستیم.

۴- مراحل اندیشه ورزی و تفکر در انسان را به ترتیب بنویسید.

روبه رو شدن با مسئله - طرح سوال - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ.

۵- دو مرتبه تفکر در انسان را نام ببرید. تفکر غیر فلسفی - تفکر فلسفی.

۶- مقصود از تفکر غیر فلسفی چیست ؟

زمانی که انسان با همان سؤال های معمولی و روزانه روبه روست و به دنبال پاسخ آنهاست. (مرحله اول تفکر).

۷- مقصود از تفکر فلسفی چیست ؟

اگر انسانی از مرحله اول تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال های دسته دوم (سوال های اساسی و بنیادی)

پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر شد .

۸- چه زمانی می توان گفت که انسان وارد مرحله تمرین تفکر فلسفی شده است؟

اگر انسان با جدیت و پیوسته به سؤال های دسته دوم (سوال های اساسی و بنیادی) بپردازد و آنها را جدی بگیرد و به دنبال یافتن پاسخ

آنها برآید در حال تمرین تفکر فلسفی شده است، اگر چه یک کارگر، فیزیک دان، پزشک یا دانشجو یا دانش آموز باشد.

۹- تفاوت تفکر غیر فلسفی و تفکر فلسفی در چیست؟ آن را بنویسید.

در تفکر غیر فلسفی انسان با همان سؤال‌های معمولی و روزانه روبه‌روست و به دنبال پاسخ آنهاست. (مرحله اول تفکر) اما تفکر فلسفی زمانی است که انسان از مرحله اول تفکر عبور می‌کند و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته دوم (سؤال‌های اساسی و بنیادی) می‌پردازد و وارد مرتبه دوم تفکر می‌شود.

۱۰- مراحل تفکر فلسفی در انسان را به ترتیب بنویسید.

رو به رو شدن با مجهول‌ها و مسئله‌های فلسفی - طرح پرسش‌های فلسفی - رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات مناسب با سؤال - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت

۱۱- مقصود ملاصدرا از فطرت اول و فطرت دوم چیست؟

«فطرت اول»: مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها

«فطرت دوم»: ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آنها (مرحله عالی و برتر)

۱۲- مطابق نظر ملاصدرا، ماندن در کدام قلمرو فطرت، شایسته انسان نیست و رسیدن به کدام قلمرو مطلوب اوست؟

ملاصدرا، فطرت اول را شایسته انسان نمی‌داند و از انسان‌ها می‌خواهد که بکشند از فطرت اول عبور کنند و به فطرت ثانی که مرحله‌ای برتر و عالی‌تر است، برسند.

۱۳- چه عاملی باعث ظهور فلسفه شده است؟

تلاش‌های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال‌های اساسی و بنیادی موجب ظهور دانشی به نام فلسفه شده است. از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی به اهمیت پرسش‌ها اساسی و بنیادی پی بردند و با دقت و تأمل فراوان، برای دستیابی به پاسخ صحیح تلاش کردند.

۱۴- ریشه لفظ فلسفه چیست و به چه معنا است؟ دی ۸۳ (ریشه یونانی لفظ فلسفه چیست و به چه معنا است) شهریور ۸۴

فلسفه ریشه یونانی دارد و معرب کلمه فیلسوفیا به معنای دوستداری دانایی است.

۱۵- معنی اصلی و معنی ارتقا یافته دو واژه «فیلسوفیا» و «فیلسوفوس» را بنویسید.

معنی اصلی فیلسوفیا: دوستداری دانایی و معنای ارتقایی آن دانش.

معنی اصلی فیلسوفوس: دوستدار دانایی و معنای ارتقایی آن دانشمند.

۱۶- سوفیست‌ها چه کسانی بودند و چه عقیده‌ای داشتند؟

کسانی که برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبوده‌ومی گویند هر کس هر چه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.

۱۷- لفظ سوفیست چیست و به چه معناست و عقیده آنها را بیان کنید. دی ماه ۸۵

دانشمند. برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبوده‌ومی گویند هر کس هر چه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.

۱۸- سوفیست در ابتدا به چه معنا بود؟ سپس چه معنایی به خود گرفت؟ شهریور ۸۱

در ابتدا به معنی دانشمند به کار رفت ولی به تدریج مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خود گرفت.

۱۹- معنای کلمات فیلسوفوس، سوفیست، سفسطه را بنویسید. دی ماه ۸۱ دوستدار دانایی، دانشمند، مغالطه کاری

۲۰- چرا سقراط مایل نبود او را سوفیست بنامند و او خود را چه نامید؟ دی ماه ۸۲

تواضع و فروتنی - هم ردیف نشدن با سوفیست‌ها - خود را فیلسوفوس یعنی دوستدار دانایی نامید.

۲۱- سیر تاریخی کاربرد فلسفه را به ترتیب بنویسید.

فلسفه به معنای دوستداری دانایی - فلسفه به معنای مطلق دانش - فلسفه به معنای دانش خاص

۲۲- اساسا هر دانشی از دو جهت از سایر دانش‌ها متمایز و جدا می‌شود. آن دو جهت کدامند؟

از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می‌کند. - از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲۳- علوم مختلف و فلسفه هر کدام موجودات را از جهت موضوع چگونه بررسی می‌کند؟

هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می‌کند. دانش ریاضیات درباره مقدار و کمیت است. شیمی درباره ساختمان مواد و

ترکیب میان آنهاست. اخلاق درباره چگونگی کسب فضیلت‌ها و دوری از بدی‌هاست. سایر علوم نیز هر کدام به موضوعی

خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می‌پردازند و بحث می‌کنند.

اما فلسفه درباره بنیادی‌ترین و نهایی‌ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخ‌گوی عمیق‌ترین دغدغه‌های بشری است.

۲۴- موضوع فلسفه اولی با موضوع سایر علوم مقایسه نماید.

سایر علوم هر کدام به موضوعی خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می‌پردازند و بحث می‌کنند.

اما فلسفه درباره بنیادی‌ترین و نهایی‌ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخ‌گوی عمیق‌ترین دغدغه‌های بشری است.

۲۵ - فیلسوف در چه امور و مسائلی کاوش می کند؟ و این امور چه اهمیتی در سایر علوم مختلف دارند؟

فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند و اینها اموری هستند که پایه و اساس سایر علوم به شمار می آیند.

۲۶ - فلسفه عهده دار بررسی چه مسائلی است؟

دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند سؤال های اساسی و بنیادی است.

۲۷ - دانش فلسفه چه تفاوتی با سایر دانش ها دارد؟

فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند.

۲۸ - تفاوت روش فلسفه با علوم مختلف مانند شیمی و جامعه شناسی و اقتصاد به هنگام کسب دانش را بنویسید.

برای کسب دانش در علمی مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی، اقتصاد و جامعه شناسی از روش های تجربی استفاده می کنیم. اما در مسائل فلسفی فقط باید به توانایی عقل و استدلال های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد.

۲۹ - روش تفکر فلسفی چگونه روشی است؟ توضیح دهید.

در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی توان از حواس یا آزمایش بهره برد و یا از ابزاری مانند میکروسکوپ و تلسکوپ کمک گرفت. در این موارد فقط باید به توانایی عقل و استدلال های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد.

۳۰ - چرا مسائل فلسفی از جهت روش شبیه به مسئله های ریاضی هستند؟

زیرا میکروسکوپ و آزمایشگاه و تجربه و حواس به حل آنها کمکی نمی کنند و فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت.

۳۱ - هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

الف) یکی از ویژگی های انسان

۱ - فطرت اول

ب) واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ ها

۲ - پرسشگری

ج) مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها

۳ - فطرت دوم

د) مرحله عالی و برتر

۴ - تفکر

جواب: الف) ۲ (ب) ۴ (ج) ۱ (د) ۳

۳۲- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- الف) فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت و شبیه به مسائل ریاضی اند. ۱- فیلسوفیا
ب) دوستداری دانایی
ج) برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نیست. ۳- سخنوری و وکالت
د) سوفیست ها به تعلیم آنها اشتغال داشتند. ۴- مسائل فلسفی
و) دوستدار دانایی
ه) رفته رفته کلمه فیلسوف به این مفهوم ارتقا پیدا کرد. ۶- فیلسوفوس

جواب: الف) ۴ ب) ۱ ج) ۲ د) ۳ و) ۶ ه) ۵

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- یکی از ویژگی های انسان چیست؟ پرسشگری
 - ۲- واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ ها چیست؟ تفکر
 - ۳- مرحله اول تفکر که انسان در آن با سؤال های معمولی و روزانه روبروست و به دنبال پاسخ آنهاست، کدام است؟ تفکر غیر فلسفی
 - ۴- مرحله دوم تفکر که انسان در آن با جدیت و پیوسته به سؤال های سوال های اساسی و بنیادی می پردازد، چه نامیده می شود؟ تفکر فلسفی
 - ۵- فطرت اول را در یک سطر توضیح دهید. مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها
 - ۶- فطرت دوم را در یک سطر توضیح دهید. ورود به پرسش های اساسی و تفکر در آنها
 - ۷- مطابق دیدگاه ملاصدرا، مرحله ای برتر و عالی تر فطرت به شمار می رود؟ فطرت دوم
 - ۸- دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند چه مسائلی است؟ مسائل و سؤال های مربوط به موضوعات اساسی و بنیادی
 - ۹- کلمه فیلسوفیا مرکب از چند کلمه و هر کدام به چه معناست؟ دو کلمه فیلو به معنی دوستداری و سوفیا به معنی دانایی
 - ۱۰- کدام فیلسوف یونانی، واژه فلسفه (فیلسوفیا) را بر سر زبانها انداخت و عمومی کرد؟ سقراط
 - ۱۱- دانشمندان زمان سقراط و قبل از وی، خود را چه می نامیدند؟ الف) فیلسوفیا ب) سوفیست جواب: ب
 - ۱۲- سوفسطائیان چه علمی را ترویج می کردند. نام ببرید. شهریور ۹۷ سخنوری و وکالت
 - ۱۳- مهمترین هدف سوفیست ها چه بود و برای رسیدن به این مقصود از چه روشی استفاده می کردند؟ پیروزی بر رقیب - مغالطه
 - ۱۴- کلمه ی «سفسطه» از چه لفظی گرفته شده و معنای رایج آن چیست؟ سوفیست - مغالطه کاری
 - ۱۵- سقراط به دو دلیل مایل نبود او را سوفیست بنامند. یکی از دلایل آن را بنویسید. شهریور ۹۳
- تواضع و فروتنی - هم ردیف نشدن با سوفیست ها

۱- چه زمانی بر هر یک از شاخه های دانش نام ویژه ای گذاشته شد و کلمه فلسفه برای چه نوع دانشی به کار رفت ؟
با گذشت زمان و پیشرفت دانش های مختلف - به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص به کار رفت.
جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

۱- یکی از ویژگی های انسان است . پرسشگری

۲- واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ ها است . تفکر

۳- بدون کاری از انسان ساخته نیست . تفکر

۴- مرحله اول تفکر که انسان در آن با سؤال های معمولی و روزانه روبروست و به دنبال پاسخ آنهاست،... نام دارد.
تفکر غیر فلسفی

۵- مرحله دوم تفکر که انسان در آن با جدیت و پیوسته به سؤال های سوال های اساسی و بنیادی می پردازد، به معروف است.
تفکر فلسفی

۶- مقصود ملاحظه را از همانا مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها است . فطرت اول

۷- طبق دیدگاه ملاصدرا، ورود به پرسش های اساسی و تفکر در آنها مربوط به است . فطرت دوم

۸- مطابق دیدگاه ملاصدرا، مرحله برتر و عالی تر فطرت به شمار می رود . فطرت دوم

۹- لفظ فلسفه معرب کلمه فیلسوفیا به معنای ... است. خرداد ۹۸- دوستداری دانایی

۱۰ معنای اولیه لفظ فلسفه بود. دی ۹۴- دوستداری دانایی

۱۱- فیلسوف بزرگ یونانی، واژه فلسفه (فیلسوفیا) را بر سر زبان ها انداخت و عمومی کرد. سقراط

۱۲- معنای کلمه فلسفه به تدریج ارتقا پیدا کرد و مترادف با ... شد. خرداد ۹۵ دانش یا دانایی

۱۳- کلمه فیلسوفوس که در اصل به معنی دوستدار دانایی بود رفته رفته به مفهوم ارتقاء یافت و کلمه فلسفه مرادف با ... شد.
شهریور ۸۳ - دانشمند، دانش

۱۴- کلمه سفسطه در زبان عربی از لفظ ... گرفته شده و اکنون معنای رایج آن ... است. خرداد ۸۷ سوفیست - مغالطه کاری

۱۵- لفظ یونانی ای که در آغاز به معنای دانشمند بود و به تدریج معنای آن تنزل یافت می باشد . خرداد ۸۳ سوفیست

۱۶- اکنون معنای رایج کلمه سفسطه ... است . دی ماه ۸۹ مغالطه کاری

۱۷- لفظ سوفیست اکنون به معنای است . خرداد ماه ۹۳ مغالطه کار

۱۸- دغدغه برخی از سوفیست ها، که بیشتر به تعلیم ... و ... اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود. سخنوری - وکالت

۱۹- پیروزی بر رقیب مهم ترین هدف بود . سوفیست ها

۲۰- استدلال هایی که ظاهراً درست اما واقعا غلط هستند، نامیده می شوند. خرداد ۹۴- مغالطه یا سفسطه

۲۱- به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند و وی خود را نامید. سقراط - فیلسوفوس

۲۲- تلاش های بشر برای پاسخ به سؤال های ویژه و اساسی موجب ظهور دانش فلسفه گشته است. قانونمند

۲۳- فلسفه درباره ... و ... مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند. بنیادی ترین - نهادی ترین

۲۴- فیلسوف در اصل و ... جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند. وجود - حقیقت

۲۵- مسئله های فلسفی مانند مسئله های ... ، فقط با عملیات ... می توان به حل آنها پرداخت. ریاضی - فکری

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- بشر از طریق ایجاد جامعه های صنعتی ، مصیبت های بزرگی برای محیط زیست پدید آورده است. درست
- ۲- عدالت مهم ترین عامل دوام و بقای جامعه به شمار می آید. درست
- ۳- برخی اعتقاد دارند که نظریه های علمی پیوسته تغییر نمی کنند. نادرست
- ۴- یکی از ویژگی های انسان پرشگری است. درست
- ۵- نمی توان گفت که بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست. نادرست
- ۶- در میان انبوه اندیشه های روزانه گاهی برقی از سؤال های خاصی ما را به تفکر وا می دارند. درست
- ۷- تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ هاست. درست
- ۸- در مرحله تفکر فلسفی، انسان با سؤال های معمولی و روزانه روبرو و به دنبال پاسخ آنهاست. نادرست
- ۹- در مرحله اول تفکر، انسان با جدیت و پیوسته به سؤال های سوال های اساسی و بنیادی می پردازد که به تفکر فلسفی معروف است. نادرست
- ۱۰- مقصود ابن سینا از فطرت اول همانا مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها است. نادرست
- ۱۱- طبق دیدگاه ملاصدرا، ورود به پرسش های اساسی و تفکر در آنها مربوط به فطرت اول است. نادرست
- ۱۲- مطابق دیدگاه سقراط ، فطرت دوم مرحله برتر و عالی تر فطرت به شمار می رود. نادرست
- ۱۳- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال های اساسی موجب ظهور دانش « فلسفه » شده است. درست
- ۱۴- فلسفه فقط درباره بنیادی ترین و نهادهای ترین موضوعات زندگی انسان بحث می کند. نادرست
- ۱۵- دانشمند علم تجربی در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند. نادرست
- ۱۶- مسائل فلسفی را می توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست وجو در طبیعت حل کرد و پاسخ داد. نادرست
- ۱۷- مسائل فلسفی مانند مسائل ریاضی نیستند که فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت. نادرست
- ۱۸- لفظ فلسفه معرب کلمه " فیلسوفوس " به معنای " دوستدار دانایی " است. شهریور ۸۸ - دی ۹۷ نادرست
- ۱۹- لفظ فلسفه معرب کلمه فیلسوفیا و به معنی دوستداری دانایی است. خرداد ۹۲- درست
- ۲۰- لفظ یونانی " فیلسوفیا " به معنای " دوستدار دانش " می باشد. شهریور ۸۷ نادرست
- ۲۱- فیلسوفوس به معنای " دوستدار دانایی رفته رفته به مفهوم مغالطه کار تبدیل شد دی ۸۸ نادرست
- ۲۲- کلمه فیلسوفوس به تدریج مرادف با دانشمند شد و کلمه فلسفه مرادف با دانش شد. خرداد ۸۹ درست
- ۲۳- کلمه فیلسوفوس به تدریج مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خود گرفت خرداد ۹۰ نادرست
- ۲۴- افلاطون به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند. شهریور ۹۱- نادرست
- ۲۵- سقراط به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند. دی ۹۳- شهریور ۹۴- درست
- ۲۶- سقراط به علت تواضع و فروتنی تمایل نداشت او را سوفیست بنامند. شهریور ۹۶- درست
- ۲۷- اکنون معنای رایج سوفیست، مغالطه کار است. خرداد ۹۷ درست
- ۲۸- لفظ « فلسفه » ریشه یونانی دارد و از کلمه سوفیست گرفته شده است. شهریور ۹۷ نادرست
- ۲۹- دغدغه برخی از سوفیست ها، که بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت بود. نادرست
- ۳۰- پیروزی بر رقیب مهم ترین هدف سقراط بود. نادرست

۳۱- استدلال هایی که ظاهراً درست اما واقعا غلط هستند مغالطه یا سفسطه نامیده می شوند. درست

۳۲- فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند. درست

سوالات تستی

۱- مراحل اندیشه ورزی و تفکر در انسان به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

گزینه ۱

- ۱) روبه رو شدن با مسئله - طرح سوال - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ
- ۲) طرح سوال - روبه رو شدن با مسئله - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ
- ۳) روبه رو شدن با مسئله - تفکر در اندوخته ها - طرح سوال - رسیدن به پاسخ
- ۴) طرح سوال - روبه رو شدن با مسئله - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ

۲- کدام عبارت در مورد تفکر فلسفی درست نیست؟

گزینه ۲

- ۱) عبور از مرتبه اول تفکر و طرح پرسش های جدی و رسیدن به پاسخ
- ۲) رو به رو شدن با سوال های معمولی و روزانه و رسیدن به پاسخ
- ۳) با جدیت و پیوسته به سؤال های دسته دوم پرداختن و رسیدن به پاسخ
- ۴) رو به رو شدن با مسایل اساسی و بنیادی و رسیدن به پاسخ

۳- مراحل تفکر فلسفی در انسان به ترتیب در کدام گزینه دقیق تر بیان شده است؟

گزینه ۳

- ۱) رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - طرح پرسش ها - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت
- ۲) طرح پرسش - رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت
- ۳) رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - طرح پرسش های فلسفی - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت
- ۴) طرح پرسش - رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت

۴- همه گزینه ها بیانگر نظر ملاصدرا است بجز گزینه

گزینه ۳

- ۱) مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها را فطرت اول می گویند.
- ۲) ماندن در فطرت اول شایسته انسان نیست و انسان ها باید بکشند که از فطرت اول عبور کنند.
- ۳) انسان ها باید سعی کنند که به فطرت اول که مرحله ای برتر و عالی تر است، برسند.
- ۴) فطرت دوم پرسش های اساسی برای انسان ایجاد می کند، که سبب می شود درباره آنها بیاندیشد.

۵- کدام عبارت منظور ملاصدرا از « مرحله برتر و عالی تر » را بیان می کند؟

گزینه ۲

- ۱) فطرت اول
- ۲) فطرت دوم
- ۳) تفکر غیر فلسفی
- ۴) فلسفه مضاف

۶- نظر سوفیستها این بود که..... (سراسری ۹۳)

گزینه ۴

۱) انسان همواره در ادراکات خود دچار خطا است. ۲) انسان قادر به تشخیص درستی یا نادرستی ادراکاتش نیست.

۳) ما فقط از واقعیاتی آگاه می شویم که آنها را درک می کنیم. ۴) واقعیت تابع درک انسان است، نه درک انسان تابع واقعیت

۷- پیش از سقراط، کسانی که خود را می دانستند، معیار را می گرفتند. (خارج کشور ۹۲)

گزینه ۴

- ۱) فیلسوف - حقیقت - ادراک آدمی
- ۲) سوفیست - ادراک انسان - حواس او
- ۳) دانشمند - برخی واقعیات را - حواس آدمی
- ۴) دانشمند - حقیقت - درک شخصی فرد

۸- کلمه « سوفیست » آن گاه مفهوم اصلی خود را از دست داد که استدلال های ظاهراً ... و واقعاً ... به کار گرفته شد

گزینه ۳

و تحقق پیدا کرد. (خارج کشور ۹۰)

- ۱) درست - غلط - جدل ۲) غلط - درست - جدل ۳) درست - غلط - سفسطه ۴) غلط - درست - سفسطه.

۹- تفاوت علوم، در اصل به کدام مولفه باز می گردد؟ (خارج کشور ۹۵)

۱) موضوع (۲) روش (۳) مسائل (۴) مفاهیم

۱۰- دغدغه برخی سوفیست ها که بیشتر به اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از ... نبود و مهم ترین هدف آنان

..... بود، از این رو در استدلال های خود بیشتر از کمک می گرفتند. گزینه ۱

۱) تعلیم سخنوری و وکالت - حقیقت - پیروزی بر رقیب - مغالطه (۲) تکمیل شبیه های استدلال - حقیقت - پیروزی بر رقیب - جدل

(۳) گفتگوهای استدلالی - حقیقت - پیروزی بر رقیب - مغالطه (۴) تعلیم سخنوری و وکالت - حقیقت - پیروزی بر رقیب - جدل

۱۱- کدام عبارت درست نیست؟ گزینه ۱

۱) چگونگی کسب فضیلت ها یک مساله فلسفی است، بنابراین علوم تجربی جای بررسی و طرح آن نیست.

۲) مسائل فلسفی، از جهت روش، مانند مسائل ریاضی هستند که فقط با عملیات فکری و استدلالی می توان به جواب آنها دست یافت.

۳) مسایل هر علمی، تابع موضوع آن علم است و با تغییر موضوع، مسائل علم نیز تغییر می کند.

۴) فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند و اینها اموری اند که پایه و اساس سایر علوم به شمار می آیند..

۱۲- اساسا هر دانشی از چند جهت از سایر دانش ها متمایز و جدا می شود و این جهات در کدام گزینه آمده است؟

۱) دو - روش - هدف (۲) دو - موضوع - روش (۳) سه - هدف - روش - موضوع (۴) دو - موضوع - هدف - روش

۱۳- با توجه به نسبت های چهارگانه در منطق، رابطه « تفکر » و « تفکر فلسفی » در کدام گزینه به شکل درست بیان شده

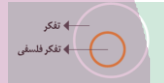
است؟ گزینه ۱

۱) عموم و خصوص مطلق

۲) عموم و خصوص من وجه -

۳) عموم و خصوص من وجه

۴) عموم و خصوص مطلق -



۱۴- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال های ویژه و اساسی موجب ظهور دانشی به نام..... شد. گزینه ۴

۱) منطق (۲) ریاضیات (۳) فلسفه (۴) فلسفه های

۱۵- تفاوت اساسی فلسفه با سایر دانش ها در کدام گزینه دقیق تر بیان شده است؟ گزینه ۱

۱) فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند.

۲) سایر دانش ها درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند.

۳) سایر دانش ها، در هر موضوعی به دنبال نهایی ترین پرسش ها درباره چیستی و چرایی امور هستند.

۴) فلسفه را نمی توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست وجو در طبیعت حل کرد و پاسخ داد.

درس دوم فصل اول : ریشه و شاخه های فلسفه

- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است .
- بخش اصلی به منزله ریشه و اساس فلسفه است و بخش های فرعی در حکم شاخه ها و ستون های فلسفه است .

□ بخش اصلی و ریشه ای فلسفه

- این بخش از فلسفه در صدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است.
- فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند؛ مثلاً بدانند که آیا در هستی قانون علیت جاری است یا نه.
- از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، آنان می خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می تواند به شناخت هستی پردازد؛ مثلاً می خواهند بدانند که آیا انسان می تواند قانون علیت را دریابد و به وجود چنین قانونی در جهان مطمئن باشد؟
- ❖ بخش اصلی و ریشه ای فلسفه را به دو بخش تقسیم می کنیم:

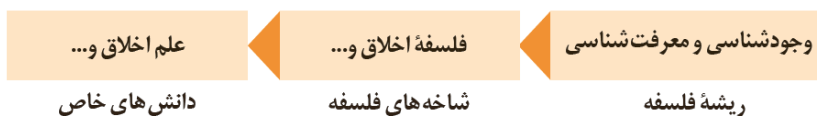
۱- هستی شناسی (ontology) که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند.

۲- معرفت شناسی (Epistemology) که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد

(نکته مهم پاورقی کتاب : فلسفه که علم درباره هستی است، در حقیقت همان وجودشناسی است و معرفت و علم به عنوان یکی از اقسام هستی، در داخل همان وجودشناسی قرار می گیرد. اما به علت مباحث فراوانی که در معرفت شناسی هست، این بخش توسعه فراوانی یافته و امروزه با عنوان مستقل معرفت شناسی مورد بحث قرار می گیرد.)

□ شاخه های فلسفه

- شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند؛ به طور مثال، اگر کسی در وجودشناسی پذیرفته باشد که «وجود بر دو قسم مادی و مجرد از ماده است» چنین کسی در انسان شناسی فلسفی خود می تواند بگوید که «انسان» نیز دارای دو بُعد مادی و مجرد است. حال، کسانی که معتقد باشند انسان دارای این دو بُعد است، در علم روان شناسی به بُعد مجرد او هم می پردازند و جایگاه آن را در رفتار و تربیت نشان می دهند .
- با تأمل فیلسوفانه در حوزه هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت، شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت شکل می گیرد. امروزه دامنه این فلسفه ها بسیار توسعه یافته و هر رشته علمی، دارای شاخه ای از فلسفه نیز هست، مانند فلسفه فرهنگ، فلسفه تکنولوژی و فلسفه حقوق.



- این قبیل شاخه های فلسفه را « فلسفه های مضاف» می نامند؛ زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است؛ مانند « فلسفه فیزیک » که به کلمه « فیزیک » اضافه شده است.

□ فلسفه های مضاف و علوم

مبانی و زیربنای علوم در فلسفه های مضاف قرار دارند و آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد.

فلسفه علوم اجتماعی :

فلسفه علوم اجتماعی، یکی از شاخه های مهم فلسفه است.

یکی از مسائل مورد توجه در این شاخه از فلسفه این است که آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد.

□ عقیده فیلسوفان پیرو اصالت فرد :

جامعه را مجموعه ای از افراد می دانند که کنار هم زندگی می کنند.

همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم می دانند.

برنامه ریزی های فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن، بیشتر به منافع و رشد فرد توجه دارند.

▪ در سیاست معتقد به « لیبرالیسم » هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است.

عقیده فیلسوفان پیرو اصالت جامعه :

افراد یک جامعه، نقش و هویت مستقلی ندارند.

افکار و اندیشه ها و تصمیم گیری های افراد یک جامعه، تابع شرایط اجتماعی آنان است.

▪ برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان، سمت و سوی اجتماعی دارد.

▪ منافع جمع را در اولویت است و در سیاست به « سوسیالیسم » اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است.

➤ میزان تأثیر دیدگاه اصالت فرد و دیدگاه اصالت جامعه :

این دو دیدگاه که در فلسفه علوم اجتماعی شکل گرفته، تأثیر زیادی در شیوه بررسی مسائل اجتماعی توسط جامعه شناسان دارد.

ایران پژوهش
توشه ای برای موفقیت

□ طرفداران اصالت فرد و جامعه :

▪ در این میان، دیدگاه سومی نیز وجود دارد که معتقد است هم افراد اصالت دارند و هم جامعه.

▪ این دیدگاه فلسفی قائل به اصالت فرد و جامعه، توأمان است.

▪ فیلسوفان معتقد به دیدگاه سوم معتقدند؛ گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچ گاه قدرت

اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند.

▪ جامعه صرفاً جمع افراد نیست، بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح جمعی در

جامعه شکل می گیرد که می تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آنها را تابعی از ویژگی ها و ساختار جامعه قرار دهد.

پاسخ فعالیت های درس دوم

دسته بندی ص ۱۲

گزاره های فلسفی زیر، نظر برخی فیلسوفان درباره موضوعات مختلف فلسفی است. اگر دقت کنید، می بینید برخی از آنها اساسی تر و بنیادی تر هستند. این گزاره ها را در ردیف یک و بقیه را در ردیف دو علامت بزنید؟

| ردیف | نوع گزاره | ۱ | ۲ |
|------|--|---|---|
| ۱ | انسان مدنی بالطبع است و ذاتا به زندگی اجتماعی گرایش دارد. | | * |
| ۲ | هستی یک وجود بی انتهاست و حد و مرزی ندارد. | * | |
| ۳ | اساس حکومت و سیاست را قدرت تشکیل می دهد. | | * |
| ۴ | زندگی را با امید به آینده بنا کن، زیرا جهان طراحی دقیقی دارد. | | * |
| ۵ | تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می کند. | | * |
| ۶ | درک واقعیت های هستی امکان پذیر است. | | * |
| ۷ | برخی از فضائل اخلاقی ذاتا ارزشمند هستند. | | * |
| ۸ | قانون علیّت در سراسر عالم جاری و ساری است. | * | |
| ۹ | موجودات جهان به دو دسته زوال پذیر و زوال ناپذیر تقسیم می شوند. | * | |
| ۱۰ | راه های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد. | | * |

بررسی ص ۱۳

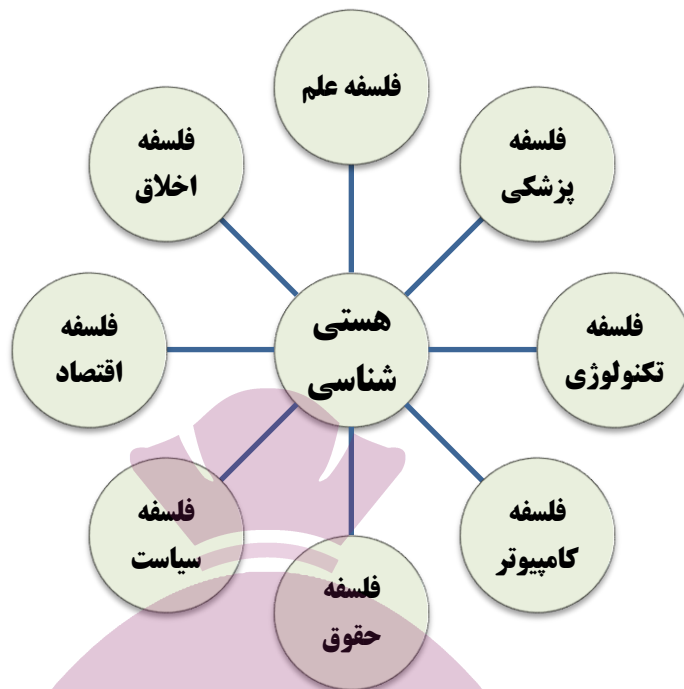
بار دیگر به فعالیت ابتدای درس بازگردید و ببینید که کدام یک از گزاره ها مربوط به وجودشناسی و کدام مربوط به

معرفت شناسی است.

| ردیف | نوع گزاره | وجودشناسی | معرفت شناسی |
|------|--|-----------|-------------|
| ۱ | هستی یک وجود بی انتهاست و حد و مرزی ندارد. | * | |
| ۲ | درک واقعیت های هستی امکان پذیر است. | | * |
| ۳ | قانون علیّت در سراسر عالم جاری و ساری است. | * | |
| ۴ | موجودات جهان به دو دسته زوال پذیر و زوال ناپذیر تقسیم می شوند. | * | |
| ۵ | راه های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد. | | * |

تکمیل کنید : ص ۱۵

نام فلسفه های مضافی را که می دانید، در دایره های خالی بنویسید.



دسته بندی ص ۱۷

بار دیگر به فعالیت ابتدای درس بازگردید و نام فلسفه مضاف هر یک از گزاره ها را که به شاخه های فلسفه مربوط می شوند، روبه روی آنها بنویسید.

| ردیف | گزاره | نام فلسفه مضاف |
|------|---|-----------------------------------|
| ۱ | انسان مدنی بالطبع است و ذاتا به زندگی اجتماعی گرایش دارد. | فلسفه اجتماع یا فلسفه جامعه شناسی |
| ۲ | اساس حکومت و سیاست را قدرت تشکیل می دهد. | فلسفه سیاست |
| ۳ | زندگی را با امید به آینده بنا کن، زیرا جهان طراحی دقیقی دارد. | فلسفه انسان، انسان شناسی |
| ۴ | تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می کند. | فلسفه تاریخ |
| ۵ | انسان توانایی درک واقعیت های هستی را دارد. | معرفت شناسی |
| ۶ | برخی از فضائل اخلاقی ذاتا ارزشمند هستند. | فلسفه اخلاق |

سوالات تشریحی

- ۱- بخش اصلی دانش فلسفه درصدد بحث و بررسی چه موضوعی است؟
بخش اصلی که به منزله ریشه و اساس فلسفه است، درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است.
- ۲- مقصود از بخش های فرعی دانش فلسفه چیست؟
بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند.
- ۳- تفاوت و تمایز میان بخش اصلی دانش فلسفه و بخش های فرعی آن را در چه می دانید؟ آن را توضیح دهید.
بخش اصلی که به منزله ریشه و اساس فلسفه است، درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است و بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند.
- ۴- تلاش فیلسوفان در بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن به چه هدفی صورت می گیرد؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند؛ مثلاً بدانند که آیا در هستی قانون علیت جاری است یا نه و از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، آنان می خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می تواند به شناخت هستی بپردازد.
- ۵- اصطلاحات روبرو را تعریف کنید. الف) هستی شناسی ب) معرفت شناسی
الف) درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند.
ب) توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد.
- ۶- اگر کسی در وجودشناسی بپذیرد که «وجود بر دو قسم مادی و مجرد است» در زمینه انسان شناسی فلسفی چه دیدگاهی خواهد داشت؟
اگر کسی در وجودشناسی پذیرفته باشد که «وجود بر دو قسم مادی و مجرد از ماده است» چنین کسی در انسان شناسی فلسفی خود می تواند بگوید که «انسان» نیز دارای دو بُعد مادی و مجرد است.
- ۷- کسانی که در زمینه انسان شناسی فلسفی، انسان را دارای دو بعد مادی و مجرد می دانند در علم روان شناسی چه دیدگاهی خواهند داشت؟
کسانی که معتقد باشند انسان دارای این دو بُعد مادی و مجرد است، در علم روان شناسی به بُعد مجرد او هم می پردازند و جایگاه آن را در رفتار و تربیت نشان می دهند.
- ۸- آیا امروزه می توان برای هر رشته علمی یک شاخه از فلسفه نیز طراحی کرد و نحوه پیدایش آنها چگونه است؟
آری، با تأمل فیلسوفانه در حوزه هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت، شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت شکل می گیرد. امروزه دامنه این فلسفه ها بسیار توسعه یافته و هر رشته علمی، دارای شاخه ای از فلسفه نیز هست، مانند فلسفه فرهنگ، فلسفه تکنولوژی و فلسفه حقوق.
- ۹- چرا به «فلسفه علم»، «فلسفه هنر»، «فلسفه اخلاق» و «فلسفه فیزیک» فلسفه های مضاف می گویند؟
زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است؛ مانند «فلسفه فیزیک» که به کلمه «فیزیک» اضافه شده است یا «فلسفه علم» که به کلمه «علم» اضافه شده است.

۱۰- تعیین کنید هریک از موارد زیر به دانش های خاص برمی گردد یا به ریشه و شاخه های فلسفه .

(۱) معرفت شناسی (۲) فلسفه حقوق (۳) فلسفه تکنولوژی (۴) علم اقتصاد (۵) علم پزشکی (۶) فلسفه علم پزشکی (۷) وجودشناسی
(۱، ۷) ریشه فلسفه (۲، ۳، ۶) شاخه های فلسفه (۴، ۵) دانش های خاص

۱۱- آیا بین فلسفه های مضاف و علوم مختلف ارتباط وجود دارد؟ توضیح دهید .

آری زیرا مبانی و زیربناهای علوم در فلسفه های مضاف قرار دارند و آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد .

۱۲- مکتب اصالت فرد در علوم اجتماعی را توضیح دهید.

گروهی از فیلسوفان پیرو اصالت فرد هستند و جامعه را مجموعه ای از افراد می دانند که کنار هم زندگی می کنند.

۱۳- مکتب اصالت جامعه در علوم اجتماعی را توضیح دهید .

گروهی از فیلسوفان معتقدند که افراد یک جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند و افکار و اندیشه ها و تصمیم گیری های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است .

۱۴- اثرات اعتقاد به اصالت فرد یا اعتقاد به اصالت جامعه سبب بروز چه نوع مکاتبی می شود ؟

آنان که به اصالت فرد معتقدند، همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم دانسته و در برنامه ریزی های فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن، بیشتر به منافع و رشد فرد توجه دارند و در سیاست نیز معتقد به « لیبرالیسم » هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است.

اما آنان که به اصالت جامعه معتقدند ، برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان، سمت و سویی اجتماعی دارد و منافع جمع را در اولویت قرار می دهند و در سیاست نیز به « سوسیالیسم » اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است.

۱۵- دیدگاه فلسفی کسانی که هم به اصالت فرد و هم به اصالت جامعه معتقدند را بنویسید.

این گروه معتقدند که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند. همچنین معتقدند که جامعه صرفاً جمع افراد نیست، بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح جمعی در جامعه شکل می گیرد که می تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آنها را تابعی از ویژگی ها و ساختار جامعه قرار دهد. این دیدگاه فلسفی قائل به اصالت فرد و جامعه، توأمان است.

۱۶- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|---|----------------|
| الف) تأمین کننده منافع جمعی | ۱- هستی شناسی |
| ب) بررسی قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود | ۲- سوسیالیسم |
| ج) تأمین کننده آزادی های فردی | ۳- معرفت شناسی |
| د) توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد . | ۴- لیبرالیسم |

جواب: الف) ۲ (ب) ۱ (ج) ۴ (د) ۳

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- دو بخش اصلی و ریشه ای فلسفه را نام ببرید؟ وجودشناسی - معرفت شناسی
- ۲- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند چه نامیده می شود؟ وجودشناسی یا هستی شناسی
- ۳- دانشی که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد چه نام دارد؟ معرفت شناسی
- ۴- یکی از شاخه های مهم فلسفه است را نام ببرید. فلسفه علوم اجتماعی
- ۵- یکی از مسائل مورد توجه فلسفه علوم اجتماعی چیست؟ آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد
- ۶- به ترتیب، کدام مکتب، تأمین کننده آزادی های فردی و کدام یک تأمین کننده منافع جمعی است؟ لیبرالیسم - سوسیالیسم
- ۷- کدام دیدگاه معتقد است که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند؟ دیدگاه کسانی که هم به اصالت فرد اعتقاد دارند و هم به اصالت جامعه

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- دانش فلسفه دارای یک بخش ... و تعدادی بخش های ... است. اصلی - فرعی
- ۲- بخش اصلی دانش فلسفه به منزله ... فلسفه است و بخش های فرعی در حکم ... آند. ریشه و اساس، شاخه ها و ستون های
- ۳- بخش اصلی فلسفه درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت ... و مسائل پیرامون آن است. وجود
- ۴- فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود است به دست آورند. هستی (وجود)
- ۵- از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر ... آن است، فیلسوفان می خواهند توانایی انسان در شناخت ... را بررسی کنند. امکان شناخت - هستی
- ۶- فیلسوفان می خواهند بدانند که بشر ... و با چه ... می تواند به شناخت هستی پردازد. چگونه - ابزاری
- ۷- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه به دو بخش و تقسیم می شود. هستی شناسی - معرفت شناسی
- ۸- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند... نامیده می شود. هستی شناسی
- ۹- دانشی است که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد. معرفت شناسی
- ۱۰- و را به محدوده های خاص منتقل
شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی
- ۱۱- به شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت می گویند. فلسفه های مضاف
- ۱۲- یکی از مسائل مورد توجه در این است که آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد. فلسفه علوم اجتماعی
- ۱۳- آنان که به اصالت فرد معتقدند، همواره منافع و مصلحت ... را بر منافع ...مقدم می دانند. افراد - جامعه
- ۱۴- طرفداران اصالت فرد، در سیاست معتقد به ... هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است. لیبرالیسم

۱۵- طرفداران اصالت جامعه معتقدند که افراد یک جامعه، نقش و . مستقلی ندارند و افکار و تصمیم گیری های آنان تابع
اجتماعی آنان است. هويت - شرايط

۱۶- طرفداران اصالت جامعه در سياست به... اعتقاد دارند که تأمين کننده منافع جمعی است. «سوسيالیسم»

تعيين کنید کدام عبارت صحيح و کدام غلط می باشد.

- ۱- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است. درست
- ۲- بخش اصلی دانش فلسفه به منزله ستون فلسفه است و بخش های فرعی در حکم ریشه آنند. نادرست
- ۳- بخش اصلی فلسفه درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است. درست
- ۴- فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند. درست
- ۵- از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر ضرورت شناخت آن است، فیلسوفان می خواهند توانایی انسان در شناخت جهان را بررسی کنند. نادرست
- ۶- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه به دو بخش هستی شناسی و وجود شناسی تقسیم می شود. نادرست
- ۷- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند معرفت شناسی نامیده می شود نادرست
- ۸- فلسفه های مضاف آن دانش هایی هستند که می خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار دهند نادرست
- ۹- شاخه های دانش فلسفه، درصددند، قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های عام منتقل سازند. نادرست
- ۱۰- یکی از مسائل مورد توجه در فلسفه علوم این است که آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد. نادرست
- ۱۱- آنان که به اصالت فرد معتقدند، همواره منافع و مصلحت جامعه را بر منافع افراد مقدم می دانند. نادرست
- ۱۲- طرفداران اصالت فرد، در سياست معتقد به سوسيالیسم هستند که تأمين کننده آزادی های فردی است. نادرست
- ۱۳- طرفداران اصالت جامعه معتقدند که افراد یک جامعه، نقش و هويت مستقلی ندارند. درست
- ۱۴- طرفداران اصالت جامعه معتقدند افکار و تصمیم گیری های افراد یک جامعه، تابع شرايط اجتماعی آنان است. درست
- ۱۵- طرفداران اصالت جامعه در سياست به لیبرالیسم اعتقاد دارند که تأمين کننده منافع جمعی است. نادرست
- ۱۶- می توان برای هر رشته علمی یک شاخه ای از فلسفه نیز طراحی کرد. درست

سوالات تستی

گزینه ۲

۱- کدام سوال به حوزه معرفت شناسی مربوط می شود؟ (سراسری ۹۷)

(۱) آیا یادآوری خاطرات خوشایند، بر همه انسان ها تاثیر یکسان دارد؟

(۲) اگر حافظه جایی در مغز داشته باشد، خاطره یک کوه را چگونه می توان جای داد؟

(۳) آیا فعالیت های مغز در زمان مرور خاطرات خوش و خاطرات رنج آور، یکسان است؟

(۴) زمانی که انسان محبت نسبت به کسی را در خود احساس می کند، آیا در مغز او نیز اتفاقی می افتد

۲- کدام دانش به این سوال که « آیا در هستی، قانون علیت جاری است یا نه.» پاسخ مناسب تری می دهد؟ گزینه ۳

(۱) معرفت شناسی (۲) فلسفه طبیعت (۳) وجودشناسی (۴) فلسفه مضاف

۳- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند و دانشی که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد

مطالعه قرار می دهد به ترتیب عبارتند از: گزینه ۴

(۱) معرفت شناسی- هستی شناسی (۲) هستی شناسی- وجود شناسی (۳) فلسفه های مضاف- هستی شناسی (۴) هستی شناسی- معرفت شناسی

۴- کدام یک از گزینه های زیر، در زمره فلسفه های مضاف به شمار نمی رود؟

(۱) فلسفه علم (۲) فلسفه هنر (۳) فلسفه اخلاق (۴) فلسفه اولی گزینه ۴

۵- درباره فلسفه های مضاف نمی توان گفت:

(۱) فلسفه فرهنگ، فلسفه تکنولوژی و فلسفه حقوق فلسفه های مضاف می گویند زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است.

(۲) میان هستی شناسی و معرفت شناسی هر فیلسوف با فلسفه مضاف او رابطه وجود دارد.

(۳) به عنوان یکی از اقسام هستی، در داخل همان وجودشناسی قرار می گیرد و امروزه با عنوان مستقل مطرح می شوند.

(۴) آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد.

۶- کدام عبارت نادرست است؟ گزینه ۱

(۱) مبانی و زیربنای علوم در معرفت شناسی قرار دارند.

(۲) شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی اند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند.

(۳) آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد.

(۴) امروزه دامنه فلسفه های مضاف بسیار توسعه یافته و هر رشته علمی، دارای شاخه ای از فلسفه است.

۷- به ترتیب، کدام نظریه، به درستی توصیف کننده لیبرالیسم و سوسیالیسم در سیاست است؟ گزینه ۲

(۱) اصالت فرد- اصالت فرد و اصالت جامعه (۲) اصالت فرد- اصالت جامعه

(۳) اصالت جامعه- اصالت فرد (۴) اصالت جامعه- اصالت فرد و جامعه

درس سوم فصل اول : فلسفه و زندگی

□ نقش باورها در زندگی انسان ها

هر یک از ما باورهایی دربارهٔ جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی و نظایر آن داریم . با همین باورها زندگی می کنیم و براساس آنها تصمیم می گیریم و عمل می نماییم . این باورهای ما، گاه با باورهای دیگران یکسان است و گاهی هم متفاوت و مختلف . شاید دلایل برخی از این باورها را بدانیم و برای برخی هم دلیلی نداشته باشیم و صرفاً طبق عادت آنها را قبول کرده باشیم .

اگر ما اطرافیان خود را زیر نظر بگیریم، می توانیم از لابه لای حرف هایی که می زنند یا رفتارهایی که دارند، برخی از ریشه های فکری آنان را کشف کنیم و بدانیم که آنها چه عقیده و طرز فکری دارند و اگر بتوانیم این طرز فکرها و عقیده ها را خوب تحلیل کنیم، می توانیم حدس بزنیم که آنها در زندگی خود به دنبال چه اهدافی هستند و زندگی برای آنان چه معنایی دارد.

برخی انسان ها، فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی به تفکر دربارهٔ باورهای خود می پردازند و نسبت به پذیرش آن باورها می اندیشند. آنان می خواهند به ریشهٔ باورهای خود برسند و چرایی قبول آنها را مرور کنند. اینان، در حقیقت، اهل تفکر فلسفی هستند و می کوشند بنیان های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند.

- باورهای ما درباره جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی است که فلسفهٔ ما را می سازند و نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف ما دارند .
- باورهای ما درباره جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی است که به ما می گویند چه چیزی را هدف زندگی قرار دهیم و از چه چیزی گریزان باشیم .
- بنابراین می توان گفت: فلسفهٔ هر کسی معنا دهنده به زندگی اوست.

ایران نوشته
نوشته ای برای موفقیت

□ اندیشیدن فیلسوفانه یعنی :

- غور در باورهای مربوط به زندگی
 - آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها
 - پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست.
- در این صورت، ما هستیم که بنیان های فکری خود را می سازیم و به آزاداندیشی می رسیم و شخصیتی مستقل کسب می کنیم.

□ دسته بندی اقسام مردم بر اساس باورها :

می توانیم مردم را به سه دسته تقسیم کنیم :

(۱) دنباله رو دیگران در انتخاب هدف :

برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته اند، قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنباله روی دیگرانند.

(۲) برگزیننده هدف قابل قبول بر اساس اندیشه خود :

برخی آدم ها به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی درست درباره جهان و انسان می رسند؛ در نتیجه می توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند.

(۳) داشتن نگرش نادرست و به خطا رفته در انتخاب هدف

برخی آدم ها نیز نگرشی نادرست درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است .

□ برخی فواید تفکر فلسفی :

فلسفه هر کس نقش اساسی در معنابخشی به زندگی او دارد .

اگر انسان قدرت تفکر خود را افزایش دهد و با استفاده از قواعد تفکر، در امور فلسفی بیندیشد، به فواید و ثمرات دیگری نیز دست می یابد، از جمله :

(۱) دوری از مغالطه ها (۲) استقلال در اندیشه (۳) رهایی از عادات غیرمنطقی

□ دوری از مغالطه ها :

✓ یکی از فواید آموختن منطق، توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست.

✓ فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد.

➤ فیلسوفان می کوشند با کاستن از مغالطه ها :

▪ فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی ، ارائه دهند.

▪ با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، آن فهم را بیان کنند.

▪ می کوشند نمونه هایی از مغالطه های فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران، بیان کنند.

برخی از افراد بدون اینکه دقت کنند، گاهی در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته اند

و براساس آن تصمیم می گیرند و عمل می کنند .

□ استقلال در اندیشه

- ✓ فیلسوف واقعی، هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند.
- ✓ **فیلسوف واقعی درباره استدلال ها می اندیشد و اگر به درستی آنها پی برد، آنها را می پذیرد.**
- ✓ عموم مردم در مسائل بنیادین فلسفی می اندیشند و نظر می دهند؛ درباره خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج.

❖ فرق فیلسوف با دیگران:

- اولاً، فیلسوف درباره مسائل مختلف مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج به نحو جدی فکر می کند.
- ثانیا، فیلسوف با روش درست وارد مسائل مختلفی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج می شود و پاسخ می دهد.
- ثالثاً، فیلسوف، تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

□ رهایی از عادات های غیر منطقی

- ✓ در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه افکار و عقایدی را می پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند، بلکه بر اثر مرور زمان و یا انتقال از نسلی به نسل بعد، به صورت یک عادت در آمده است و اکثر افراد جامعه، بدون دلیل آنها را پذیرفته اند.
- ✓ افراد متفکر و اندیشمند این جوامع، این قبیل افکار را مورد نقد و ارزیابی قرار می دهند و اگر منطبق با عقل و استدلال نبود، آنها را نمی پذیرند و تلاش می کنند سایر مردم را نیز به باطل بودن آن افکار آگاه کنند. از آنجا که این قبیل عقاید و افکار مورد پذیرش مردم است، در ابتدا مردم سخنان این متفکران را نمی پذیرند و حتی دیدگاه آن متفکران را باطل و انحرافی می نامند.
- ✓ استقامت و پایداری متفکران حق طلب و دلسوز، بالاخره مؤثر واقع می شود و باطل بودن آن افکار و عقاید، با درخشش حقیقت، به تدریج نمایان می گردد و بسیاری از مردم عقاید باطل خود را کنار می گذارند و به حقیقت رو می آورند.

مثالی برای استقلال در اندیشه و رهایی از عادات

- افلاطون که از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ است، تمثیلی دارد که به «تمثیل غار» مشهور است.
- افلاطون در این تمثیل می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند.
- این تمثیل که در کتاب جمهوری افلاطون آمده با اندکی تغییر و ساده کردن عبارت ها به شرح ذیل بیان می شود :
- ✓ غاری را در زیر زمین در نظر بیاورید که در آن مردمانی به بند کشیده شده و توانایی حرکت و جابه جایی ندارند.
- ✓ روی این مردم به دیوار جلو و پشتشان به دهانه غار است.
- ✓ این زندانیان هرگز بیرون را ندیده اند و جز روبه رو، توانایی دیدن هیچ طرفی را ندارند.
- ✓ به فاصله ای دور، در بیرون غار، آتشی روشن است که پرتو آن از طریق دهانه غار به درون می تابد.

- ✓ میان آتش و زندانیان راهی است بر بلندی که انسان ها و حیوانات و اشیای مختلف در این راه در حال رفت و آمد هستند و کارهایی انجام می دهند. برخی با یکدیگر سخن می گویند و برخی خاموش اند.
- ✓ سایه این انسان ها و حیوانات و اشیا بر دیواری که جلوی روی مردمان به بند کشیده شده قرار دارد، می افتد و اینها که جز این سایه ها را ندیده اند، این سایه ها را اشیای واقعی می پندارند و تصور می کنند که همه آن سر و صداها از همین سایه هاست.
- ✓ اگر بر حسب اتفاق، زنجیر یکی از این مردمان پاره شود و مجبورش کنند که یک باره برخیزد و روی خود را برگرداند و به سوی مدخل غار برود و به بیرون بنگرد، روشنایی چشم هایش را خیره خواهد ساخت و نخواهد توانست عین اشیایی را که تا آن هنگام تنها سایه های آنها را می دید، درست ببیند و اگر بخواهد در خود روشنایی بنگرد، طبیعی است که چشم هایش به دردی طاقت فرسا مبتلا خواهد شد؛ پس این فرد از روشنایی خواهد گریخت و باز به سایه ها پناه خواهد برد زیرا آنها را بهتر می توانست ببیند. عقیده اش هم نسبت به سایه ها استوارتر خواهد شد.
- ✓ اگر در این میان، شخص تنومندی او را از سربالایی بالا بکشد و از غار بیرون آورد و او را به طور کامل در معرض نور قرار دهد، چنان رنج عظیمی بر او تحمیل می شود که توانایی تحمل آن را از دست خواهد داد و نخواهد توانست هیچ یک از اشیای حقیقی را ببیند و بشناسد؛ ما اگر به تدریج چشمان وی با روشنایی خو بگیرد، یکی پس از دیگری آن انسان ها و حیوانات و اشیای واقعی را خواهد شناخت و به سایه بودن آن تصاویر که تا چندی قبل آنها را حقیقت می پنداشت، پی خواهد برد. این شخص پس از مدتی خواهد توانست آن نوری را که عامل شناخت اشیا است ببیند و بداند که تا اندازه ای خورشید عامل هر چیزی است که او و دوستانش در زندان به دیدن آنها عادت کرده بودند.
- ✓ حالا در نظر بگیرید که این زندانی از بند رها شده، غار را به یاد آورد. آیا از وضعیت خود احساس رضایت نخواهد کرد و بر حال گرفتاران در بند تأسف نخواهد خورد؟ و آیا برای رهایی آنان از زندان تلاش نخواهد کرد؟
- ✓ در نهایت، تصور کنید که زندانی آزاد شده را از نور بگیرند و به داخل غار ببرند و در جایگاه قبلی اش قرار دهند.
- ✓ او به اطرافیان می گوید این سایه ها حقیقی نیستند. اما همه حرف او را خنده دار خواهند یافت.
- ✓ آنان به یکدیگر می گویند او از غار بیرون رفت و با خراب شدن و از دست دادن بینایی اش برگشت.

توشه ای برای موفقیت

پاسخ فعالیت های درس سوم

بررسی ص ۲۶

با توجه به تمثیل غار افلاطون،

- ۱- گذر از یک وضع عادی و رسیدن به حقیقت برتر در پرتو چه چیزی به دست می آید؟
راه رهایی از نظر افلاطون، در آمدن از سکون، بلند شدن از جای خود، تحمل رنج اولیه برای عبور و رسیدن به حقیقت است.
- ۲- رنج رسیدن به حقیقت شیرین تر است یا راحتی ماندن در نادانی؟ رنج رسیدن به حقیقت
- ۳- چرا افلاطون ماندن در نادانی و عدم درک حقیقت را به زندانی در بند تشبیه کرده است؟
نادان، محصور در توهمات خود است. محدوده دید او بسیار کوچک است. بنا بر ضرب المثل، تا نوک بینی خود را بیشتر نمی بیند. گویا دست و پایش بسته است و از انواع حرکت هایی که می تواند بکند و انواع تصمیم هایی که می تواند بگیرد، خبر ندارد. به همین جهت، انجام نمی دهد. و زندانی در بند نیز چنین است. پس می توان گفت هر دو گروه درباره شکل زندگی و تصمیم گیری هایی که می کنند، نمی اندیشند و گرفتار زنجیر عادات خود و آداب و رسوم هستند که جامعه، صحیح یا غلط، بر آنها تحمیل کرده است. حوادث جهان و زندگی نیز آنان را به تأمل و تفکر نمی کشاند.
- ۴- بزرگ ترین زندانی که بشر ممکن است به آن گرفتار شود، چیست؟
این سؤال درباره زندان انسان از دیدگاه افلاطون است.
افلاطون در تمثیل غار، انسان معمولی را انسانی تصور می کند که در غاری زندانی است و توانایی عبور از وضع موجود را ندارد. او انسانی است که به همین مشاهدات محسوس قناعت می کند و همین دنیا و عالم محسوس را حقیقت هستی تلقی می کند و چشمش به روی مراتب دیگر عالم باز نشده است.
- ۵- چرا زندانیان در غار سخنان جوانی را که برای رهایی آنها برگشته بود، نمی پذیرفتند؟
این سؤال، مقایسه ای میان انسان رها شده از غار و افراد محبوس در زندان است.
مشکل بزرگ انسان های متفکر، نامأنوس بودن سخنان آنها برای آدم های معمولی است. انسان های عادی به وضع موجود خود عادت کرده اند و هر کس بخواهد این عادت را به هم بریزد برای آنان سخت و دردآور است.
آدم های معمولی چون اهل تفکر نیستند همین وضع موجود را بیشتر می پسندند و از تغییر و تحول بیزارند.
البته نکات فراوان دیگری می توان در پاسخ این سه سؤال مطرح کرد که نتیجه تفکر در تمثیل غار است.

سوالات تشریحی

- ۱- ویژگی تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه در مورد باورهای زندگی چیست؟ و چگونه می تواند، فرد را به آزاد اندیشی و شخصیت مستقل برساند؟
- تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، غور در باورهای مربوط به زندگی است. آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها. راه پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست. در این صورت، این خودمان هستیم که بنیان های فکری خود را می سازیم و به آزاداندیشی می رسیم و شخصیتی مستقل کسب می کنیم.
- ۲- با توجه به نقش باورهای مربوط به زندگی در تعیین و انتخاب اهداف، انسانها را می توان به چند دسته تقسیم کرد؟ می توانیم مردم را به سه دسته تقسیم کنیم:
- ۱) برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته اند، قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنباله روی دیگرانند.
- ۲) برخی آدم ها به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی درست درباره جهان و انسان می رسند؛ در نتیجه می توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند.
- ۳) برخی آدم ها نیز نگرشی نادرست درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است.
- ۳- سه مورد از فواید تفکر فلسفی را نام ببرید. ۱) دوری از مغالطه ها ۲) استقلال در اندیشه ۳) رهایی از عادات غیرمنطقی
- ۴- نقش تفکر فلسفی و ارتباط آن با منطق در دوری از مغالطه ها چگونه نقشی است؟ توضیح دهید.
- یکی از فواید آموختن منطق توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست. فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد.
- ۵- کوشش فیلسوفان برای دوری از مغالطه به چه هدفی صورت می گیرد؟
- فیلسوفان می کوشند با کاستن از مغالطه ها، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل زندگی روزمره ارائه دهند، با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، آن فهم را بیان کنند. آنان همچنین می کوشند نمونه هایی از مغالطه ها را جهت عبرت گرفتن دیگران، بیان کنند. برخی از افراد بدون اینکه دقت کنند، گاهی در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته اند و براساس آن تصمیم می گیرند و عمل می کنند.
- ۶- دو ویژگی از مهمترین ویژگی های فیلسوف واقعی را بنویسید.
- فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را برپایه توهّم تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. فیلسوف واقعی در استدلال ها تفکر می کند و اگر به درستی آنها پی برد، می پذیرد.
- ۷- فرق اندیشه یک فیلسوف با دیگران درباره مسائل بنیادین فلسفه چیست؟
- اولاً، فیلسوف درباره مسائل مختلف مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج به نحو جدی فکر می کند.
- ثانیا، فیلسوف با روش درست وارد مسائلی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج می شود و پاسخ می دهد.
- ثالثا فیلسوف تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

۸- واکنش مردمی که عادات غیرمنطقی دارند نسبت به نقد و ارزیابی این افکار غیرمنطقی توسط متفکران و اندیشمندان چیست؟
 در ابتدا مردم سخنان این متفکران را نمی پذیرند و حتی دیدگاه آن متفکران را باطل و انحرافی می نامند.
 ۹- چرا در تمثیل غار افلاطون، زندانی نمی تواند مستقیماً به سمت دهانه غار روانه شود و به روشنایی آتش بیرون نگاه کند؟
 زیرا روشنایی چشم هایش را خیره خواهد ساخت و نخواهد توانست عین اشیا را که تا آن هنگام تنها سایه های آنها را می دید، درست ببیند و اگر بخواهد در خود روشنایی بنگرد، طبیعی است که چشم هایش به دردی طاقت فرسا مبتلا خواهد شد؛ بنابراین این فرد از روشنایی خواهد گریخت و باز به سایه ها پناه خواهد برد زیرا آنها را بهتر می توانست ببیند. عقیده اش هم نسبت به سایه ها استوارتر خواهد شد

۱۰- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|--|-----------------------|
| (الف) از فواید تفکر فلسفی . | (۱) فیلسوف واقعی |
| (ب) آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها | (۲) دوری از مغالطه ها |
| (ج) سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد | (۳) تفکر فلسفی |
| (د) افلاطون با بیان آن می خواهد ، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند تمثیل | (۴) غار افلاطون |
- جواب) الف) ۲ (ب) ۳ (ج) الف (د) ۴

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- اهل تفکر فلسفی می کوشند بنیان های فکری خود را در کدام چارچوب قرار دهند؟ چارچوب عقل و منطق
- ۲- چه مسائل یا اموری، فلسفه ما را می سازند و نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف ما دارند؟ باورهای مربوط به زندگی
- ۳- این عبارت که « فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند . » بیانگر کدام مورد از فواید تفکر فلسفی است ؟ استقلال در اندیشه
- ۴- هدف افلاطون از بیان تمثیل غار چیست ؟
می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند.
- ۵- افلاطون تمثیل غار خود را در کدام کتاب خویش مطرح می نماید؟ کتاب جمهوری

توشه ای برای موفقیت

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- اهل تفکر فلسفی می کوشند بنیان های فکری خود را در چارچوب ... و ... قرار دهند. عقل - منطق
- ۲- تفکر ... و اندیشیدن فیلسوفانه غور در ... مربوط به زندگی است. فلسفی - باورهای
- ۳- مقصود از تفکر فلسفی، آموختن چرایی و یافتن دلایل ... یا باورهای مربوط به زندگی. درستی - نادرستی
- ۴- باورهایی که ما را می سازند، نقش تعیین کننده در انتخاب ... ما دارند. فلسفه - اهداف
- ۵- فلسفه هر کس ... به زندگی اوست. معنا دهنده
- ۶- برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب ... دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر ... دیگرانند. هدف - دنباله روی
- ۷- برخی آدم ها به اموری مانند ... انسان و جهان می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی ... درباره جهان و انسان می رسند. حقیقت - درست
- ۸- برخی آدم ها نگرشی ... درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است. نادرست - خطا
- ۹- با پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست، می توانیم بنیان های فکری خود را بسازیم و به برسیم و شخصیتی ... کسب کنیم. آزاداندیشی - مستقل
- ۱۰- فلسفه از توانایی منطق کمک می گیرد تا اندیشه های ... را از تفکرات ... تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد. درست - غلط
- ۱۱- فیلسوفان می کوشند با کاستن از ...، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل زندگی روزمره ارائه دهند، با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، آن ... را بیان کنند. مغالطه ها - فهم
- ۱۲- فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون ... نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب دلیل - بنا نمی کند.
- ۱۳- فرق فیلسوف با دیگران در این است که فیلسوف درباره همه مسائل فلسفی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج به نحو جدی ... می کند. بنیادین - فکر
- ۱۴- افلاطون در تمثیل غار می خواهد نشان دهد که چگونه ...، انسان را به سمت حقیقتی هدایت می کند. فلسفه - آزادی
- ۱۵- افلاطون دستیابی به آزادی حقیقی را در کتاب به کمک بیان داشته است. جمهوری - تمثیل غار

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- همه ما باورهایی دربارهٔ جهان، انسان، مرگ و عدالت داریم و براساس آنها تصمیم می گیریم و عمل می نماییم. درست
- ۲- همه انسان ها، فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی دربارهٔ باورهای خود فکر می کنند و نسبت به پذیرش آن باورها می اندیشند.
نادرست
- ۳- تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، غور در باورهای مربوط به زندگی است. درست
- ۴- در حقیقت، اهل تفکر فلسفی می کوشند بنیان های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند. درست
- ۵- باورهایی که فلسفه ما را می سازند، نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف ما دارند. درست
- ۶- فلسفه هر کس معنادهنده به زندگی اوست. درست
- ۷- یکی از فواید آموختن فلسفه توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست. نادرست
- ۸- منطق از توانایی فلسفه کمک می گیرد تا اندیشه های درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد. نادرست
- ۹- فیلسوفان می کوشند نمونه هایی از مغالطه ها را جهت عبرت گرفتن دیگران، بیان کنند. درست
- ۱۰- فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایهٔ تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. درست
- ۱۱- فیلسوف واقعی در استدلال ها تفکر می کند و اگر به درستی آنها پی برد، می پذیرد. درست
- ۱۲- فرق فیلسوف با دیگران در این است که فیلسوف دربارهٔ همهٔ مسائل بنیادین فلسفی مانند خدا به نحو جدی فکر می کند.
درست
- ۱۳- ارسطو از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ، تمثیلی دارد که به « تمثیل غار» مشهور است. نادرست
- ۱۴- افلاطون در تمثیل غار می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند. درست
- ۱۵- افلاطون تمثیل غار را در کتاب جمهوری مطرح می کند. درست
- ۱۶- کتاب جمهوری متعلق به ارسطو است. خرداد ۹۲- نادرست

ایران نوننه
توشه ای برای موفقیت

سوالات تستی

- ۱- کدام عبارت با توجه به بحث تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، درست نیست؟
گزینه ۱
- ۱) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، عمل برطبق عادت به باورهای مربوط به زندگی مانند مرگ، عدالت و زیبایی است.
۲) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه یعنی آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها.
۳) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، راه پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست.
۴) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، کسب شخصیتی مستقل و آزاداندیش و ایجاد بنیان های فکری خاص خود
- ۲- فواید تفکر فلسفی در همه گزینه ها آمده است به جز
گزینه ۲
- ۱) دوری از مغالطه ها (۲) رهایی از مسائل بنیادین (۳) رهایی از عادات غیرمنطقی (۴) استقلال در اندیشه
- ۳- کدام عبارت بیانگر « نظریه مثل افلاطونی » است؟ کنکور سراسری ۸۳
گزینه ۱
- ۱) آنچه در این جهان است اصل و حقیقتش در جهان دیگر است.
۲) آنچه در این جهان است فقط سایه است و اصلی ندارد.
۳) افراد این جهان اصلی دارند که در درون یک غار و در تاریکی زندگی می کنند.
۴) افراد این جهان به منزله حقایقی هستند که سایه آنها در جهان دیگری است.
- ۴- منظور اصلی افلاطون از ارائه « تمثیل غار » بیان کدام مطلب است؟
گزینه ۱
- ۱) فلسفه می تواند انسان را به آزادی حقیقی هدایت کند. (۲) فلسفه می خواهد نهایت بی اعتباری ادراکات حسی را نشان دهد.
۳) فلسفه درصدد تبیین نارسایی ادراکات حسی است. (۴) فلسفه در تلاش است تا ناپایداری موجودات طبیعت را آشکار سازد.
- ۵- این مطلب که « هیچ فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. » نشان دهنده کدام یک از فواید سه گانه تفکر فلسفی است؟
گزینه ۴
- ۱) دوری از مغالطه ها (۲) حیرت فلسفی (۳) رهایی از عادات غیرمنطقی (۴) استقلال در اندیشه
- ۶- با توجه به تمثیل غار افلاطون کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد؟
گزینه ۱
- ۱) وقتی زندانی آزاد شده از غار به افراد درون غار می گوید، سایه ها حقیقی نیستند، سخن او را تصدیق می کنند.
۲) افراد درون غار، سایه انسان ها و حیوانات و اشیای خارج غار را اشیای واقعی می پندارند.
۳) وقتی زندانی آزاد شده از غار به افراد درون غار می گوید، سایه ها حقیقی نیستند، حرف او را خنده دار توصیف می کنند.
۴) تمثیل غار افلاطون می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند.
- ۷- پاسخ اصلی به این سوال که « چرا با وجودی که همه مردم در مسائل بنیادین فلسفی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج می اندیشند و نظر می دهند؛ اما فیلسوف نیستند و با فیلسوفان تفاوت دارند؟
گزینه ۱
- ۱) زیرا فیلسوف درباره همین مسائل به نحو جدید فکر می کند و با روش جدید وارد این قبیل مسائل می شود.
۲) زیرا فیلسوف سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و با روش متفاوت وارد این قبیل مسائل می شود.
۳) زیرا فیلسوف درباره این مسائل به نحو جدی فکر می کند و با روش درست وارد این قبیل مسائل می شود.
۴) زیرا فیلسوف عقیده اش را بر پایه توهم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند.
- گزینه ۳

درس چهارم فصل اول : آغاز تاریخی فلسفه

آغاز تاریخی فلسفه :

- نمی توان برای دانش فلسفه، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد.
- نمی توان گفت فلسفه ابتدا در کدام سرزمین پدید آمده است.
- این سخن درباره همه دانش ها صدق می کند.
- هر جا تمدنی شکل گرفته، کسانی بوده اند که درباره اساسی ترین مسئله های هستی و زندگی بشر می اندیشیده و سخن گفته اند، گرچه آثار مکتوبی از آنان به ما نرسیده است و ما اطلاعی از آن اندیشه ها و سخن ها نداریم.
- برخی از تمدن ها آن قدر قدیمی اند که در گذر زمان و آمد و شد حوادث آثار تمدنی آنها از بین رفته است.
- تمدن های قدیمی تر و ساده تر، مقدمه و پلکان شکل گیری تمدن های جدید تر بوده اند و دستاورد آنها به تمدن های جدیدتر منتقل شده است .
- اطلاعات امروز ما به هیچ وجه نمی تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهد، بلکه می تواند براساس آثار باقی مانده، گزارشی اجمالی از دورترین اندیشه های فلسفی را ذکر نماید.
- ایران باستان یکی از سرزمین های فلسفه خیز بوده و حکیمان و فیلسوفانی خدایپرست در ایران می زیسته اند
- سهروردی از فیلسوفان بزرگ دوره اسلامی، معتقد است که در دوره کیانیان انسان های وارسته ای بوده اند که هم به حکمت و فلسفه می اندیشیدند و هم دارای سلوک معنوی بوده اند.
- این حکیمان اندکی پیش از فیلسوفان دوره یونان باستان و برخی نیز هم زمان و پس از آنان می زیسته اند.
- در تمدن های باستانی مانند تمدن های چین، هند، بین النهرین و مصر نیز که پیش از تمدن یونان شکل گرفته اند، کم و بیش حکمت و فلسفه رواج داشته و آثاری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند، به جای مانده است، مانند اویانیشادها که شامل متون متعدد هندو است و گاتاها که سروده های زرتشت می باشد.

□ فلسفه در یونان

- نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه فلسفی در آنها غلبه داشته، از یونان باستان به یادگار مانده است. به همین جهت از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند.
- در یونان باستان بود که دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد.
- زادگاه فلسفه یونانی بخشی بود از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر (کشور ترکیه کنونی) که «ایونیا» نامیده می شد.
- در ایونیا بود که در حدود شش قرن پیش از میلاد مباحث فلسفی پایه گذاری شد و اولین فیلسوفان یونان پا به عرصه وجود گذاشتند.
- در آغاز شکل گیری فلسفه، آنچه بیش از هر چیز این اندیشمندان را به خود مشغول می داشت، دگرگونی هایی بود که پیوسته در جهان طبیعت رخ می داد

- اندیشمندان می‌گوشیدند تا به دیدگاهی دست یابند که بتوانند به درستی این دگرگونی‌ها را تبیین عقلانی کنند.
- اندیشمندانی که در دوره یونان بودند، فقط به تفکر فلسفی نمی‌پرداختند.
- دوره یونان، دانشمندانی بودند که کم و بیش با مجموعه علوم زمان خود، از جمله فلسفه آشنا بودند و به مسائل بنیادین هستی نیز توجه می‌کردند.
- حتی در آن ایام هنوز کلمه «فیلسوف» برای کسی به کار نمی‌رفت.
- در زمان سقراط بود که این کلمه بر سر زبان‌ها افتاد.

اولین فیلسوفان یونان:

تالس نخستین فیلسوف یونانی:

مورخان فلسفه «تالس» را نخستین اندیشمند یونانی می‌دانند که اندیشه فلسفی مشخصی داشته است

- تالس در قرن ششم پیش از میلاد می‌زیسته است.
- از تالس هیچ‌گونه نوشته‌ای باقی نمانده است و تنها از روی نوشته‌های فیلسوفان بعد می‌توان از افکار او آگاه شد.
- تالس در حدود سال ۵۸۰ قبل از میلاد دقیقاً پیش بینی کرد که در سال ۵۸۵ پیش از میلاد خورشیدگرفتگی رخ می‌دهد و این خورشیدگرفتگی در همان زمان رخ داد.
- تالس مانند دیگر اندیشمندان آن دوره به دنبال یافتن مبدأ تغییرات و دگرگونی‌ها بود.
- تالس عقیده داشت، آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست.
- به عقیده تالس، همه چیز، در نهایت، از آب ساخته شده است.
- تالس می‌دید که آب در درجات بالا بخار می‌شود و در درجات بسیار پایین منجمد و سخت می‌گردد و وقتی به صورت باران می‌آید، گیاهان از زمین می‌رویند. پس اینها هم حتماً شکل دیگری از آب اند.

□ فیثاغورس پایه گذار ریاضی و هندسه:

- فیثاغورس یکی از پایه گذاران فلسفه است.
- فیثاغورس ریاضیات را به گونه‌ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد.
- ارسطو درباره فیثاغورس و پیروان او می‌گوید:
- «فیلسوفانی که به نام فیثاغورسیان خوانده می‌شوند، نخستین کسانی بوده‌اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده‌اند. در نظر آنان، اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند.»
- برخی می‌گویند لفظ «فلسفه» را فیثاغورس برای اولین بار به کار برد.
- فیثاغورس، واژه «تئوری» را به معنایی که امروزه رایج است و نیز واژه «کیهان» را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد.

□ هراکلیتوس :

▪ شهرت هراکلیتوس در تاریخ فلسفه به دلیل دو اندیشه اوست :

✓ اولی وحدت اضداد است . دومین اندیشه مشهور وی تغییر و تحول دائمی جهان است .

عقیده هراکلیتوس درباره وحدت اضداد :

✓ اموری که با هم ضد هستند، می توانند با یکدیگر جمع شوند؛ مثلاً دامنه کوه، هم سربالایی است و هم سرپایینی.

درباره یک لیوان که تا نصف آن آب است، هم می توان گفت، نیم لیوان خالی است و هم می توان گفت نیم آن پر است و این دو جمله تضادی با یکدیگر ندارند.

▪ پس وجود این اضداد است که جهان را می سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست.

عقیده هراکلیتوس درباره تغییر و تحول دائمی جهان :

« همه چیز در سیلان و حرکت است »

▪ هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد.

▪ دگرگونی، قانون زندگی و کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت.

▪ باید قبول کنیم که « نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد »

□ پارمیندس فیلسوف شاعر

افلاطون از قول سقراط می گوید که سقراط با پارمیندس ملاقات کرد .

▪ پارمیندس فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخته است.

▪ پارمیندس برای نخستین بار به مفهوم « بودن » و « شدن » (وجود و حرکت) که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر کرده است..

توشه ای برای موفقیت

❖ عقیده پارمیندس درباره وجود و حرکت :

▪ پارمیندس بر خلاف هراکلیتوس، می گفت که هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.

▪ به نظر پارمیندس در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت « نیستی هست » زیرا این جمله تناقض آمیز است.

▪ به نظر پارمیندس، ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم.

▪ به نظر پارمیندس، از طریق حواس نمی توان به واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر رسید.

▪ به نظر پارمیندس، تنها با تفکر عقلی است که واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر را می توان دریافت .

نتیجه اینکه : حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر

است. اما با عقل می توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.

□ سوفیست ها

- اندیشمندانی که از آنها سخن گفتیم، عموماً در قسمتی از آسیای صغیر، که آن روزها جزء سرزمین یونان بود، زندگی می کردند و هنوز در آتن، خبری از دانشمندان بزرگ نبود. اما به تدریج دیدگاه این دانشمندان، آتن، پایتخت یونان را هم تحت تأثیر قرار داد و آتن به مرکز نظریات گوناگون و اختلافات فکری تبدیل شد.
- آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که اندیشمندان آتن عرضه داشتند، سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذریعۀ اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده گردد.
- این آشفتگی فکری به ظهور دانشمندانی منجر گردید که منادی بی اعتباری علم و اندیشه شدند.
- این گروه که خود را « سوفیست » یعنی دانشمند می خواندند، به این دلیل که سخن اندیشمندان و جهان شناسان با یکدیگر متضاد است و آنها نتوانسته اند تفسیر درستی از جهان به دست آورند، نظریات آنان را بیهوده دانستند و به جای آموزش علوم به فن سخنوری روی آوردند و به جای رسیدن به حقیقت، پیروزی بر رقیب را هدف قرار دادند و به آنجا رسیدند که اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند.



ایران تونش
توشه ای برای موفقیت

سوالات تشریحی

- ۱- آیا آغاز اندیشه بشر مربوط به زمان و مکان خاصی است؟ چرا؟
خیر نمی توان برای دانش فلسفه، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد. همان طور که نمی توان گفت فلسفه ابتدا در کدام سرزمین پدید آمده است. زیرا هر جا که تمدنی شکل گرفته و پدید آمده، حتماً کسانی در آن تمدن بوده اند که دربارهٔ اساسی ترین مسئله های هستی و زندگی بشر اندیشیده و سخن گفته اندگرچه آثار مکتوبی از آنان به ما نرسیده است و ما اطلاعی از آن اندیشه ها و سخن ها نداریم. برخی از تمدن ها آن قدر قدیمی اند که در گذر زمان و آمد و شد حوادث آثار تمدنی آنها از بین رفته است.
- ۲- چرا از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند؟ دی ۸۶
زیرا نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه ی فلسفی در آنها غلبه داشته است از یونان باستان به یادگار مانده است
- ۳- مهد تفکر فلسفی کجاست؟ چرا؟
یونان زیرا نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه ی فلسفی در آنها غلبه داشته است از یونان باستان به یادگار مانده است
- ۴- زادگاه فلسفه ی یونان در کجاست و از چه زمانی آغاز شد؟
زادگاه فلسفه یونان واقع در غرب آسیای صغیر (ترکیه ی کنونی) که ایونیا که نامیده می شد می باشد و شش قرن پیش از میلاد پایه گذاری شد.
- ۵- چه مسئله ای بیش از هر چیز ذهن اندیشمندان نخستین را جهت تبیین عقلانی به خود مشغول می داشت؟ (شهریور ۸۸)
دگرگونیهایی بود که پیوسته در جهان رخ می داد و آنها کوشی می کردند تا به دیدگاهی دست یابند که بتوانند به درستی این دگرگونی ها را تبیین عقلانی کنند
- ۶- از نظر تاریخ نگاران فلسفه غربی، نخستین فیلسوف یونان کیست؟ و در چه قرنی می زیسته است؟
تالس - قرن شش پیش از میلاد. توشه ای برای موفقیت
- ۷- سه تن از نخستین فیلسوفان یونان را نام ببرید.
تالس - فیثاغورث - هراکلیتوس - پارمیندس
- ۸- با توجه به اینکه از «تالس» هیچ گونه نوشته ای باقی نمانده است پس از چه طریقی می توان به افکار وی دست یافت؟
تنها از روی نوشته های فیلسوفان بعدی می توان از افکار او آگاه شد.
- ۹- تالس که مانند اندیشمندان آن دوره یونان به دنبال یافتن مبدأ تغییرات و دگرگونی ها بود، اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزها را چه می داند؟
به عقیده تالس آب اولین چیز و بنیان سایر چیزهاست. همه چیزها از آب ساخته شده است. زمین نیز روی آب قرار گرفته است.

۱۰- چرا تالس عقیده داشت که آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر اشیاء است؟

زیرا می دید که آب در درجات بالا بخار می شود و در درجات بسیار پایین منجمد و سخت می گردد و وقتی به صورت باران می آید، گیاهان از زمین می رویند. پس اینها هم حتما شکل دیگری از آب اند.

۱۱- فیثاغورس کیست و چگونه توانست یک دستگاه عمیق فلسفی بنیان نماید؟

فیثاغورس نه تنها پایه گذار ریاضی و هندسه است بلکه یکی از پایه گذاران فلسفه نیز محسوب می شود. او ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد.

۱۲- دیدگاه ارسطو درباره «فیثاغورس» و پیروانان او را بنویسید.

فیلسوفانی که به نام فیثاغورسیان خوانده می شوند، نخستین کسانی بوده اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند. در نظر آنان، اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند.

۱۳- به عقیده فیثاغورت، عناصر اولیه یا ماده اولیه جهان چیست؟

اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، عناصر اولی همه موجودات هستند.

۱۴- دلایل شهرت هراکلیتوس در تاریخ فلسفه چیست؟ آنها را بنویسید.

شهرت وی در تاریخ فلسفه به دلیل دو اندیشه اوست:

اولی وحدت اعداد است. دومین اندیشه مشهور وی تغییر و تحول دائمی جهان است.

۱۵- عقیده هراکلیتوس درباره وحدت اعداد را توضیح دهید.

اموری که با هم ضد هستند، می توانند با یکدیگر جمع شوند؛ مثلاً دامنه کوه، هم سربالایی است و هم سرپایینی. درباره یک لیوان که تا نصف آن آب است، هم می توان گفت، نیم لیوان خالی است و هم می توان گفت نیم آن پر است و

این دو جمله تضادی با یکدیگر ندارند. پس وجود این اعداد است که جهان را می سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست

۱۶- با توجه به دیدگاه هراکلیتوس، دو نمونه مثال بزنید از اموری که با هم ضد هستند و می توانند با یکدیگر جمع شوند.

دامنه کوه، هم سربالایی است و هم سرپایینی. درباره یک لیوان که تا نصف آن آب است، هم می توان گفت، نیم لیوان خالی است و هم می توان گفت نیم آن پر است

۱۷- عقیده هراکلیتوس درباره تغییر و تحول دائمی جهان را توضیح دهید.

همه چیز در سیلان و حرکت است» هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، قانون زندگی و کائنات است، بر

همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت. باید قبول کنیم که «نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد»

۱۸- ابتدا پیام هراکلیتوس را نوشته سپس بنویسید منظور وی از این پیام چیست؟

«نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد». منظور وی این است که همه چیز در سیلان و حرکت است» هیچ چیز ثابتی

در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، قانون زندگی و کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن

گریخت.

هراکلیتوس - سقراط - گریاس

نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد . جواب : هراکلیتوس

۲۰- پارمیندس چگونه به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخت ؟

فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخته است .

۲۱- چرا نظر هراکلیتوس و پارمیندس درباره هستی نقطه مقابل یکدیگر است؟

۲۲- چرا سخن هراکلیتوس در باب هستی نقطه قابل نظر پارمیندس است؟

زیرا در حالی که هراکلیتوس می گوید، همه چیز در سیلان و حرکت است» و هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد.

پارمیندس بر خلاف هراکلیتوس، می گفت که هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.

۲۳- تفاوت دیدگاه هراکلیتوس و پارمیندس درباره هستی را بیان کنید ؟

به عقیده هراکلیتوس، همه چیز در سیلان و حرکت است» هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، قانون

زندگی و کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت.

پارمیندس بر خلاف هراکلیتوس، می گفت که هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.

پارمیندس می گفت در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت « نیستی هست» زیرا این جمله تناقض آمیز است.

ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم.

۲۴- نظریه پارمیندس درباره هستی و وجود را بنویسید.

هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.

۲۵- به عقیده پارمیندس چگونه می توان به یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر دست یافت ؟

تنها با تفکر عقلی است که واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر را می توان دریافت. زیرا از طریق عقل می توان به

آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.

۲۶- به عقیده پارمیندس ، چرا ادراک حسی نمی تواند ما را به واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر برساند؟

۲۷- از نظر پارمیندس چرا حواس نمی تواند انسان را به واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر برساند؟

زیرا حواس فقط مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است.

۲۸- آراء و نظرات گوناگون در یونان باستان موجب چه امری شد؟ شهریور ۸۱

سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذریع اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان

پراکنده گردد .

۲۹- آراء و نظرات گوناگون و غالباً متضاد جهان شناسان باستان در یونان قدیم چه نتیجه ای را در پی داشت؟

ایجاد نوعی تشویش و نگرانی در مردم آن روزگار - بذریع اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ها پراکنده شد

۳۰- چه عاملی سبب بی اعتمادی مردم نسبت به دانش و اندیشه در یونان شد؟

آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که اندیشمندان آن عرضه داشتند.

۳۱- چه چیز باعث پیدایش سوفیست ها شد؟

آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که اندیشمندان آتن عرضه داشتند، سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذریعۀ اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده گردد. این آشفتگی فکری به ظهور دانشمندانی منجر گردید که منادی بی اعتباری علم و اندیشه شدند

۳۲- چرا سوفیست ها به سخن جهان شناسان باستان توجه نکرده و نظریات آنها را بیهوده می دانستند؟

به این دلیل که سخن اندیشمندان و جهان شناسان با یکدیگر متضاد است و آنها نتوانسته اند تفسیر درستی از جهان به دست آورند، نظریات آنان را بیهوده دانستند

۳۳- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

الف) همه چیز در جهان در تغییر و دگرگونی است و هیچ چیز ثابتی وجود ندارد.

ب) پایه گذار ریاضی و هندسه و ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت.

ج) نخستین بار به مفهوم «بودن» و «شدن» که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند، توجه دقیق کرد.

۱) فیثاغورث

۲) پارمیندس

۳) هراکلیتوس

جواب: الف با ۳ ب با ۱ ج با ۲

۳۴- هریک از عقاید زیر متعلق به کدام شخصیت یونانی است؟

الف) اعداد و اصول آنها، ماده اولیه همه موجودات هستند.

ب) ماده اولیه همه چیز آب است.

ج) اموری که با هم ضد هستند می توانند با یکدیگر جمع شوند.

فیثاغورث - تالس - هراکلیتوس

ایران تونله
توشه ای برای موفقیت

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- به عقیده سهروردی ، در دوره کیانیان انسان های وارسته به چه چیزی می اندیشند و دارای چه نوع سلوکی بوده اند ؟
به حکمت و فلسفه می اندیشیدند و دارای سلوک معنوی بوده اند .
- ۲- دو اثر از آثار به جای مانده از تمدن های باستانی که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند، را نام ببرید .
اوپانیشادها که شامل متون متعدد هندو است و گانها که سروده های زرتشت می باشد
- ۳- نخستین آثار فلسفی از کدام دوره باستان به یادگار مانده است ؟ یونان
- ۴- تفسیر جهان در دوره یونان با چه روشی صورت می گرفت ؟ روش عقلی
- ۵- زادگاه فلسفه یونانی چه نام دارد؟ ایونیا
- ۶- آنچه بیش از هر چیز ذهن اندیشمندان نخستین را به خود مشغول می داشت چه بود ؟ خرداد ۹۶
دگرگونی هایی که پیوسته در جهان طبیعت رخ می داد .
- ۷- واژه فیلسوف در زمان کدام فیلسوف بر سر زبانها افتاد ؟ سقراط
- ۸- مورخان فلسفه، نخستین اندیشمندان یونانی که اندیشه فلسفی مشخصی داشته است را چه کسی می دانند؟ تالس
- ۹- برخی اعتقاد دارند، اولین بار کدام فیلسوف، لفظ فلسفه را به کار برد؟ فیثاغورس
- ۱۰- فیثاغورث کدام واژه را به معنایی که امروز رایج است و کدام واژه را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد؟ واژه «تئوری»
را به معنایی که امروزه رایج است و واژه «کیهان» را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد .
- ۱۱- پیام هراکلیتوس درباره عدم ثبات در جهان را بنویسید . خرداد ۹۶
نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد .
- ۱۲- پیام هراکلیتوس که می گوید (نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد) به کدام ویژگی جهان اشاره دارد؟
تغییر و دگرگونی اینکه هیچ چیز ثابتی در جهان وجود ندارد .
- ۱۳- پارمیندس برای نخستین بار به کدام مفاهیم اصلی توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر کرده است ؟
بودن و شدن یا وجود و حرکت - توشه ای برای موفقیت
- ۱۴- به عقیده پارمیندس برای رسیدن به یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر باید از چه ابزاری استفاده کرد؟ ابزار عقل
- ۱۵- سوفسطائیان چه علمی را آموزش می دادند؟ آموزش فن سخن وری

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- نمی توان برای دانش فلسفه، از نظر..... آغازی تعیین کرد . زمانی
- ۲- سهروردی از فیلسوفان بزرگ دوره اسلامی ، معتقد است که در دوره کیانیان انسان های وارسته هم به می اندیشیدند و هم دارای سلوک ... بوده اند. حکمت (فلسفه) - معنوی
- ۳- از آثار به جای مانده از تمدن های باستانی که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته اند عبارتند از ... که شامل متون متعدد هندو است و ... که سروده های زرتشت می باشد . اوپانشادها - گاتاها
- ۴- آنچه بیش از هر چیز ذهن اندیشمندان نخستین را به خود مشغول می داشت.... بود که در جهان طبیعت رخ می داد. شهریور ۹۲ - تغییر یا دگرگونی
- ۵- نخستین مجموعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده از سرزمین به یادگار مانده است.دی ۹۰- یونان
- ۶- نخستین مجموعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده از سرزمین است . خرداد ۹۸ یونان
- ۷- مباحث فلسفی در بخشی از سرزمین یونان به نام.....پایه گذاری شد . دی ماه ۹۷ ایونیا
- ۸- مورخان فلسفه، را نخستین فیلسوف یونانی معرفی می نمایند. یونان- تالس
- ۹- در سرزمین یونان بود که دانش شکل گرفت و تفسیر جهان با روش رایج شد. فلسفه - عقلانی
- ۱۰- واژه فیلسوف در زمان بر سر زبانها افتاد . سقراط
- ۱۱- تالس می گوید: اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست. آب
- ۱۲- ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد. فیثاغورس
- ۱۳- در نظر فیثاغورس، اصول اعداد، همان عناصر همه موجودات هستند. اولی
- ۱۴- فیلسوفانی که به نام فیثاغورسیان خوانده می شوند، نخستین کسانی بوده اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند، دیدگاهدرباره فیثاغورس و پیروان اوست . ارسطو
- ۱۵- فیثاغورث واژه ... را به معنایی که امروزه رایج است و واژه ... را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد . «تئوری» - «کیهان»
- ۱۶- شهرت هراکلیتوس به دو چیز است ، اولی ، وحدت است و دومی دائمی جهان است. اضداد - تغییر (تحول)
- ۱۷- به عقیده هراکلیتوس ، اموری که با همهستند، می توانند باهم... شوند . ضد - جمع
- ۱۸- به عقیده هراکلیتوس ، قانون زندگی و قانون کائنات است . دگرگونی
- ۱۹- به عقیده هراکلیتوس ، همه چیز در ... و حرکت است هیچ چیز ... در این جهان وجود ندارد . سیلان - ثابتی
- ۲۰- پارمیندس فلسفه خود را به صورت ... عرضه کرده و با بیانیبه توصیف عقاید فلسفی خود پرداخته است. شعر - شاعرانه
- ۲۱- پارمیندس برای نخستین بار به مفهوم . وکه از مفاهیم اصلی فلسفه هستند، توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر کرده است. بودن و شدن (وجود و حرکت)
- ۲۲- پارمیندس، معتقد بود هستی و وجود یک امر است و حرکت و ندارد. ثابت - شدن

- ۲۳- به نظر پارمیندس در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت « ... هست» زیرا این جمله ... است. نیستی - تناقض آمیز
- ۲۴- طبق دیدگاه پارمیندس ما درجهان با یک واقعیت بدون تغییر و ... و ... روبه رو هستیم جاودان-فناپذیر
- ۲۵- به نظر پارمیندس، از طریق ... نمی توان به یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر رسید و تنها با ... است که یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر را می توان دریافت . حواس - تفکر عقلی
- ۲۶- به نظر پارمیندس ،حواس فقط، مرتباً ... جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهندهٔ امور مختلف و ... است. ظاهری - متغیر

- ۲۷- به نظر پارمیندس، با عقل می توان به آن لایهٔ ... و ... هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است . باطنی - حقیقی
- ۲۸- سوفیست ها به این دلیل که سخن اندیشمندان و جهان شناسان با یکدیگر ... است و آنها نتوانسته اند تفسیر ... از جهان به دست آورند، نظریات آنان را بیهوده دانستند . متضاد - درستی
- ۲۹- آرا و نظریات گوناگون وغالباً ... که اندیشمندان آتن عرضه داشتند،سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذر.... نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده گردد . متضادی - بی اعتمادی

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- آغاز اندیشه بشر را می توان مربوط به زمان و مکان خاصی دانست . خرداد ۹۶ نادرست
- ۲- می توان گفت که فلسفه ابتدا در سرزمین یونان پدید آمده است . نادرست
- ۳- ایران باستان یکی از سرزمین های فلسفه خیز بوده و فیلسوفانی خداپرست در آن می زیسته اند. درست
- ۴- سهروردی معتقد است که در دورهٔ کیانیان انسان های وارسته ای بوده اند که فقط به حکمت و فلسفه می اندیشیدند . نادرست
- ۵- از آثار به جای مانده از تمدن های باستانی که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته اند ، می توان به گاتاها متون متعدد هندو و اوپانیشادها سروده های زرتشت اشاره کرد . نادرست
- ۶- از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند. درست
- ۷- نخستین آثار فلسفی از یونان باستان به یادگار مانده است. خرداد ماه ۹۳ درست
- ۸- در یونان باستان بود که دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش رمزی و تمثیلی رایج شد. نادرست
- ۹- زادگاه فلسفهٔ یونانی، پایتخت یونان باستان « آتن » است . نادرست
- ۱۰- در ایونیا بود که در حدود شش قرن پیش از میلاد مباحث فلسفی پایه گذاری شد و اولین فیلسوفان یونان پا به عرصهٔ وجود گذاشتند. درست
- ۱۱- در یونان باستان در حدود شش قرن قبل از میلاد در ایونیا مباحث فلسفی پایه گذاری شد . شهریور ۹۷ درست
- ۱۲- آنچه بیش از هر چیز ذهن اندیشمندان نخستین را به خود مشغول می داشت دگرگونیهایی بود که پیوسته در جهان رخ می داد و می کوشیدند تا آن را توجیه عقلانی کند. شهریور ۸۹ درست
- ۱۳- اندیشمندان یونان باستان کوشش می کردند تا به دیدگاهی دست یابند که بتوانند به درستی دگرگونی های پیوسته در جهان را تبیین عقلانی کنند . درست

- ۱۴- اندیشمندانی که در دوره یونان بودند، فقط به تفکر فلسفی می پرداختند . نادرست
- ۱۵- در زمان تالس بود که کلمه فلسفه بر سر زبان ها افتاد. نادرست
- ۱۶- به عقیده تالس ، همه چیز، در نهایت، از آب ساخته شده است. درست
- ۱۷- به نظر ارسطو، فیثاغورسیان ، نخستین کسانی بودند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شدند. درست
- ۱۸- به نظر فیثاغورس اعداد همان عناصر اولی همه موجوداتند. درست
- ۱۹- برخی می گویند لفظ « فلسفه» را فیثاغورس برای اولین بار به کار برد . درست
- ۲۰- فیثاغورس ،واژه « تئوری» را به معنایی که امروزه رایج است و نیز واژه « کیهان» را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد . درست
- ۲۱- شهرت پارمیندس در تاریخ فلسفه به دلیل نظریه وحدت اضداد و نظریه مربوط به تغییر و تحول دائمی جهان است. نادرست
- ۲۲- به عقیده هراکلیتوس ، اموری که با هم ضد هستند، نمی توانند با یکدیگر جمع شوند . نادرست
- ۲۳- به عقیده پارمیندس همه چیز در سیلان و حرکت است و هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. نادرست
- ۲۴- به نظر هراکلیتوس، دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت. درست
- ۲۵- شعار « نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد» از پارمیندس است . نادرست
- ۲۶- سقراط از قول افلاطون می گوید که سقراط با پارمیندس ملاقات کرد . نادرست
- ۲۷- پارمیندس فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی عقلانی به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخت. نادرست
- ۲۸- هراکلیتوس قبل از پارمیندس به مفهوم وجود و شدن که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند، توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر کرده است. نادرست
- ۲۹- هراکلیتوس بر خلاف پارمیندس ، می گفت که هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد. نادرست
- ۳۰- پارمیندس می گفت در جهان واقع، نیستی راه دارد و می توان گفت « نیستی هست» و در این جمله تناقضی وجود ندارد . نادرست
- ۳۱- به نظر پارمیندس از طریق حواس نمی توان به واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر رسید. درست
- ۳۲- به نظر پارمیندس تنها با تفکر عقلی است که واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر را می توان دریافت . درست
- ۳۳- با توجه به دیدگاه پارمیندس، حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است. درست
- ۳۴- با توجه به دیدگاه پارمیندس ، با عقل می توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است . درست

سوالات تستی

گزینه ۴

۱- کدام عبارت در مورد آغاز تاریخی فلسفه نادرست است؟

- ۱) نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده از یونان باستان به یادگار مانده است.
- ۲) در یونان، دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد.
- ۳) زادگاه فلسفه یونانی بخشی از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر به نام « ایونیا» است .
- ۴) اطلاعات امروز ما به وضوح می تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهد .

گزینه ۴

۲- کدام عبارت درست است ؟

- ۱) یونان را مهد تفکر فلسفی دانسته اند چرا که ظهور اندیشه در آن ، باعث شد که زبان افسانه جای زبان تعقل را بگیرد.
- ۲) بی اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه سبب شد تا نظرات متضادی از سوی جهان شناسان باستان عرضه شود.
- ۳) در تمدن های دیگر، . آثاری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند، به جای نمانده است،
- ۴) در آغاز شکل گیری فلسفه، دگرگونی های پیوسته در جهان طبیعت بیش از هر چیز اندیشمندان را به خود مشغول داشت .

۳- با توجه به دیدگاه مورخان فلسفه ، به ترتیب مشخص کنید ، نخستین اندیشمند یونانی که بود ؟ ماده اولیه عالم را چه

گزینه ۴

می دانست؟ و تفسیری از جهان به چه روشی بود ؟

- | | |
|--|----------------------------------|
| ۱) فیثاغورث - اصول اعداد - عقلانی و تخیلی | ۲) تالس - آب - اسطوره ای و تخیلی |
| ۳) فیثاغورث - اصول اعداد - تخیلی و افسانه ای | ۴) تالس - آب - عقلانی |

۴- فیثاغورث واژه را به معنایی که امروزه رایج است و واژه را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد .

گزینه ۱

- ۱) تئوری - کیهان ۲) کیهان تئوری ۳) فلسفه - تئوری ۴) فلسفه - کیهان .

۵- پارمیندس برای نخستین بار به مفهوم و که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند توجه دقیق کرده و ... آن دو را ذکر

کرده است. ۱) بودن - وجود - تفاوت ۲) شدن - سیروورت - اشتراک ۳) بودن - شدن - تفاوت ۴) سیروورت - بودن - اشتراک

گزینه ۳

۶- فیثاغوریان اصل اشیاء را چه می دانستند ؟

- ۱) آب ۲) آتش ۳) اعداد ۴) ماده نامتعین

گزینه ۳

۷- این بیان که « فیلسوفانی که به نام فیثاغوریان خوانده می شوند، نخستین کسانی بوده اند که خود را وقف

ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند » از کیست؟ و پایه گذار ریاضی و هندسه کدام فیلسوف است ؟

- ۱) افلاطون - فیثاغورس ۲) ارسطو - فیثاغورس ۳) فیثاغورس - ارسطو ۴) فیثاغورس - افلاطون

گزینه ۲

۸- مفاد کدام عبارت ، بیانگر نظر خاص پارمیندس است ؟

- (۱) جهان امری یگانه و ثابت نیست و تحولی در کار است. (۲) هستی و وجود حقیقتی ثابت دارد، نه در حال حرکت و شدن
(۳) جهان امری یگانه و ثابت نیست و تحولی در کار نیست (۴) هستی و وجود حقیقتی ثابت ندارد و در حال حرکت و شدن

گزینه ۲

۹- مفاد کدام عبارت ، بیانگر نظر خاص هراکلیتوس نیست ؟

گزینه ۴

- (۱) وجود اعداد است که جهان را می سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست..
(۲) دگرگونی قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت .
(۳) اموری که با هم ضد هستند ، می توانند با یکدیگر جمع شوند.
(۴) هستی و وجود حقیقتی ثابت دارد و این ثابت است که بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت .

۱۰- چرا نظر هراکلیتوس و پارمیندس درباره هستی نقطه مقابل یکدیگر است ؟

گزینه ۱

- (۱) زیرا در حالی که هراکلیتوس می گوید ، همه چیز در سیلان و حرکت است» دومی می گفت هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.
(۲) زیرا در حالی که پارمیندس می گوید ، همه چیز در سیلان و حرکت است» دومی می گفت هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.
(۳) زیرا هراکلیتوس بر خلاف پارمیندس ، می گفت که در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت « نیستی هست»
(۴) زیرا پارمیندس برخلاف هراکلیتوس می گفت هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد و دگرگونی قانون زندگی است.

۱۱- با توجه به استدلال پارمیندس ، اگر چیزی از ... به وجود آید در این صورت قبلاً هست اما اگر از ... به وجود آید ،

در این صورت هیچ چیز نیست، زیرا از هیچ، هیچ چیز به وجود نمی آید. بنابراین : ... فقط هست و ... است. گزینه ۲

- (۱) لا وجود - وجود - وجود - کثیر
(۲) وجود - لاوجود - وجود - واحد
(۳) وجود - لاوجود - لاوجود - کثیر
(۴) لاوجود - وجود - لاوجود - واحد

۱۲- کدام یک ، با نظرات پارمیندس سازگار نیست ؟

گزینه ۱

- (۱) ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم که از طریق حواس می توان به آن رسید
(۲) ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم که تنها با تفکر عقلانی می توان به آن رسید
(۳) حواس فقط، مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است .
(۴) با عقل می توان به لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.

۱۳- سوفیست ها با این استدلال که ... نتیجه می گرفتند که ... و نتیجه عملی آن ... بود (خارج کشور ۹۱) گزینه ۴

- (۱) سخن جهان شناسان با یکدیگر تعارض دارد. جستجوی حقیقت بی نتیجه است- اعتقاد به تفکیک پذیر بودن حق و باطل
(۲) سخن جهان شناسان با یکدیگر تعارض دارد. آنها نتوانستند تفسیر درستی از جهان ارائه دهند- ترویج فن سخنوری
(۳) جهان شناسان در تفسیر جهان ناتوانند- نتوانستند تفسیر درستی از جهان ارائه دهند- اعتقاد به سلیقه ای بودن حق و باطل
(۴) ناسازگاری سخن جهان شناسان نمایانگر ناتوانی انسان از شناخت است - جستجوی حقیقت بی حاصل است - رواج اعتقاد به تفکیک ناپذیر بودن حق و باطل

درس پنجم فصل اول : زندگی بر اساس اندیشه

نقش سوفسطائیان در جامعه آتن :

- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود .
- سوفسطائیان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابقی با واقعیت ها ندارد .
- سوفسطائیان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند .
- تحت تأثیر اندیشه های مغالطه کارانه سوفسطائیان ، اخلاق و فضیلت میان مردم یونان کم رنگ شده بود و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند .

قیام سقراط علیه سوفسطائیان :

- در شرایطی که جامعه آتن به علت افکار شک گرایانه سوفسطائیان از حقیقت و فضیلت فاصله می گرفت و حق طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه کم رنگ می شد، قهرمانی به نام « سقراط » پرچم علم و فضیلت را برافراخت .
- سقراط برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرد و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت .
- « سقراط » هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد .
- زندگی « سقراط » حکایت واقعی یک فلسفه است .
- ما از مطالعه و تأمل در زندگی « سقراط » می توانیم دفتر اندیشه های فلسفی وی را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه با زندگی بیشتر پی ببریم .
- افلاطون ، شاگرد برجسته « سقراط » این زندگی را حکایت کرده و مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را به تصویر کشیده است .
- افلاطون نشان داد که سقراط عمر خود را صرف اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آمیز سوفیست ها کرد .
- به عقیده افلاطون ، سقراط با هر کسی که به او گوش می داد، مسائل اساسی خداشناسی، اخلاق، سیاست و اجتماع را در میان می گذاشت، بحث های او به دل می نشست و به هر کجا که می رفت، مردم، به ویژه جوانان مشتاق گرد او حلقه می زدند .

روش سقراط در گفتگوها و کشف حقیقت :

- سقراط، روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی گزید و درباره اش پرسش می کرد.
- در روش سقراط ، وقتی کسی داوطلب پاسخ سوال سقراط می شد، سقراط با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می کرد به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت می رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست می آورد.
- روش گفت وگو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می گرفت، به تدریج به « روش سقراطی» شهرت یافت.
- سقراط می گفت من همچون یک ماما عمل می کنم. همان طور که ماما به خانم باردار کمک می کند تا فرزندش را به دنیا آورد، من نیز در گفت وگو با دیگران کمک می کنم که خودشان حقیقت را بیان کنند.
- سقراط به مردم می آموخت که هر چیزی را مورد سؤال قرار دهند.
- سقراط جهالت افراد قدرتمند و سفسطه گر را به رُخشان می کشید. از این رو او به چهره ای بسیار بحث برانگیز تبدیل شد.
- بسیاری از مردم سقراط را دوست می داشتند و گروهی نیز از او بیزار بودند.

□ هدف سقراط از گشت و گذار میان مردم :

از گشت و گذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که :
« نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید . »

□ رسالت خداوند به سقراط

« من هیچ گاه از بیدار ساختن، بند دادن و حتی سرزنش کردن یکایک شما باز نمی ایستم و شما همه جا مرا در کنار خود می یابید .

- من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن، لب از گفتار فرو بندم.
- من هم با تهی دستان و هم با توانگران همنشینی می کنم تا از من بپرسند و به سخنان من گوش فرا دهند...
- این رسالتی است که خداوند با ندهای غیبی و در رؤیایها برعهده من نهاده است »

□ سقراط در برابر دادگاه

- مقامات حکومتی سقراط را به اتهام فاسد کردن جوانان و بی ایمانی به خدایان بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند.

□ اتهامات ملتوس به سقراط

- ملتوس (یکی از سوفسطائیان و از مخالفان سرسخت سقراط) به نمایندگی از متهم کنندگان در دادگاه گفت: «جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید.»
- ✓ با افکار خود جوانان را همراه می سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان برمی گرداند.»

مجازات سقراط بنا به پیشنهاد ملتوس

- ملتوس برای ادعای خود شواهدی ذکر کرد و در پایان از دادگاه برای سقراط درخواست مجازات مرگ نمود.

□ دفاعیه سقراط:

- دادگاه از سقراط دعوت کرد تا از خود دفاع کند.
- سقراط با چهره ای آرام و گام هایی استوار به سوی جایگاه حرکت کرد و با لحنی مطمئن به اتهامات ملتوس پاسخ داد.
- دفاعیه سقراط بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی فلسفی سقراط را در برداشت.
- آتینان، بگذارید افترايي را که از دیرباز به من نسبت داده اند و ملتوس هم همان را تکرار کرد، یادآوری کنم.
- مخالفان من می گویند: «سقراط رفتاری خلاف دین در پیش گرفته و در پی آن است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد. باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران هم می آموزد.»
- کاوش و جست و جوی من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده که گروه بزرگی به غلط مرا «دانا» بنامند. در حالی که من دانا نیستم.
- وقتی نادانی کسی را آشکار می کنم، کسانی که آنجا حاضرند، گمان می کنند که آنچه را آنها نمی دانند، من می دانم.
- دانای حقیقی فقط خداست.

ندای سروش معبد دلفی به کرفون: «داناترین مردم سقراط است»

راز سروش معبد دلفی: به ما بنمایاند تا چه پایه نادانیم.

دیدگاه سقراط درباره پیام سروش:

خیال می کنم سروش معبد نام مرا به عنوان مثال مطرح کرد تا بگوید:

«داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند»

(«پاورقی کتاب» سقراط، با این جملات تواضع و فروتنی خود را در برابر علم نشان می دهد. نادانی و جهل بر دو نوع است:

الف) جهل ساده: انسان اموری را نمی داند اما نسبت به نادانی خود آگاه است و بنابراین از دیگران سؤال می کند تا بداند.

ب) جهل مرکب: انسان اموری را نمی داند و نسبت به نادانی خویش نیز نادان است؛ بنابراین نمی داند که نمی داند.

چنین کسی در پی کسب دانایی هم نیست.

البته بسیاری از دانشمندان چیزهای فراوانی می دانند، اما از آنجا که عظمت جهان را درک کرده اند و دانش خود را ناچیز

می شمارند، تواضع می کنند و خود را در دسته نادانیان قرار نمی دهند. سقراط از این دسته بود و به همین دلیل با اینکه سروش

معبد دلفی او را دانا خوانده بود، تواضع می کرد و می گفت سروش بدان جهت مرا دانا خواند که به نادانی خود اقرار می کنم.)

سقراط و اثبات اعتقاد به خدا

- سقراط با اندکی مکث، به ملتوس رو کرد و گفت: از تو سؤال دیگری می‌کنم. آیا تو معتقدی که من خداپرست نیستم؟
ملتوس فریاد زد: « بلی تو منکر خدایان هستی »
 - سقراط بار دیگر پرسید: « منظورت این است که من خورشید و ماه را به خدایی نمی‌پذیرم؟ »
 - ملتوس گفت: آری، نمی‌پذیری؛ ای آتینان بدانید که سقراط خورشید را سنگ می‌داند و ماه را کره ای خاکی.
 - سقراط با متانت گفت: اما این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست. از تو می‌پرسم:
آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟
آیا کسی پیدا می‌شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود؟
(سقراط با این سخن، در حال اثبات خدا از طریق صفات و آثار او بود.)
 - ملتوس گفت: « نه، چنین کسی پیدا نمی‌شود » سقراط گفت: « سپاسگزارم »
 - سقراط به دفاعیه خود ادامه داد و از کسانی یاد کرد که دشمن او هستند و به هر ترتیب که شده حکم مرگ وی را از دادگاه خواهند گرفت. لذا رو کرد به حاضران و گفت:
ای مردم! کسی که به راه درستی دست یافت و آن را در پیش گرفت، هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد.
اکنون که خداوند مرا مأمور کرده تا در جست و جوی دانش بکوشم و آن را به دیگران آموزش دهم، آیا پسندیده است که از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتایم؟
 - اگر چنین گناهی از من سرزند، سزاوار بود که دادگاهی تشکیل شود و بگویند سقراط به خدا اعتقاد ندارد ارتکاب آن گناه دلیل بر سرپیچی از امر خدا است؛ در آن صورت مدعی داشتن دانشی شده‌ام که در حقیقت فاقد آن هستم
- مفهوم مرگ نزد سقراط :**
- سقراط، در پایان، خطاب به حاضران گفت:
 - ای آتینان گریز از مرگ دشوار نیست، گریز از بدی دشوار است؛ زیرا بدی از مرگ نندتر می‌دود.
 - من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ ولی مدعیان من با همه جُستی و چالاکي، در چنگال بدی گرفتار آمدند.
 - اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر این سخن راست است که همه درگذشتگان در آنجا گرد آمده پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی بر خود نهاده اند، رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبه رو شود و با نیکان و بلند مرتبگان همنشین گردد.
 - اگر مرگ این است، حاضرم بارها به کام مرگ روانه شوم.
 - اکنون وقت رفتن فرا رسیده است؛ من به سوی مرگ می‌روم و شما به سوی زندگی. نصیب کدام یک از ما بهتر است؟ جز خدا کسی نمی‌داند.
 - پس از ختم دادرسی، سقراط را به زندان منتقل کردند تا روزهای واپسین عمر خود را در آنجا سپری کند و در موعد مقرر جام شوکران را بنوشد.

سیسرون، فیلسوف و خطیب بزرگ رومی (متولد ۱۰۶ پیش از میلاد) درباره سقراط می گوید:
او فلسفه را از آسمان به زمین آورد و آن را به خانه ها و شهرها برد. او فلسفه را وادار کرد تا به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر
پردازد.

پاسخ فعالیت های درس پنجم

اندیشه ص ۳۹

در رفتار و گفتار سقراط بیندیشید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱- چرا سقراط وظیفه خود می دانست که درباره مسائل اساسی زندگی با مردم صحبت کند؟ آیا مردم از او چنین درخواستی کرده بودند؟

خیر مردم چنین درخواستی از سقراط نکرده بودند اما سقراط می گفت این رسالتی است که خداوند با ندهای غیبی و در رؤیایها برعهده من نهاده است .

۲- سقراط، این وظیفه خود را با چه روشی انجام می داد؟

سقراط، روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی گزید و درباره اش پرسش می کرد .

در روش سقراط ، وقتی کسی داوطلب پاسخ سوال سقراط می شد، سقراط با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می کرد به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت می رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست می آورد. این روش گفت وگو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می گرفت، به تدریج به «روش سقراطی» شهرت یافت. سقراط می گفت من همچون یک ماما عمل می کنم. همان طور که ماما به خانم باردار کمک می کند تا فرزندش را به دنیا آورد، من نیز در گفت وگو با دیگران کمک می کنم که خودشان حقیقت را بیان کنند .

۳- مخالفان اصلی سقراط چه کسانی بودند؟ جوانان و بزرگسالان

۴- با توجه به آنچه تا اینجا درباره سقراط بیان شد، آیا می توان برخی از اصول فکری سقراط را به دست آورد؟ درباره فضیلت و ثروت، عقل و جهل و... ؟

آری . توجه سقراط به بحث از بکسو، فضیلت نشان می دهد که به عقیده وی نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح داد و اینکه ثروت، فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید.

از سوی دیگر سقراط با تقسیم جهل به دو بخش ساده و مرکب ، سوفسطائیان را در زمره کسانی می داند که گرفتار جهل مرکب شده اند . در این نوع از جهل، انسان اموری را نمی داند و نسبت به نادانی خویش نیز نادان است؛ بنابراین نمی داند که نمی داند . به عقیده سقراط چنین کسی در پی کسب دانایی هم نیست.

اما نوع دیگری از جهل وجود دارد و آن جهل بسیط است . البته بسیاری از دانشمندان چیزهای فراوانی می دانند، اما از آنجا که عظمت جهان را درک کرده اند و دانش خود را ناچیز می شمارند، تواضع می کنند و خود را در دسته دانایان قرار نمی دهند. سقراط از این دسته بود و به همین دلیل با اینکه سرش معبد دلفی او را دانا خوانده بود، تواضع می کرد و می گفت سرش بدان جهت مرا دانا خواند که به نادانی خود اقرار می کنم.

اندیشه ص ۴۲

سقراط الگویی از یک فیلسوف است که براساس فلسفه اش زندگی کرده و در راه پایبندی به آن جان خود را فدا نموده است. در این قسمت می خواهیم در گفتار و رفتار این فیلسوف بزرگ تأمل کرده و آن اصول فلسفی را که وی با آنها زندگی کرده، استخراج نماییم:

۵- چرا شاکیان، سقراط را متهم به بی دینی و انکار خدا می کردند؟ آیا واقعا او اعتقادی به خدا نداشت؟

زیرا دیدگاه سقراط با دیدگاه شاکیان در مورد خداوند یکسان نبود. سقراط حقیقتاً به خدا اعتقاد داشت و حتی معتقد بود که سرش معبد دلفی از جانب خداوند برای او پیغام هایی می آورد تا با مردم در میان بگذارد. او به مغالطه و فریب و زیر پا گذاشتن ارزش های اخلاقی اعتراض داشت و از مردم می خواست که به خدای برتر که همه چیز را می داند، ایمان داشته باشند و بار دیگر فضیلت های اخلاقی را زنده کنند.

۶- آیا می توان با تأمل در سخنان وی در دادگاه، برخی دیگر از اندیشه های سقراط را به دست آورد؟ مثلاً درباره خدا، مرگ و...؟

آری. خدایی که سقراط معرفی می کند دارای ویژگی های علم و قدرت و عدالت فوق بشری است. اما نظر سقراط در مورد مرگ نیز یک دیدگاه متفاوت بود. وی مرگ را یک انتقال به جهان دیگر می دانست و معتقد بود، این انتقال اگر با سربلندی و عزت باشد، شیرین است. اما اگر با خواری و ترس و جهل باشد، تلخ و زیان آور است.

۷- چرا سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می دانست؟ آیا میان « چیزی نمی دانم » سقراط با « چیزی نمی دانیم »

سوفسطائیان تفاوتی هست؟

از نظر سقراط و هر انسان خردمندی ندانستن و جهل یک نقص و عیب محسوب می شود و هر کس باید در پی رفع این نقص و عیب باشد. دانستن و علم یکی از بزرگ ترین فضائل انسانی است و هر قدر که علم و دانش انسان بیشتر شود، قدر و منزلت او افزایش می یابد. به همین جهت سقراط خود را « فیلسوفیا » یعنی دوستدار دانایی نامید. او حقیقتاً عاشق دانایی بود. بزرگ ترین کار سقراط مبارزه با جهل و نادانی مردم بود. او معتقد بود که سوفیست ها و مغالطه کاران مردم را در جهل و نادانی نگه می دارند و به غلط می اندازند. او با فخر فروشی از طریق علم به شدت مخالف بود. اگر کسی که به اندکی از دانش رسیده خود را برتر از دیگران بیندارد و تکبر داشته باشد، از حقیقت دانش دور شده است.

دانش حقیقی انسان را در برابر خدا، خلقت و مردم متواضع و افتاده تر می کند. به خاطر اینکه: می داند خدایی که هستی را آفریده و به او قدرت داده که گوشه ای از هستی را درک کند، دانشی وصف ناپذیر دارد. می داند که این خلقت و این جهان آنقدر بزرگ و عظیم است که دانش او در برابر ندانسته هایش قطره ای در برابر دریاست. ابن سینا در وصف خود می گوید:

دل گرچه در این بادیه بسیار شگفت یک موی ندانست ولی موی شکافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت آخر به کمال ذره ای راه نیافت

در برابر مردم نیز متواضع می شود؛ زیرا می داند تکبر و فخر در مقابل مردم از رذایل اخلاقی و صفات پست است.

با توجه به این نکات است که سقراط فروتنی به خرج می دهد و خود را نادان ترین به حساب می آورد.

■ سقراط، یکی از رسالت های خود را مبارزه با مدعیان دانش و دانشمند نماها می دانست. با آنها وارد بحث و گفت و گو می شد تا نشان دهد که آنان از دانش واقعی برخوردار نیستند.

۸- وقتی به زندگی سقراط و رفتار او در مقابل دیگران نگاه می کنیم، کدام اصول اخلاقی را در رفتار وی می توانیم مشاهده کنیم؟

برتری فضیلت بر ثروت- فداکاری در راه حقیقت - تحمل رنج برای آگاهی مردم - نرسیدن از مرگ احساس تواضع در برابر

علم و دانایی

سوالات تشریحی

- ۱- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از چه اندیشه‌های بود و عقیده آنان چه بود؟
 - جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه‌های سوفسطائیان بود. سوفسطائیان معتقد بودند که جهان را نمی‌توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می‌نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابق با واقعیت‌ها ندارد.
 - ۲- سوفسطائیان چگونه بر شیوه زندگی مردم جامعه آتن تأثیر می‌گذاشتند؟
 - با کمک اقسام مغالطه‌ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می‌پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می‌گذاشتند.
 - ۳- در شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله گرفته بود، سقراط چه اقدامی انجام داد؟
 - پرچم علم و فضیلت را برافراخت و برای احیای تفکر عقلانی قیام کرد و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.
 - ۴- در جامعه آتن چه چیزی حکایتگر واقعی یک فلسفه بود؟ چه کسی و چگونه آن را به تصویر کشیده است؟
 - زندگی سقراط - افلاطون، شاگرد برجسته «سقراط» این زندگی را حکایت کرده و مبارزه سقراط با مغالطه‌گران و سوفیست‌ها را به تصویر کشیده است.
 - ۵- روش سقراطی چگونه روشی بود؟ آن را توضیح دهید.
 - در روش سقراط، وقتی کسی داوطلب پاسخ سوال سقراط می‌شد، سقراط با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می‌کرد به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت می‌رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست می‌آورد. روش گفت‌وگو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می‌گرفت، به تدریج به «روش سقراطی» شهرت یافت.
 - ۶- سقراط از گشت و گذار در میان مردم چه مقصودی داشت؟ دی ۸۰ - خرداد و شهریور ۸۱
 - جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و سالخوردگان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت فضیلت به بار نمی‌آورد بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای افراد و جامعه سودمند است به دست می‌آید.
 - ۷- در نظر سقراط رابطه‌ی ثروت و فضیلت چگونه است؟ خرداد ۸۱
 - ثروت فضیلت به بار نمی‌آورد بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای افراد و جامعه سودمند است به دست می‌آید.
 - ۸- سقراط معتقد بود که خداوند چه رسالتی را بر عهده‌ی او نهاده است؟
 - من هیچگاه از بیدار ساختن، پند دادن و شماتت یکایک شما باز نمی‌ایستم این رسالتی است که خداوند با ندهای غیبی و در رویا بر عهده من نهاده است.
 - ۹- ملتوس در دادگاه، سقراط را به چه جرمی متهم کرد؟؟ دی ۸۰ و ۸۱
 - ۱۰- اتهاماتی که در دادگاه آتن به سقراط زده شد چه بود؟ دی ۸۸
 - ۱۱- در نظر ملتوس جرم سقراط چه بود؟
 - ۱۲- از نظر ملتوس، اتهامات سقراط چه بود؟ شهریور ۹۴
 - ۱۳- یکی از اتهاماتی را که در دادگاه آتن به سقراط زدند، بنویسید. خرداد ۹۳
 - ۱۴- یکی از اتهام‌های سقراط را که ملتوس در دادگاه مطرح کرد، بیان کنید. شهریور ۹۲
- پاسخ سوال ۹ تا ۱۴ : جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید. با افکار خود جوانان را گمراه می‌سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان برمی‌گرداند.
- ۱۵- سرانجام محاکمه سقراط چه بود؟
 - ملتوس برای ادعای خود شواهدی ذکر کرد و در پایان از دادگاه برای سقراط درخواست مجازات مرگ نمود.

۱۶- ملتوس جرم سقراط را در چه چیز می دانست و چه کیفی را برای او پیشنهاد کرد؟

خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید. با افکار خود جوانان را گمراه می سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان برمی گرداند. مجازات مرگ

۱۷- افترايي که مخالفان از دیرباز به سقراط نسبت داده بودند چه بود؟ شهریور ۸۳

سقراط رفتاری خلاف دین درپیش گرفته و درپی آن است که به اسرار آسمان و اعماق زمین دست یابد. باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران هم می آموزد.

۱۸- سقراط از جستجو برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کردند و همچنین کشف راز پیام غیبی سروش، به چه

نتیجه ای رسید؟

کاوش و جستجوی من برای ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده که گروه بزرگی به غلط مرا «دانا» بنامند. در حالی که من دانا نیستم شاید به این دلیل که هربار نادانی کسی را آشکار می کنم، حاضران مجلس گمان می کنند که آنچه که او نمی داند، من می دانم.

۱۹- پیام سروش معبد دلفی چه بود؟ و سقراط راز آن را در چه می دانست؟ خرداد ۸۲

هیچ کس دانا تر از سقراط نیست - دانا ترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند.

۲۰- پیام سروش دلفی چه بود؟ شهریور ۹۲ شهریور ۹۵ هیچ کس دانا تر از سقراط نیست.

۲۱- راز پیام سروش دلفی از نظر سقراط در الهامی به دوستش کرفون چه بود؟ خرداد ۹۲

راز سروش معبد دلفی این است که «داناترین مردم سقراط است»، یا بعبارتی راز پیام این بود که به ما بنمایاند تا چه پایه نادانیم. (نادانی ما را به ما بنمایاند و بگوید داناترین آدمیان کسی است که مانند سقراط بداند که نادان است.)

۲۲- راز پیام سروش دلفی چه بود؟ دی ۹۷ - خرداد ۹۸

دانا ترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند. یا ه ما بنمایاند تا چه پایه نادانیم.

۲۳- سقراط چگونه اثبات کرد که او منکر خدا نیست؟ (استدلال او را کامل بنویسید .)

۲۴- سقراط وجود خداوند را چگونه اثبات کرد؟

سقراط با متانت گفت: اما این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست. مگر ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود؟

۲۵- سقراط با طرح این سؤال از ملتوس که « آیا ممکن است کسی وجود امور انسانی را بپذیرد

ولی منکر وجود انسان شود، چه نتیجه ای گرفت؟ من به خدا اعتقاد دارم

۲۶- از نظر سقراط، اگر بدلیل ترس از مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتابد سزاوار چیست؟

سزاوار این است که دادگاهی تشکیل دهند و بگویند سقراط به خدا اعتقاد ندارد. ارتکاب آن گناه دلیل بر سرپیچی از امر خدا است؛ در آن صورت مدعی داشتن دانشی شده ام که در حقیقت فاقد آن هستم

۲۷- علت ترس از مرگ از نظر سقراط چیست؟ دی ۸۹

به اعتقاد سقراط، چرا مردم از مرگ می ترسند؟ شهریور ۹۶

از نظر سقراط چرا مردم از مرگ می هراسند؟ خرداد ۹۷

از نظر سقراط چرا مردم از مرگ می ترسند؟ شهریور ۹۷

ترس از مرگ جز این نیست که آدمی خود را دانا بیندارد، بی آنکه دانا باشد.

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- ... چهره برجسته تاریخ فلسفه است. سقراط
- ۲- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های بود. سوفسطائیان
- ۳- سوفسطائیان معتقد بودند که جهان را نمی توان ... و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ... ماست و تطابقی با ... ندارد. شناخت - ذهن - واقعیت
- ۴- سوفسطائیان با کمک اقسام مغالطه ها و ... و فن ... به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند. جدل - سخنوری
- ۵- در آتن، سقراط برای احیای تفکر... و استواری ... قیام کرد و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت. عقلانی، فضیلت
- ۶- زندگی ... حکایت واقعی یک فلسفه است. « سقراط »
- ۷- ... ، مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را به تصویر کشیده است. افلاطون
- ۸- ... نماینده متهم کنندگان سقراط بود. ملیتوس
- ۹- جرم سقراط این است که... که همه به آنها معتقدند انکاری کند و از... جدید سخن می گوید. خدایانی - خدایی
- ۱۰- ... در پایان دادگاه برای سقراط درخواست مجازات ... نمود. ملیتوس - مرگ
- ۱۱- ... بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی فلسفی سقراط را در برداشت. دفاعیه سقراط
- ۱۲- به عقیده مخالفان سقراط و سوفسطائیان ، سقراط رفتاری ... در پیش گرفته و در پی آن است که به ... آسمان و زمین دست یابد. خلاف دین - اسرار
- ۱۳- سقراط می گوید که کاوش و جست وجوی من برای شناخت کسانی که ادعای ... بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که ... هستند، سبب شد که گروه بزرگی به غلط مرا ... بنامند. دانشمند - دانشمند حقیقی - دانا
- ۱۴- از نظر سقراط، هربار ... کسی را آشکار می کنم، حاضران مجلس گمان می کنند که آنچه که او نمی داند، من نادانی - می دانم
- ۱۵- به نظر سقراط ، دانای حقیقی فقط ... است. خدا
- ۱۶- راز سروش معبد دلفی این بود که به ما بنمایاند تا چه نادانیم
- ۱۷- داناترین شما آدمیان، کسی است که چون ... بداند که هیچ ... سقراط - نمی داند. پایه
- ۱۸- از نظر سقراط، کسی که به راه ... دست یافت، هرگز نباید از ... هراسی به دل راه دهد. درستی ، خطر
- ۱۹- سقراط می گوید که ... مرا مأمور کرده تا در جست وجوی ... بکوشم و آن را به دیگران آموزش دهم. خداوند - دانش
- ۲۰- به نظر سقراط ، ترس از مرگ جز این نیست که آدمی خود را ... بپندارد، بی آنکه دانا باشد. دانا
- ۲۱- از نظر سقراط، گریز از مرگ ... نیست، گریز از ... دشوار است. دشوار - بدی
- ۲۲- اکنون وقت رفتن فرا رسیده است؛ من به سوی ... می روم و شما به سوی مرگ - زندگی

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود . درست
- ۲- سوفسطائیان با کمک اقسام مغالطه ها ، جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند . درست
- ۳- در شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می گرفت ،سقراط پرچم علم و فضیلت را برافراخت . درست
- ۴- سقراط برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرد و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت . درست
- ۵- زندگی « افلاطون » حکایت واقعی یک فلسفه است . نادرست
- ۶- ارسطو ، شاگرد برجسته « سقراط » مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را به تصویر کشیده است. نادرست
- ۷- سقراط، روش بحث ثابتی داشت . درست
- ۸- به عقیده سقراط ، فضیلت، ثروت نمی آورد. نادرست
- ۹- از نظر سقراط از ثروت است که فضیلت و هرچه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید. نادرست
- ۱۰- سقراط من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن، لب از گفتار فرو بندم . درست
- ۱۱- ملتوس نماینده متهم کنندگان سقراط بود . درست
- ۱۲- به عقیده ملتوس،سقراط، خدایانی که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید. درست
- ۱۳- از نظر ملتوس ، سقراط با افکار خود جوانان را گمراه می سازد و آنها را از دین پدرانشان برمی گرداند.درست
- ۱۴- ملتوس در پایان از دادگاه برای سقراط درخواست مجازات بخشش نمود . نادرست
- ۱۵- دفاعیه سقراط بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی فلسفی سقراط را در برداشت . درست
- ۱۶- به عقیده سوفسطائیان، سقراط رفتاری خلاف دین درپیش گرفته و می خواهد به اسرار آسمان و زمین دست یابد..درست
- ۱۷- به نظر سوفسطائیان، سقراط رفتاری خلاف دین در پیش گرفته و می خواهد باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران بیاموزد . درست
- ۱۸- از نظر، سقراط کاوش و جست وجوی وی برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده که گروه بزرگی به درست ، سقراط را « دانا » بنامند . نادرست
- ۱۹- سقراط در دفاعیه خود در دادگاه گفت ؛ من دانای حقیقی هستم . نادرست
- ۲۰- به عقیده سقراط، هربار نادانی کسی را آشکار می کرد ، حاضران مجلس گمان می کردند که آنچه که او نمی داند، سقراط می داند . درست
- ۲۱- از نظر سقراط دانای حقیقی فقط خداست. درست
- ۲۲- پیام سروش معبد دلفی این بود « داناترین مردم سقراط است » درست
- ۲۳- داناترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند « خرداد ۹۶ درست
- ۲۴- از نظر سقراط، کسی که به راه درستی دست یافت و آن را در پیش گرفت، نباید از خطر هراسی به دل راه دهد. درست
- ۲۵- به نظر سقراط ، ترس از مرگ جز این نیست که آدمی خود را دانا بیندارد، بی آنکه دانا باشد . درست
- ۲۶- از نظر سقراط، گریز از مرگ بدی نیست، گریز از مرگ دشوار است؛ زیرا مرگ از بدی تندتر می دود. نادرست
- ۲۷- سقراط می گفت من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ اما مدعیان من با همه چستی و چالاکي، درچنگال بدی گرفتارند درست
- ۲۸- سقراط در پایان دادگاه گفت ، اکنون وقت رفتن فرا رسیده است، من به سوی مرگ می روم و شما به سوی زندگی درست

سوالات تستی

۱- اساس ترس از مرگ از نظر سقراط ، کدام است؟ کنکور ۹۸

گزینه ۱

(۱) توهم دانایی نسبت به مرگ

(۲) اشتیاق به توقف در دنیا

(۳) آگاهی از زیان مرگ

(۴) سرپیچی از امر خدا

۲- سقراط در زمان خودش به دانایی مشهور بود . علت این موضوع به نظر او چه بود؟ کنکور خارج کشور ۹۸

گزینه ۱

(۱) اینکه او نادانی سوفسطائیان را آشکار می کرد.

(۲) پیام سروش دلفی مبنی بر این که او داناترین مرد شهر است.

(۳) گفت و گوهای او با مردم برای اینکه فرمان خداوند را به جای آورده باشد .

(۴) تصور مردم مبنی بر این که او پاسخ سوالاتی را که از سوفسطائیان می کند ، می داند .

۳- کدام مورد به نتیجه نهایی تلاش های سقراط برای کشف راز سخن سروش معبد دلفی اشاره دارد ؟ کنکور ۹۶

گزینه ۲

(۱) دانای حقیقی کسی جز خداوند نیست

(۲) کسی که از نادانی خود خبره دارد، دانا است

(۳) کسانی که بیشتر به دانایی شهره بودند، نادان تر بودند (۴) داناترین آدمیان کسانی اند که مانند سقراط هیچ نمی دانند.

۴- کدام عبارت بیانگر نظر سقراط است ؟ کنکور خارج کشور ۹۶

(۱) نباید به مال و ثروت و کمال جسم بها داد .

(۲) ثروت برای فرد و جامعه سود چندانی ندارد .

(۳) همه چیزهای ارزشمند از فضیلت به دست می آیند .

(۴) کمال نفس همراه با فضیلت، ثروت به بار می آورد .

۵- با توجه با دفاعیات سقراط در دادگاه کدام عبارت مناسبتر است؟ کنکور سراسری ۹۲

گزینه ۳

(۱) وی انکار خدایان متعدد را، دلیلی بر انکار خدای یگانه نمی دانست.

(۲) به اعتقاد وی خورشید، سنگ و ماه، کره های خاکی بیش نبودند.

(۳) سخنان وی در مورد دانایی و عدالت، نشان می داد که به خدا معتقد است.

(۴) به گفته او همانطور که زین و لگام از آن اسب بود، جهان از آن خدا بود.

۶- هدف اصلی سقراط این بود که به مردم نشان دهد ... کنکور خارج کشور ۹۲

گزینه ۴

(۱) قبل از انجام هرکار باید بفهمد آن کار درست است یا نه (۲) بالاترین سعادت برای شهر او ، پیروی از فرمان خداست .

(۳) سعادت انسان در توجه به روح خود و تربیت آن است .

(۴) از فضیلت است که ثروت و هرچه سودمند است به دست می آید

۷- در مقایسه ی « نمی دانم » سقراط با « نمی دانم » سوفسطائیان کدام مورد درست نیست؟ کنکور سراسری ۹۱

گزینه ۴

(۱) « نمی دانم » سقراط بیان جهل بسیط است، بر خلاف « نمی دانم » سوفسطائیان که ناشی از جهل مرکب است.

(۲) « نمی دانم » سوفسطائیان برخلاف « نمی دانم » سقراط، بر عشق به دانایی و فرزاندگی استوار نیست.

(۳) « نمی دانم » سوفسطائیان علیرغم ظاهرش، حاکی از جهل مرکب است که سقراط با نمی دانم خود سعی در از بین بردن آن دارد.

(۴) « نمی دانم » سوفسطائیان یعنی نمی توانم بدانم، ولی « نمی دانم » سقراط یعنی عدم اطمینان به همه ی دانسته ها

۸- ملتوس در جریان محاکمه ، سقراط را به چه اموری متهم کرده بود ؟

گزینه ۴

(۱) سخن گفتن از خدای جدید و نافرمانی از سروش

(۲) فاسد کردن جوانان و رشوه خواری

(۳) فاسد کردن جوانان و نافرمانی از سروش معبد دلفی

(۴) سخن گفتن از خدای جدید و گمراهی جوانان

۹- سقراط در روز محاکمه، افترايي که از دیرباز به او نسبت داده بودند و ملتوس هم آن را تکرار کرد چه می دانست؟ گزینه ۱

۱) سقراط رفتاری خلاف دین در پیش گرفته و در پی آن است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد.

۲) سقراط خورشید را سنگ می داند و ماه را کره ای خاکی.

۳) سقراط، علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول را منکر شده است .

۴) سقراط هر بار نادانی کسی را آشکار می کند . و خود را دانای حقیقی می پندارد.

۱۰- سقراط چگونه و براساس کدام دلیل پی برد که گروه بزرگی به غلط او را دانا می دانند در حالی که دانا نیست؟ گزینه ۱

۱) جدا کردن کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند از دانشمند حقیقی . (۲) آشکار کردن دانایی مدعیان دانش .

۳) آن دانایان از پاسخ به سوالات سقراط در می ماندند. (۴) با سخن سروش معبد دلفی دریافت

۱۱- کدام مورد از نظر سقراط بیانگر راز پیام سروش دلفی بود؟ گزینه ۲

۱) داناترین مردم سقراط است . (۲) به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم .

۳) اینکه مردم آنها را بسیار دانا می دانستند. (۴) کسانی که بیشتر به دانایی شهره بودند نادان تر بودند.

۱۲- کدام مورد به نتیجه نهایی تلاش های سقراط برای کشف راز سخن سروش دلفی اشاره دارد؟ گزینه ۳

۱) دانای حقیقی فقط خداوند است . (۲) جدا کردن کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند از دانشمند حقیقی .

۳) کسی که از نادانی خود خبره دارد ، دانا است. (۴) داناترین آدمیان کسانی اند که مانند سقراط هیچ نمی دانند .

۱۳- با توجه با دفاعیات سقراط در دادگاه کدام عبارت مناسبتر است؟ گزینه ۳

۱) وی انکار خدایان متعدد را، دلیلی بر انکار خدای یگانه نمی دانست.

۲) به اعتقاد وی خورشید، سنگ و ماه، کره ای خاکی پیش نبودند.

۳) سخنان وی در مورد دانایی و عدالت، نشان می داد که به خدا معتقد است.

۴) به گفته او همانطور که صفات انسانی اثبات کننده وجود انسان بود، جهان از آن خدا بود.

۱۴- کدام عبارت بیانگر نظر سقراط درباره علت ترس از مرگ است؟

۱) آدمی خود را دانا پندارد، بی آنکه دانا باشد . (۲) زیرا مرگ از بدی تندتر می دود.

۳) چون گریز از مرگ دشوار نیست، گریز از بدی دشوار است. (۴) مرگ انتقال به جهانی دیگر است . گزینه ۱

۱۵- به اعتقاد سقراط، ایمن بودن از ترس و هراس خطرات، در «جهل مرکب» و «جهل بسیط» به ترتیب بیانگر ... و

است. کنکور سراسری ۹۰ با اعمال تغییرات
گزینه ۳

۱) آگاهی به جهل و نادانی خود - دانا پنداری خویش - اقرار و آگاهی نسبت به نادانی خود

۲) دست یابی به درستی راه - اقرار و آگاهی نسبت به نادانی خود - دانا پنداری خویش

۳) دست یابی به درستی راه - دانا پنداری خویش - اقرار و آگاهی نسبت به نادانی خود

۴) آگاهی به جهل و نادانی خود - اقرار و آگاهی نسبت به نادانی خود - دانا پنداری خویش

۱۶- . و راز پیام سروش معبد دلفی همین بود که کنکور با اعمال تغییرات

۱) بدانند که هیچ نمی دانند - به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم.

۲) توجه به خدای واحد را وجهه همت خود قرار دهند - سقراط رفتاری خلاف دین ما آتینان در پیش گرفته است.

۳) بدانند که هیچ نمی دانند - سقراط رفتاری خلاف دین ما آتینان در پیش گرفته است.

۴) توجه به خدای واحد را وجهه همت خود قرار دهند - به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم. گزینه ۱

فصل دوم : معرفت و شناخت

درس ۶ : امکان شناخت شامل مباحث :

- چیستی معرفت
- امکان معرفت

درس ۷ : ابزارهای شناخت شامل مباحث :

- حس
- عقل
- قلب

درس ۸ : نگاهی به تاریخچه معرفت شامل مباحث :

چهار دوره تاریخ فلسفه

ایران توننه

توشه ای برای موفقیت

- دوره یونان باستان
- دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام
- دوره جدید اروپا

رشد اندیشه نسبی گرایی

ظهور پراگماتیسم

درس ششم فصل دوم : امکان شناخت

□ امکان شناخت

- یکی از ویژگی های انسان، توانایی شناختن است.
 - ما اشیا و پدیده های پیرامون خود را شناسایی می کنیم و از طریق این شناخت با آنها ارتباط برقرار کرده و از آنها استفاده می نماییم.
 - ما اشیا و افراد را می بینیم، صدای آنها را می شنویم و بسیاری از ویژگی های دیگر آنها را درک می کنیم.
 - اینکه ما با دیگری سخن می گوئیم، اینکه به سمت چیزی می رویم یا از چیزی دور می شویم و اینکه می کوشیم از خطرها فاصله بگیریم همه اینها نشانه توانایی ما در دانستن است.
 - ما گاهی به مسائلی فراتر از مسائل محسوس و پیرامونی فکر می کنیم.
 - گاهی درباره گذشته و آینده، یا درباره موجودات نامحسوس و جهانی غیر از جهان مادی می اندیشیم و برای خود نظر و باوری هم داریم.
 - ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم .
 - شناخت ما انسان ها به تدریج افزایش می یابد.
 - ما در آغاز تولد چیزی نمی دانیم، بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم.
 - با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت بیشتر پیش می رویم.
 - علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، باز هم شناخت ما بسیار محدود است.
 - ما آگاه هستیم که در کنار دانسته ها و آموخته ها، حقایق فراوان دیگری در عالم هست که آنها را نمی دانیم و نمی شناسیم.
 - گاهی متوجه می شویم که بعضی از دانسته های ما درست نبوده و دچار خطا شده ایم.
 - گاهی متوجه می شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند و ما می کوشیم که بدانیم از میان آن نظرها تفاوت کدام درست و کدام غلط است.
 - تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت ، موجب می شود پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما مطرح شود ؛ پرسش هایی مانند پرسش های زیر، منجر به شکل گیری دانشی به نام « معرفت شناسی » شده است:
 - ✓ شناخت چیست؟ آیا شناخت اساساً ممکن است؟
 - ✓ شناخت های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟
 - ✓ راه های شناخت کدام اند؟
 - حدود و قلمرو شناخت چقدر است؟
 - چرا میان شناخت افراد از یک موضوع تفاوت وجود دارد؟
- تعریف معرفت شناسی :**
- « معرفت شناسی » بخشی از فلسفه است که به پدیده شناخت می پردازد و می کوشد به این گونه پرسش ها پاسخ دهد.
 - معرفت شناسی همیشه جزئی از فلسفه بوده است.
 - هنگامی که فیلسوفی درباره موضوعاتی مانند هستی، جهان و انسان می اندیشد ، ناگزیر درباره خود اندیشیدن و شناخت دیدگاهی دارد .

□ تاریخچه معرفت شناسی :

- افلاطون و ارسطو در یونان باستان، همچین ابن سینا، شیخ اشراق، ملاصدرا و علامه طباطبایی، از فیلسوفان دوره اسلامی و نیز دکارت، هیوم و کانت از فیلسوفان دوره جدید اروپا، همه درباره معرفت و شناخت بشر نظر داده اند.
- توجه ویژه کانت فیلسوف قرن هجدهم آلمان، به شناخت سبب شد که شاخه « معرفت شناسی » فلسفه رشد بیشتری کند و فیلسوفان بیشتری در دوره جدید بدان پردازند.
- در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد.
- در دوره جدید، به علت طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی در آمده که به آن « معرفت شناسی » یا « نظریه معرفت » می گویند.

□ چیستی معرفت

- معنا و مفهوم معرفت و شناخت، روشن است و نیازی به تعریف ندارد.
- وقتی که از یک کودک می پرسیم « می دانی توپت کجاست » و او می گوید « آری می دانم » نسبت به معنای « می دانم » آگاه است. اگر ابهامی هم از جهت کلمه لغت باشد، حداکثر با بیان معادلی ابهام رفع می شود.
- مثلاً می گوئیم معرفت یا شناخت، همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است. به عبارت دیگر، وقتی کسی می گوید « توپ آنجاست » بدین معناست که او به وجود توپ در آنجا آگاه و عالم است و ما بازای آگاهی او، یک توپ است که در آنجاست.

□ امکان معرفت

- آیا ما می توانیم اشیا و موجودات جهان را بشناسیم و به آنها علم پیدا کنیم؟
- شاید از این پرسش تعجب کنید و بگوئید این یک امر بدیهی و روشن است و نیازی به تحقیق و پیدا کردن دلیل ندارد.
- همین که ما با طرف مقابل خود صحبت می کنیم، یا لیوان آبی را برمی داریم و می نوشیم، یا از عمل کسی خوشحال یا عصبانی می شویم، گویای آن است که ما قدرت شناخت داریم؛ در غیر این صورت، ممکن نبود ما عملی انجام بدهیم.
- همین که ما با طرف مقابل خود صحبت می کنیم، یا لیوان آبی را برمی داریم و می نوشیم، یا از عمل کسی خوشحال یا عصبانی می شویم، گویای آن است که ما به امکان شناخت خود پی برده ایم.
- اگر رفتاری غیر از این از ما سر می زد، می توانستیم بگوئیم که در توانایی دانستن خود شک داریم
- جالب است بدانیم گاهی همین امر بدیهی نیز، چه در گذشته و چه در زمان حاضر، انکار شده است.

عقیده سوفیست ها درباره امکان معرفت

- سوفیست ها که به علت استفاده از مغالطه های مختلف در گفت و گوها و در محاکم قضایی هر باطلی را حق جلوه می دادند، به تدریج به این نظر رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی تواند به علمی که مطابق با واقع باشد، برسد.

عقیده گرگیاس یکی از سوفیست های معروف و توانا در فن سخنوری درباره امکان معرفت

- اولاً چیزی وجود ندارد.
- ثانیاً اگر هم چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد.
- ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید.

□ نفی شکاکیت مطلق

- می دانیم که حقایق بسیاری وجود دارد که هنوز انسان نتوانسته آنها را بشناسد.
- ممکن است ما در توانایی خود برای شناخت برخی امور شک کنیم و مثلاً با خود بگوییم که « آیا ما می توانیم به همه اسرار مغز پی ببریم؟ » اما این شک، غیر از شک در امکان اصل شناخت است.
- شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست.
- پس هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است.

□ پیشرفت پیوسته دانش انسان

- از آنجا که بشر به طور طبیعی به امکان شناخت خود و پدیده های دیگر باور دارد و وجود اشتباه را به معنای ناتوانی در کسب معرفت تلقی نمی کند، از ابتدای زندگی روی زمین، برای درک خود و جهان پیرامون خویش تلاش کرده است.
- نتیجه این تلاش مستمر، دستیابی انسان به دانش های مختلف در رشته ها و شاخه های گوناگون علم است.
- پیشرفت علم، خود دلیلی بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت است.

مراحل پیشرفت پیوسته دانش انسان:

دانش بشر به دو صورت پیشرفت می کند و کامل تر می شود:

- ۱- از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده های جهان و گشودن شاخه های جدید دانش
 - ۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات آنها.
- دانش ما درباره کیهان و سیاره ها پیوسته هم در حال تکمیل و هم تصحیح است.
 - از جهت تکمیل، منجمان به تدریج ستارگان و سیارات بیشتری را شناسایی کرده اند و انتظار دارند که در آینده نیز کرات دیگری را بشناسند.
 - در جهت تصحیح نیز ستاره شناسان و کیهان شناسان به طور پیوسته برخی از دانش های گذشتگان را اصلاح نموده اند. مثلاً:
 - منجمان قدیم، عموماً فکر می کردند که خورشید به دور زمین می گردد و زمین مرکز جهان است.
 - منجمان جدید پی بردند که این نظر اشتباه بوده و زمین به دور خورشید در حرکت است.

پاسخ فعالیت های درس ششم

تعیین درستی گزاره های اول درس :

۱- انسان می تواند اشیا را بشناسد.

۲- انسان می تواند اشیا را همان گونه که هستند بشناسد.

۳- انسان نمی تواند اشیا را همان گونه که هستند بشناسد.

۴- شناخت انسان می تواند خطا و اشتباه باشد.

۵- شناخت انسان همواره خطا و اشتباه است.

۶- انسان فقط می تواند همین امور محسوس و قابل تجربه حسی را بشناسد.

۷- انسان در شناخت امور محسوس هم همواره خطا می کند.

۸- انسان علاوه بر امور محسوس، امور نامحسوس را هم می تواند بشناسد.

جمله دوم با جمله اول سازگار است. زیرا در جمله دوم قید « همان گونه که هستند » اضافه شده که جنبه توضیحی دارد. واً هر کس که می گوید انسان می تواند اشیا را بشناسد، منظورش « همان گونه که هستند » می باشد و اگر جور دیگر بشناسد، نشناخته است.

جمله سوم با جمله دوم ناسازگار است. حال، این جمله با جمله اول چه نسبتی دارد؟ آیا با جمله اول هماهنگ است یا مخالف؟ ممکن است کسی بگوید جمله اول با هر دو جمله هماهنگ است. هماهنگی آن با جمله دوم روشن است. اما درباره هماهنگی آن با جمله سوم بدین صورت است که در جمله اول فقط آمده که انسان می تواند اشیا را بشناسد، خواه همان گونه که هستند و خواه غیر همان گونه که هستند. پس جمله اول با این جمله سازگاری دارد. اما حقیقت این است که وقتی کسی می گوید انسان می تواند اشیا را بشناسد، اصولاً منظورش آن است که یک شی را همان گونه که هست می تواند بشناسد. اگر غیر همان طوری که هست بشناسد، آن را نشناخته و چیز دیگری را به جای آن شناخته است. مثلاً اگر بگوید آن موجودی که از دور می آید « اسب » است، و بعد معلوم شود که « گاو » بوده، آن را نشناخته و اشتباه کرده است.

اگر کسی جمله چهارم را انتخاب کند، این جمله با جمله اول و دوم سازگار است اما با جمله سوم سازگار نیست. زیرا وقتی می گوئیم انسان می تواند خطا بکند، معنایش این است که: می تواند اشیا را بشناسد، در ضمن، ممکن است خطا هم بکند.

اگر کسی جمله ۵ را انتخاب کند، لازمه اش این است که جمله ۳ را هم بپذیرد و جملات ۱، ۲ و ۴ را انکار کند. جمله ششم وارد محدوده علم شده است. کسی که محدوده شناخت را معین می کند، اصل شناخت را پذیرفته است. پس جمله ۶ با جملات ۱، ۲ و ۴ سازگار است و یک دانش آموز می تواند هر چهار جمله را انتخاب کند.

جمله هفتم در مقابل جمله ششم است و چون لفظ « هم » در آن آمده، معنایش آن است که انسان همواره خطا می کند، حتی در امور محسوس، پس این جمله با جمله سوم و پنجم هماهنگ است.

جمله هشتم که توانایی انسان بر امور محسوس و نامحسوس را می پذیرد، با جملات اول، دوم و چهارم سازگار است. اما با جملات سوم و پنجم و هفتم به طور کلی سازگار نیست. اما با جمله ششم، کلمه « فقط » که در جمله آمده سازگار نیست و در هر دو جمله امکان شناخت امور محسوس پذیرفته شده است.

تفکر

۱- بسیار پیش آمده که ما یک مسئله ریاضی را حل کرده ایم، اما بعد متوجه شده ایم که در حل آن مسئله راه را اشتباه رفته ایم. سپس راه دیگری را انتخاب کرده و به پاسخ صحیح رسیده ایم. اینکه انسان می تواند به خطای خود پی ببرد نشانه چیست؟

۲- بسیار پیش آمده که ما در موضوعی با فردی دیگر اختلاف نظر داشته باشیم و هر دو تلاش کنیم به کمک استدلال و توضیح، طرف مقابل را به دیدگاه خود نزدیک کنیم. این تلاش نشانه پذیرش چه حقیقتی است؟ در این فعالیت دو مسئله طرح شده است:

مسئله اول: تشخیص خطای خود و تصحیح آن: در این مسئله توجه دانش آموزان به یک نکته ظریف جلب شده است. درست است که ما خطا می کنیم. اما در عین حال می توانیم به همین خطا پی ببریم و این، خود، دلیلی بر توانایی انسان برای شناختن است. علاوه بر این، انسان خطای خود را تصحیح می کند. یعنی دانش بعدی خود را با دانش قبلی مقایسه می کند و متوجه می شود که این دانش نسبت به دانش قبل درست است.

مسئله دوم: گفت و گو و بحث برای قانع کردن طرف مقابل: کاری که ما هنگام گفت و گو با طرف مقابل می کنیم، خودش حاوی چند پیام در زمینه شناخت است:

یکی اینکه: دو فردی که دو نظر درباره یک موضوع دارند، هر دو قبول دارند که یکی از این دو نظر درست است، نه هر دو. البته ممکن است هر دو اشتباه باشند.

دوم اینکه: هر دو قبول دارند که راهی برای تشخیص درستی یا نادرستی این نظرات هست.

سوم اینکه: هر دو می دانند که می توانند دیدگاه درست خود را به دیگری انتقال دهند و به او اثبات کنند که نظرش صحیح نیست و نظر طرف مقابل صحیح است.

چهارم اینکه: بالاخره هر دو قبول دارند که امکان شناخت برای انسان هست.

ایران توننده
توشه ای برای موفقیت

سوالات تشریحی

- ۱- مقصود از اینکه یکی از ویژگی های انسان، توانایی شناخت است، چیست؟ توضیح دهید.
مقصود این است که ما اشیا و پدیده های پیرامون خود را شناسایی می کنیم و از طریق این شناخت با آنها ارتباط برقرار کرده و از آنها استفاده می نماییم. اشیاء و افراد را می بینیم، صدای آنها را می شنویم و بسیاری از ویژگی های دیگر آنها را درک می کنیم. اینکه ما با دیگری سخن می گوئیم، اینکه به سمت چیزی می رویم یا از چیزی دور می شویم و اینکه می کوشیم از خطرها فاصله بگیریم همه اینها نشانه توانایی ما در دانستن است.
- ۲- آیا شناختی که ما انسانها به دست می آوریم، دفعی یا تدریجی افزایش می باید؟ توضیح دهید.
شناخت ما به تدریج افزایش می یابد. ما در آغاز تولد چیزی نمی دانیم، بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم؛ یعنی با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت بیشتر پیش می رویم.
- ۳- ما انسانها چگونه در مسیر شناخت قرار می گیریم و آیا این شناختی که دست می آوریم محدود است یا نامحدود؟
ما با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت بیشتر پیش می رویم. اما علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، باز هم شناخت ما بسیار محدود است. یعنی ما آگاه هستیم که در کنار دانسته ها و آموخته ها، حقایق فراوان دیگری هم در عالم هست که آنها را نمی دانیم و نمی شناسیم. گاهی متوجه می شویم که بعضی از دانسته های ما درست نبوده و دچار خطا شده ایم.
- ۴- هرگاه متوجه شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند چه اقدامی باید انجام دهیم؟
می کوشیم که بدانیم از میان آن نظرات متفاوت کدام درست و کدام غلط است.
- ۵- با تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما مطرح می شود؛ سه نمونه از این پرسش ها را بنویسید.
اساساً شناختن چیست؟ آیا اصولاً شناخت ممکن است؟ شناخت های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟ راه های شناخت کدام اند؟ حدود و قلمرو شناخت چیست؟
- ۶- اصطلاح «معرفت شناسی» را تعریف کنید.
«معرفت شناسی» آن بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می پردازد و درصدد است به پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت پاسخ دهد. معرفت شناسی همیشه جزئی از فلسفه بوده است.
- ۷- توجه ویژه کانت فیلسوف قرن هجدهم آلمان به شناخت چه تأثیر مثبتی در شاخه معرفت شناسی داشت؟
سبب شد که شاخه معرفت شناسی فلسفه رشد بیشتری کند و فیلسوفان بیشتری در دوره جدید بدان پردازند.
- ۸- تاریخچه طرح مباحث معرفت شناسی در دوره گذشته و جدید را بنویسید.
در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد. اما در دوره جدید، به علت طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمد که به آن «معرفت شناسی» یا «نظریه معرفت» می گویند.
- ۹- مقصود از «چیستی معرفت» را با ذکر مثالی توضیح دهید.
معنا و مفهوم معرفت و شناخت، روشن است و نیازی به تعریف ندارد. وقتی که از یک کودک می پرسیم «می دانی توپت کجاست» و او می گوید «آری می دانم» نسبت به معنای «می دانم» آگاه است. اگر ابهامی هم از جهت کلمه لغت باشد، حداکثر با بیان معادلی ابهام رفع می شود. مثلاً می گوئیم معرفت یا شناخت، همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است.

۱۰- آیا ما می توانیم اشیا و موجودات جهان را بشناسیم و به آنها علم پیدا کنیم؟ توضیح دهید .

آری، امکان معرفت یک امر بدیهی و روشن است. نیازی به تحقیق و پیدا کردن دلیل ندارد. همین که ما با طرف مقابل خود صحبت می کنیم، یا لیوان آبی را برمی داریم و می نوشیم، یا از عمل کسی خوشحال یا عصبانی می شویم، گویای آن است که ما به امکان شناخت خود پی برده ایم .

۱۱- چرا سوفیست ها به این نتیجه رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد؟

سوفیست ها به علت استفاده از مغالطه های مختلف در گفت و گوها و در محاکم قضایی هر باطلی را حق جلوه می دادند، لذا به تدریج به این نظر رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی تواند به علمی که مطابق با واقع باشد، برسد

۱۲- عقیده گرگیاس در باره شناخت و امکان معرفت چیست؟

اولا چیزی وجود ندارد. ثانيا اگر هم چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را

ندارد. ثالثا اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید .

۱۳- کدام یک از این دو مفهوم زیر برای هر انسانی روشن است ؟

الف) معنای معرفت ب) امکان رسیدن به شناخت و معرفت

هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است.

۱۴- آیا شکاکیت مطلق، امکان پذیر است؟ چرا ؟ خیر زیرا شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست و اگر

کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست.

۱۵- دانش بشر به دو صورت پیشرفت می کند و کامل تر می شود، آن دو روش کدامند؟

۱- از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده های جهان و گشودن شاخه های جدید دانش.

۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آنها

۱۶- مقصود از این سخن که دانش بشر درباره کیهان و سیاره ها پیوسته در حال تکمیل است، چیست؟

یعنی منجمان به تدریج ستارگان و سیارات بیشتری را شناسایی کرده اند و انتظار دارند که در آینده نیز کرات دیگری را بشناسند.

۱۷- مقصود از این سخن که دانش بشر درباره کیهان و سیاره ها پیوسته در حال تصحیح است، چیست؟

یعنی ستاره شناسان و کیهان شناسان به طور پیوسته برخی از دانش های گذشتگان را اصلاح نموده اند . مثلاً : منجمان قدیم، عموماً فکر می کردند که خورشید به دور زمین می گردد و زمین مرکز جهان است. منجمان جدید پی بردند که این نظر اشتباه بوده و زمین به دور خورشید در حرکت است.

۱۸- از میان فلاسفه یونان باستان ، فیلسوفان اسلامی و فلاسفه دوره جدید اروپا یک فیلسوف نام ببرید که در بحث معرفت و

شناخت نظریاتی ارائه نموده اند .

فلاسفه یونان : افلاطون و ارسطو فلاسفه اسلامی: ابن سینا ، شیخ اشراق، ملاصدرا ، علامه طباطبایی

فلاسفه دوره جدید اروپا : دکارت ، هیوم و کانت

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- توجه ویژه کدام فیلسوف دوره جدید اروپا به شناخت، سبب شد که شاخه معرفت‌شناسی فلسفه رشد بیشتری کند و فیلسوفان بیشتری در دوره جدید بدان بپردازند؟ کانت
- ۲- یک نفر از سوفسطائیان مشهور را نام ببرید. خرداد ۹۲ گریاس
- ۳- شعار «هیچ چیز وجود ندارد» از چه کسی است؟ گریاس
- ۴- چه کسانی بر این عقیده اند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد؟ سوفیست
- ۵- انسان‌ها چگونه در مسیر شناخت بیشتر پیش می‌روند؟ با عمل آموختن و یادگیری
- ۶- کدام دانش بخشی از فلسفه است که به پدیده شناخت می‌پردازد؟ معرفت‌شناسی
- ۷- مباحث معرفت‌شناسی در گذشته، در ضمن چه مباحث مطرح می‌شد؟ مباحث فلسفی
- ۸- نام دیگر نظریه معرفت‌شناسی چیست؟ نظریه معرفت
- ۹- مقصود از شکاکیت مطلق چیست؟ شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- یکی از ویژگی‌های انسان، توانایی ... است که به ... افزایش می‌یابد. شناختن - تدریج
- ۲- ما انسان‌ها با عمل ... و ...، در مسیر شناخت پیش می‌رویم. آموختن - یادگیری
- ۳- علی‌رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما ... است و درکنار این دانسته‌ها و آموخته‌ها ... بسیاری در عالم هست که آنها را نمی‌شناسیم. محدود - حقایق
- ۴- ... بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می‌پردازد و درصدد پاسخ به پرسش‌هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت است. معرفت‌شناسی
- ۵- معرفت‌شناسی همیشه جزئی از ... بوده است. فلسفه
- ۶- در گذشته برخی از مباحث معرفت‌شناسی در ضمن مباحث ... طرح می‌شد. فلسفی
- ۷- مباحث معرفت‌شناسی در دوره جدید، به صورت شاخه مستقلی درآمد که به آن معرفت‌شناسی یا ... می‌گویند. نظریه معرفت
- ۸- به عقیده سوفیست‌ها، انسان توانایی رسیدن به ... را ندارد و نمی‌تواند به علمی که مطابق با ... باشد، برسد. حقیقت - واقع
- ۹- ... یکی از سوفیست‌های معروف است. گریاس
- ۱۰- «اگر هم چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست» عقیده است. گریاس
- ۱۱- معنا و مفهوم معرفت و شناخت، ... است و نیازی به ... ندارد. روشن - تعریف
- ۱۲- هم ... معرفت و هم ... رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است. معنای - امکان
- ۱۳- شکاکیت ...، به معنای شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها است. مطلق
- ۱۴- دانش بشر از طریق حل ... و دستیابی به ... جدید در مورد عناصر و پدیده‌های جهان و گشودن شاخه‌های جدید دانش به دست می‌آید. مجهولات - اطلاعات

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- یکی از ویژگی های انسان، توانایی شناختن است . درست
- ۲- شکی نیست که ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم . درست
- ۳- شناخت ما از جهان، امری است که به تدریج حاصل نمی شود بلکه امری دفعی است . نادرست
- ۴- ما انسان ها با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت پیش می رویم. درست
- ۵- گاهی متوجه می شویم که بعضی از چیزهایی که فکر می کردیم می دانیم درست نبوده و ما دچار خطا شده ایم . درست
- ۶- تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت ، موجب طرح پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت می شود . درست
- ۷- انسان شناسی بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت پرداخته، می کوشد به پرسش های جدی پاسخ دهد .
نادرست
- ۸- معرفت شناسی همیشه جزئی از فلسفه نبوده است. نادرست
- ۹- در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد . درست
- ۱۰- در دوره جدید ، معرفت شناسی به صورت شاخه مستقلی درآمد که به آن « نظریه معرفت » می گویند . درست
- ۱۱- معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان روشن و بدیهی نیست و نیازی به تعریف دارد. نادرست
- ۱۲- " هیچ چیز را نمی توان شناخت " شعار پروتاگوراس است. خرداد ۹۴ - نادرست
- ۱۳- هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است. درست
- ۱۴- شگاکیت مطلق، به معنای شک در اصل دانستن و همه دانسته ها است . درست
- ۱۵- دانش ما درباره کیهان و سیاره ها فقط پیوسته در حال تصحیح است. نادرست
- ۱۶- از جهت تصحیح دانش بشر، منجمان به تدریج ستارگان و سیارات بیشتری را شناسایی کرده اند و انتظار دارند که در آینده نیز کرات دیگری را بشناسند. نادرست
- ۱۷- از جهت تکمیل دانش بشر، ستاره شناسان و کیهان شناسان به طور پیوسته برخی از دانش های گذشتگان را اصلاح نموده اند .
نادرست

ایران توننه
توشه ای برای موفقیت

سوالات تستی

۱- کدام سوال به حوزه مسائل معرفت شناسی مربوط نمی شود؟

گزینه ۱

(۱) آیا یادآوری خاطرات خوشایند بر همه انسان ها تاثیر یکسان دارد؟ (۲) شناخت های ما تا چه اندازه ارزش و اعتبار دارند؟

(۳) آیا می توانیم موجودات جهان را بشناسیم و به آنها علم پیدا کنیم؟ (۴) آیا ما می توانیم به همه اسرار مغز پی ببریم؟

۲- کدام مورد عبارت را به نحو درستی کامل می کند؟ معرفت شناسی بخشی از فلسفه است که به می پردازد؟

(۱) اعتبار روش تجربی (۲) وجود و هستی موجودات (۳) خود پدیده شناخت (۴) فلسفه هر علم

گزینه ۳

۳- کدام مورد بیانگر تفاوت اساسی معرفت شناسی دوره یونانی با معرفت شناسی دوره جدید است؟

(۱) در هر دو دوره برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد.

(۲) در دوره یونان، مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح شد اما امروزه، نظریه معرفت شاخه مستقلی است.

(۳) در هر دو دوره یونانی و جدید، مباحث معرفت شناسی شاخه مستقلی بوده و هست.

(۴) در دوره یونان، مباحث معرفت شناسی شاخه مستقلی بود اما امروزه، در ضمن مباحث فلسفی طرح می شود.

گزینه ۲

۴- تفاوت بین چستی معرفت و امکان معرفت این است که اولی و دومی

(۱) نیازی به تعریف دارد - بدیهی و روشن است. (۲) بدیهی و روشن است - نیازی به تعریف دارد.

(۳) بدیهی و روشن نیست - نیازی به تعریف دارد. (۴) نیازی به تعریف ندارد - بدیهی و روشن است

گزینه ۴

۵- محتوای کدام عبارت با بدیهی و روشن بودن معنای معرفت و امکان رسیدن به شناخت سازگار است؟

(۱) شکاکیت مطلق، یعنی شک در معنای معرفت، و نه شک در امکان رسیدن به معرفت

(۲) شکاکیت مطلق، یعنی شک در امکان معرفت، و نه شک در معنای معرفت

(۳) شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست.

(۴) اگر کسی در همه دانسته ها شک کند گرفتار تناقض می شود و نظر او با شک مطلق سازگار است.

گزینه ۳

۶- اگر کسی مدعی شود که «هیچ چیز وجود ندارد و به فرض وجود قابل شناخت نیست و به فرض قابلیت شناخت، فاقد

امکان تعلیم به دیگران است» مبنای این ادعا به ترتیب، اندیشه است که به معترف بود.

گزینه ۴

۱- گرگیاس - نسبیت امور ۲- پروتاگوراس - انکار معرفت ۳- پروتاگوراس - نسبیت امور ۴- گرگیاس - انکار معرفت

گزینه ۴

۷- کدام یک، با نظرات گرگیاس سازگار نیست؟

گزینه ۴

۱- هیچ چیزی وجود ندارد..

۲- اگر چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد..

۳- اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید

۴- اگر چیزی به حواس نیاید به این معنی است که وجود ندارد.

۸- کدام مطلب در مورد پیشرفت پیوسته دانش انسان درست نیست؟

گزینه ۴

۱- دانش بشر فقط از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده های جهان پیشرفت می کند

۲- دستیابی انسان به دانش های مختلف در رشته ها و شاخه های گوناگون علم دلیلی بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت است

۳- از جهت تصحیح، منجمان به تدریج ستارگان و سیارات بیشتری را شناسایی کرده اند و انتظار دارند که در آینده نیز کرات دیگری را بشناسند.

۴- در جهت تکمیل ستاره شناسان و کیهان شناسان به طور پیوسته برخی از دانش های گذشتگان را اصلاح نموده اند.

درس هفتم فصل دوم : ابزارهای شناخت

- در وجود انسان ابزارهایی برای شناخت وجود دارد.
- فیلسوفان تلاش می کنند ابزارهای شناخت را شناسایی کنند و قلمرو کاربرد آنها را معین نمایند .

سه ابزار شناخت : حس عقل قلب

حس :

- یکی از ابزارهای شناخت ما حس است.
 - ما به کمک حواس پنج گانه با عالم طبیعت آشنا می شویم و بسیاری از موجودات و ویژگی های آنها را می شناسیم.
 - گاهی در شناخت حسی خطا رخ می دهد، اما این شناخت به قدری برای ما معتبر است که بر پایه آن زندگی می کنیم و از اشیای طبیعی بهره می بریم و نیازهایمان را برطرف می سازیم.
 - یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت ها و تمایزهاست.
 - شناخت تمایزها و تفاوت های اشیا این امکان را به انسان می دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده های مختلف بکند.
- مثلاً اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ ظرف غذا می رویم. این عمل به ما می فهماند که ما در تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نمی کنیم.

□ عقل :

- انسان دارای قوه ای است که با آن تفکر و تعقل می کند.
- انسان با کمک عقل، می تواند حقایقی را درک کند که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست.
- حقایقی که عقل درک می کند می تواند مربوط به امور محسوس و طبیعی یا امور غیر محسوس و غیر طبیعی باشد.
- عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی می تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد .

تعریف شناخت تجربی :

- شناختی را که با همکاری عقل و حس به دست می آید، « شناخت تجربی » می گوئیم.

قواعد شناخت تجربی :

- شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم متکی است که دانشمند در هنگام بررسی داده های حسی، آن قاعده ها را در نظر دارد و از آنها بهره می برد؛ برخی از این قواعد عبارت اند از :
 - ✓ پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند، بلکه هر پدیده ای نیازمند علت است . (اصل علیت)
 - ✓ هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی آید . (اصل سنخیت)
- طبیعت، همواره یکسان عمل می کند. به طور مثال، آب، همواره خواص خود را دارد و این گونه نیست که یک روز فلان خاصیت را داشته باشد و روز دیگر نداشته باشد (اصل یکسان عمل کردن طبیعت)

❖ فیلسوفان عقل گرا :

□ ارسطو

- ارسطو از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد.
- ارسطو (شاگرد افلاطون) ، علاوه بر تبخّر در فلسفه، یک دانشمند علوم طبیعی نیز شمرده می شد.

ابن سینا

- ابن سینا در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی دارد.
- ابن سینا کتابهای متعددی در فلسفه و علوم طبیعی دارد که مورد توجه فلاسفه و دانشمندان علوم طبیعی است.
- ابن سینا در گسترش اندیشه های ارسطو دربارهٔ قانون علیت و ابعاد مختلف آن تأملات عمیقی کرد و توضیحاتی بیان نمود که همچنان قابل استفاده است.
- ابن سینا توضیح داد که قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی آید، بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه ای است .
- قانون علیت، یکی از قواعد اولیهٔ تعقل است که انسان در شناخت هر پدیده ای از آن استفاده می کند.
- نیروی عقل، از حواس بیرونی، مانند چشم و گوش، استفاده می کند .
- نیروی عقل می تواند حالات درونی نفس مانند شادی، درد، محبت، دشمنی، عصبانیت و خوشحالی را شناسایی کند و دربارهٔ آنها نظر دهد. مثلاً انسان می تواند به کمک عقل خود، علل پیدایش شادی و افسردگی را کشف کند و دربارهٔ آنها توضیح دهد.

□ شناخت عقلی :

- عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با تأمل، به حقایقی برسد و دانش هایی را پایه گذاری کند. به این قبیل دانش ها شناخت عقلی می گوئیم.
- بسیاری از دانستنی های ریاضی، شناخت عقلی هستند .
- فلسفهٔ شناخت عقلی است.
- دانستنی های فلسفه از طریق حواس و تجربه به دست نمی آیند؛ بلکه فقط از طریق تعقل محض می توان به آنها رسید.
- مثلاً ذات و صفات خداوند را نمی توان با حس و تجربه درک کرد و شناخت آنها مستلزم بهره گیری از قواعد شناخت عقلی است.
- قدرت و توانایی عقل، به انسان امکان می دهد تا یافته هایی سودمند دربارهٔ کل هستی، که امکان درک تجربی آن هیچ گاه وجود ندارد، به دست بیاورد و این یافته های عقلانی را در زندگی خود اساس سایر دانش ها قرار دهد و پایه های زندگی خود را بر آنها استوار سازد .
- انسان برای فهم یافته های عقلانی به دانش فلسفه نیاز دارد .

□ قلب یا دل

« قلب » یکی از ابزارهای معرفت انسان است که می تواند بی واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند.

تعریف معرفت شهودی :

- معرفتی که از طریق « قلب » یا « دل » به دست می آید، « معرفت شهودی » نام دارد.
- معرفت شهودی از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود.
- معرفت شهودی معرفت و شناختی بی واسطه است؛ یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی می کند.
- برای دریافت معرفت شهودی، سیر و سلوک و تهذیب نفس ضروری است.

دلیل تسمیه معرفت شهودی :

- بدان جهت شهودی می گویند که قلب انسان حقیقت را چنان درمی یابد که گویا با چشم می بیند.
- عارف و سالک الی الله ممکن است بتواند در همین دنیا، آخرت را مشاهده کند.
- علاوه بر عالم طبیعت، سایر عوالم را مشاهده نماید و وجود فرشتگان را هم واقعا بباید.
- این قبیل مشاهدات، از نوع شهود قلبی است و از راه چشم به دست نمی آید.

➤ وحی الهی برترین شهود

- یکی از شهودهای قلبی وحی الهی است.
- شهود قلبی وحی الهی ویژه پیامبران است؛ خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معرفتی در اختیار بشر قرار می دهد که به آن « معرفت وحیانی » می گویند.
- دریافت کننده وحی پیامبران الهی هستند.
- پیامبران الهی، آنچه را که از راه وحی دریافت کرده، به انسان های دیگر می رسانند.
- در شهود وحیانی، خداوند کلمات و عبارات خود را بر قلب پیامبر نازل می کند و پیامبر آن کلمات و عبارات را دریافت می کند و هیچ گونه دخل و تصرفی از طرف پیامبر در آن صورت نمی گیرد.
- قرآن کریم نمونه ای از کلام الهی است که خداوند از طریق وحی بر قلب آخرین پیامبر خود نازل کرده است.
- ما با تأمل و تدبر در قرآن، به میزان توانایی و همت خود می توانیم از بسیاری حقایق آگاه شویم.

پاسخ فعالیت های درس هفتم

فعالیت ابتدای درس ص ۵۰ :

عبارت های زیر را با دقت بخوانید، سپس به سؤال ها پاسخ دهید.

- سرنوشت هر کس در گرو عملی است که خود انجام داده است.
- تاریخ بشر با حوادث تلخ و ناگوار فراوانی آمیخته است.
- یکی از فرشتگان الهی جبرئیل است که آوردن وحی بر پیامبران را برعهده دارد.
- زمین علاوه بر حرکتی که به دور خود و به دور خورشید دارد، حرکتی هم همراه با منظومه شمسی در کهکشان دارد.
- انسانی که واقعا خدا را مقصود خود قرار بدهد، اعمالش در جهت رسیدن به او خواهد بود.
- جهان برای برخی انسان ها حکم قفس را دارد.

۱- آیا اصولاً با این جمله ها موافقید؟

۲- با صرف نظر از اینکه با این گزاره ها موافق هستید یا مخالف، فکر می کنید گویندگان این جمله ها با چه ابزاری و از چه طریقی به آنها پی برده و آنها را پذیرفته اند؟

- گزاره اول، بیانگر قدرت اختیار در انسان است، یعنی یک گزاره انسان شناختی است.
- گزاره دوم، یک گزاره در حوزه تاریخ بشر و حوادثی است که بر او گذشته است.
- گزاره سوم، یک گزاره درباره جهان غیب و ماوراءالطبیعه است.
- گزاره چهارم، یک گزاره علمی در حوزه فیزیک و علوم طبیعی است.
- گزاره پنجم، یک گزاره اعتقادی و تأثیر اعتقاد بر عمل است.
- گزاره ششم، یک گزاره عرفانی و اخلاقی شمرده می شود.

بررسی : ص ۵۲

گاهی ما در هنگام استفاده از حواس دچار خطا می شویم؛ مثلاً ممکن است چوب را داخل آب، شکسته بینیم یا یک ساختمان بزرگ را، از فاصله دور، کوچک بپنداریم. حال:

- آیا چنین پیشامدهایی سبب سلب اعتماد ما از حواس می شود؟
 - برای اینکه به خطای خود در این موارد پی ببریم، باید از چه ابزاری استفاده کنیم؟ آیا باز هم باید از حواس کمک بگیریم؟
 - آیا اینکه انسان می تواند متوجه خطای خود شود، می تواند دلیلی بر توانایی حواس برای شناخت اشیا باشد؟
- پاسخ سؤال اول، معمولاً منفی است، زیرا برای همه دانش آموزان خطای در حواس رخ داده، اما باز هم از حواس استفاده می کنند. کسی نیست که به علت چند بار اشتباه در دیدن، دیگر از چشم خود استفاده نکند. او حتی برای پی بردن به خطای خود باز هم از همین حواس استفاده می کند. به عبارت دیگر: هر کس می داند که ساختار دستگاه حواس ما و ادراک مربوط به حواس ما یک ساختار درست دارد و پیش آمدن خطا مربوط به ساختار دستگاه نیست.
- پاسخ سؤال دوم، همان طور که گفته شد همان حواس است. پاسخ سؤال سوم در ضمن پاسخ سؤال اول داده شد.

بیان نمونه : ص ۵۳

آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری از ویژگی‌ها و حالات نفس را مثال بزنید که انسان ابتدا آن را در خود یافته و سپس در موجودات دیگر مشاهده کرده است؟

این فعالیت، برای تعمیق خودشناسی و تأمل درونی است. نمونه‌های دیگری که انسان ابتدا در خود می‌یابد و بعد در دیگران هم مشاهده می‌کند:

- ۱- محبت و دشمنی ۲- استدلال کردن ۳- شادی و غم ۴- اخلاق و ویژگی‌های اخلاقی مانند ترس و شجاعت
- ۵- رابطه علیت میان اراده انسان و افعال او ۶- احساس شک و تردید در برخی امور

بررسی : ص ۵۴

آیا در علمی که از راه استدلال عقلی محض به دست می‌آیند، امکان خطا و اشتباه وجود دارد؟ با توجه به آنچه در منطق، دربارهٔ استدلال آموخته‌اید، در این باره توضیح دهید. در اینجا سه نکته مورد نظر است.

۱- اشتباه فقط در بدیهیات راه ندارد، مانند اجتماع نقیضین محال است.

۲- در استدلال تجربی که از حس کمک می‌گیریم امکان خطا هست که با تلاش و کوشش علمی و دقت در آزمایش‌ها و تجربه‌ها آن را کم می‌کنیم.

۳- در استدلال عقلی محض، چه در ریاضیات و چه در فلسفه امکان خطا وجود دارد. این خطا می‌تواند از ناحیه ماده باشد و می‌تواند از ناحیه صورت، یعنی شکل استدلال باشد. هر دو شکل خطا قابل تشخیص رفع شدن است.

مقایسه : ص ۵۱

| معرفت وحیانی | شهود عارفانه |
|--|--|
| معرفت وحیانی از جانب خدا نازل شده است. | شهود عارفانه مشاهده قلبی خود عارف است. |
| در انتقال وحی به مردم اشتباهی رخ نمی‌دهد. | ممکن است که یک عارف در بیان شهود خود دچار اشتباه شود. |
| هدف وحی هدایت مردم است. | در شهود عارفانه لزوماً چنین هدفی وجود ندارد. |
| وحی فقط به کسی می‌شود که ویژگی‌های لازم نبوت را دارد | برای هر کسی که خالصانه به تزکیه نفس بپردازد رخ می‌دهد. |

سوالات تشریحی

- ۱- یکی از تلاش های فیلسوفان در زمینه ابزار شناخت چیست؟
فیلسوفان تلاش می کنند ابزارهای شناخت را شناسایی کنند و قلمرو کاربرد آنها را معین نمایند .
- ۲- ابزارهای شناخت و معرفت در انسان را بنویسید . حس - عقل - قلب
- ۳- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی را بنویسید.
یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت ها و تمایزهاست.
- ۴- نقش شناخت تمایزها و تفاوت های اشیا را در انسان با ذکر مثال توضیح دهید.
شناخت تمایزها و تفاوت های اشیا این امکان را به انسان می دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده های مختلف بکند؛ مثلاً اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ ظرف غذا می رویم ،این عمل به ما می فهماند که ما در تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نکرده ایم.
- ۵- از طریق ابزار عقل چگونه می توان به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی برد و قوانین طبیعی را شناخت؟
عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی می تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد .
- ۶- « شناخت تجربی » چگونه شناختی است ؟
شناختی را که با همکاری عقل و حس به دست می آید ، « شناخت تجربی » می گوئیم .
- ۷- دو قاعده از قواعد عقلی مهم که شناخت تجربی بر آنها متکی است ، را بنویسید.
پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند، بلکه هر پدیده ای نیازمند علت است . هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی آید . طبیعت، همواره یکسان عمل می کند.
- ۸- « شناخت عقلی » چگونه شناختی است ؟ دو نمونه از این گونه شناخت ها را نام ببرید .
عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با تأمل، به حقایقی برسد و دانش هایی را پایه گذاری کند. به این قبیل دانش ها شناخت عقلی می گوئیم. مانند بسیاری از دانستنی های ریاضی و فلسفه
- ۹- به چه نوع معرفتی ، « معرفت شهودی » اطلاق می شود ؟ و این معرفت چگونه حاصل می شود ؟
معرفتی که از طریق « قلب » یا « دل » به دست می آید، « معرفت شهودی » نام دارد. این معرفت از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود. پس برای دریافت معرفت شهودی سیروسلوک و تهذیب نفس ضروری است.
- ۱۰- علت تسمیه معرفت شهودی به این نام چیست ؟
این شناخت را بدان جهت شهودی گویند که قلب انسان حقیقت را چنان درمی یابد که گویا با چشم می بیند.
- ۱۱- مقصود از « معرفت وحیانی » چیست ؟ توضیح دهید .
یکی از شهودهای قلبی وحی الهی است. این شهود ویژه پیامبران است و خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران معارفی را در اختیار بشر قرار می دهد که به آن « معرفت وحیانی » می گویند .

۱۲- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- الف) با همکاری عقل و حس به دست می آید
ب) طبیعت، همواره یکسان عمل می کند
ج) بسیاری از دانستنی های ریاضی و فلسفه
د) برای دریافت آن، سیروسلوک و تهذیب نفس ضروری است.
- ۱- از قواعد عقلی مهم در شناخت تجربی
۲- شناخت عقلی
۳- معرفت شهودی
۴- شناخت تجربی
- الف: شناخت تجربی ب: از قواعد عقلی مهم در شناخت تجربی ج: شناخت عقلی د) معرفت شهودی

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- حقایقی را که توانایی درک آنها از راه احساس ممکن نیست و فقط عقل درک کند، کدامند؟
امور محسوس و طبیعی را و امور غیرمحسوس و غیرطبیعی
- ۲- شناختی را که عقل با همکاری حس به دست می آورد، چه نامیده می شود؟ شناخت عقلی
- ۳- شناختی که بر چند قاعده عقلی مهم استوار است و دانشمند در هنگام بررسی داده های حسی، آن قاعده ها را در نظر دارد و از آنها بهره می برد چه نوع شناختی است؟ شناخت تجربی
- ۴- یک فیلسوف عقل گرای یونانی و یک فیلسوف عقل گرای اسلامی را نام ببرید. ارسطو - ابن سینا
- ۵- دیدگاه ابن سینا در مورد قانون علیت را در یک سطر بنویسید.
قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی آید، بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه ای است.
- ۶- دو مورد از دانش های عقلی را نام ببرید. ریاضیات - فلسفه
- ۷- مقصود از این سخن که معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است، چیست؟
یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی می کند.
- ۸- برای دریافت معرفت شهودی چه چیزی ضروری است؟
برای دریافت چنین معرفتی سیروسلوک و تهذیب نفس ضروری است

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی ما در شناخت ... و... اشیا است. تفاوت ها- تمایزهای
۲- شناختی را ... با همکاری ... به دست می آورد، شناخت تجربی می گوئیم. عقل - حس
- ۳- شناخت ... بر چند قاعده عقلی مهم متکی است که دانشمند در هنگام بررسی داده های ... ، آن قاعده ها را در نظر دارد و از آنها بهره می برد. تجربی - حسی
- ۴- یکی از قواعد اولیه تعقل در شناخت ... این است که طبیعت، همواره ... عمل می کند. تجربی - یکسان
- ۵- ... از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد. ارسطو
- ۶- ارسطو، علاوه بر تبخّر در فلسفه، یک دانشمند ... نیز شمرده می شد. علوم طبیعی
- ۷- ابن سینا در توضیح و تبیین قواعد علوم طبیعی نقش بسزایی داشت. عقلی
- ۸- قانون ... یکی از قواعد اولیه تعقل است که انسان در شناخت هرپدیده ای از آن استفاده می کند. علیت

- ۹- بسیاری از دانستنی های و دانش ... در زمره شناخت عقلی به شمار می روند. ریاضی - فلسفه
- ۱۰- معرفتی که از طریق « قلب » یا « دل » به دست می آید، ... نام دارد که صورت می گیرد. معرفت شهودی - بی واسطه
- ۱۱- معرفت شهودی از طریق تقویت ... و تعالی بخشیدن به ... و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود. ایمان - نفس

- ۱۲- برترین شهود الهی است که مختص است. وحی - پیامبران
- ۱۳- در شهود ... ، خداوند کلمات و عبارات خود را بر ... پیامبر نازل می کند. وحیانی - قلب
- ۱۴- قرآن کریم نمونه ای از ... الهی است که خداوند از طریق ... بر قلب آخرین پیامبر نازل کرده است. کلام - وحی

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- یکی از راه های شناخت ما حس است. درست
- ۲- گاهی در شناخت حسی خطا رخ می دهد. به همین دلیل در زندگی روزمره ما اعتباری ندارد. نادرست
- ۳- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی توانایی ما در شناخت تفاوت ها و تمایزهای اشیا است. درست
- ۴- شناخت وجه مشترک اشیا این امکان را می دهد که به کمک عقل از اشیا متفاوت استفاده های مختلف کنیم. نادرست
- ۵- انسان به کمک عقل می تواند حقایق را درک کند که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست. درست
- ۶- حقایق را که عقل می تواند درک کند، فقط مربوط به امور محسوس و طبیعی است. نادرست
- ۷- عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی می تواند به بسیاری از اسرار طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. درست
- ۸- شناختی را که با همکاری عقل و حس به دست می آید، « شناخت تجربی » می گوئیم. درست
- ۹- یکی از قواعد مهم عقلی در شناخت تجربی این است که پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند و هر پدیده ای نیازمند علت است. درست
- ۱۰- یکی از قواعد مهم عقلی در شناخت تجربی این است که هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی آید. درست
- ۱۱- یکی از قواعد مهم عقلی در شناخت تجربی این است که طبیعت، همواره یکسان عمل می کند. درست
- ۱۲- افلاطون از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد. نادرست
- ۱۳- ارسطو، علاوه بر تبخّر در فلسفه، یک دانشمند علوم طبیعی نیز شمرده می شد. درست
- ۱۴- ارسطو علاوه بر فلسفه، در طبیعیات و ریاضیات هم کتاب نوشته است. درست
- ۱۵- ارسطو در طبیعیات خود مبانی طبیعت شناسی را بیان کرده و دربارهٔ علت و اقسام علت سخن گفته است. درست
- ۱۶- ابن سینا در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی داشت. درست
- ۱۷- ابن سینا کتاب های متعددی در فلسفه و علوم طبیعی دارد که مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی بود. درست
- ۱۸- فارابی در گسترش اندیشه های ارسطو دربارهٔ قانون علت تأملات عمیقی کرد که همچنان قابل استفاده است. نادرست
- ۱۹- به نظر فارابی، قانون علت از تجربه و آزمایش به دست نمی آید، بلکه خودش پایه و اساس هر تجربه ای است. نادرست
- ۲۰- قانون علت، یکی از قواعد اولیهٔ تعقل است که انسان در شناخت هر پدیده ای از آن استفاده می کند. درست
- ۲۱- عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با تأمل، به حقایق برسد و دانش عقلی را پایه گذاری کند. درست
- ۲۲- بسیاری از دانستنی های ریاضی و فلسفه در زمره شناخت عقلی به شمار می روند. درست

- ۲۳- دانستنی های فلسفه از طریق حواس و تجربه به دست نمی آیند و فقط از طریق تعقل محض می توان به آنها رسید. درست
- ۲۴- « قلب » یا « دل » یکی از ابزارهای معرفت انسان است که می تواند بی واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند. درست
- ۲۵- معرفتی که از طریق « قلب » یا « دل » به دست می آید، « معرفت شهودی » نام دارد. درست
- ۲۶- معرفت شهودی از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود. درست
- ۲۷- معرفت شهودی، با واسطه است و بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی حاصل می شود. نادرست
- ۲۸- برای دریافت معرفت شهودی سیروسلوک و تهذیب نفس ضروری است. درست
- ۲۹- مشاهدات عارف، از نوع شهود قلبی است و از طریق چشم صورت نمی گیرد. درست

سوالات تستی

- ۱- کدام مطلب در مورد شناخت حسی درست نیست ؟
- (۱) گرچه گاهی در شناخت حسی خطا رخ می دهد، اما این شناخت به قدری برای ما معتبر است که بر پایه آن در طبیعت زندگی می کنیم، و نیازهایمان را برطرف می سازیم.
- (۲) یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، که زمینه تفکر عقلی قرار می گیرد، توانایی ما در شناخت تفاوت های اشیا است.
- (۳) شناخت های حسی متفاوت از اشیا، این امکان را به انسان می دهد که به کمک عقل خود از اشیا متفاوت استفاده های مختلف بکند.
- (۴) به کمک شناخت حسی می توان حقایق مربوط به امور محسوس و طبیعی یا امور غیر محسوس و غیر طبیعی را درک کرد. گزینه ۴
- ۲- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی انسان در شناخت ... و ... اشیا است.
- (۱) تفاوت ها - تمایزهای (۲) اشتراکات - تفاوت های (۳) تمایزها - اشتراکات (۴) اشتراکات - تمایزهای
گزینه ۱
- ۳- کدام مورد بیانگر تفاوت اساسی شناخت تجربی با شناخت عقلی است ؟
- (۱) شناختی عقلی با همکاری عقل و حس به دست می آید برخلاف شناخت تجربی
- (۲) در شناخت عقلی با استفاده از یافته های تجربی و نه صرفاً با تأمل، به حقایق می رسیم مانند دانستنی های ریاضی
- (۳) دانستنی های شناخت عقلی از طریق تعقل محض و نه از طریق حواس و تجربه به دست می آیند مانند ریاضی و فلسفه اولی
- (۴) شناخت عقلی بر چند قاعده مهم متکی است که دانشمند در هنگام بررسی داده های حسی، آن قاعده ها را در نظر دارد و از آنها بهره می برد.
- ۴- کدام یک جزء قواعد عقلی مهم که شناخت تجربی بر آنها متکی است، شمرده نمی شود ؟
- (۱) پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند، بلکه هر پدیده ای نیازمند علت است.
- (۲) هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی آید.
- (۳) طبیعت همواره یکسان عمل می کند.
- (۴) شناخت هر پدیده با همکاری حس و عقل به دست می آید.
- ۵- اولین دانشمندی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد و فیلسوفی که در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی داشت به ترتیب در کدام گزینه آمده است ؟
- (۱) افلاطون - ارسطو (۲) ارسطو - ابن سینا (۳) ارسطو - افلاطون (۴) افلاطون - ابن سینا
گزینه ۲
- ۶- کدام یک از موارد زیر مختص پیامبران است و معرفتی که از آن حاصل می شود چه نام دارد ؟
- (۱) قلب - معرفت وحیانی (۲) وحی - معرفت شهودی (۳) وحی - معرفت وحیانی (۴) قلب - معرفت شهودی
گزینه ۳
- ۷- تفاوت بین معرفت شهودی و معرفت وحیانی این است که اولی بر و دومی بر اشاره دارد ؟
- (۱) معرفتی که از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس حاصل می شود - کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه
- (۲) نوعی شهود قلبی - معرفت بی واسطه و لزوم سیروسلوک و تهذیب نفس
- (۳) معرفت بی واسطه و لزوم سیروسلوک و تهذیب نفس - معرفتی که از طریق وحی و به واسطه پیامبران حاصل می شود.
- (۴) معرفت بی واسطه و لزوم سیروسلوک و تهذیب نفس - نوعی شهود قلبی
گزینه ۳

درس هشتم فصل دوم : نگاهی به تاریخچه معرفت

- انسان از سه طریق می تواند به معرفت برسد : حس، عقل، شهود
- درباره ارزش این سه راه و میزان توانایی آنها در رساندن انسان به معرفت ، همواره میان فیلسوفان بحث و گفت و گو بوده است .
- گروهی به حس و گروهی دیگر به عقل اهمیت بیشتری داده و هر گروه هم دلایلی برای مدعای خود آورده اند .
- برخی نیز شهود قلبی را معتبر دانسته اند .

چهار دوره تاریخ فلسفه: تاریخ فلسفه را می توان به دوره های زیر تقسیم کرد:

- ۱- دوره یونان باستان : شامل فیلسوفان پیش از سقراط و بعد از وی از جمله افلاطون و ارسطو و شاگردان این دو
- ۲- فیلسوفان اروپایی دوره قرون وسطی تا ابتدای رنسانس و آغاز دوره جدید در اروپا .
- ۳- دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران : ظهور فیلسوفانی مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، شیخ اشراق و

ملاصدرا

- ۴- دوره جدید اروپا که از رنسانس با ظهور فیلسوفانی مانند فرانسیس بیکن، دکارت، کانت و هگل آغاز می شود و تاکنون ادامه دارد.

- در تمام این دوره ها، درباره معرفت شناسی و میزان کارآمدی هر یک از ابزارهای معرفت مباحث مختلفی صورت گرفته است که هر کسی بخواهد در دانش فلسفه تبحر داشته باشد، باید از آن مباحث آگاه باشد .

الف (دوره یونان باستان

□ آغاز اختلاف : عقل یا حس

- دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط، از اولین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده اند.
- در دوره یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما « مسئله شناخت » و میزان انطباق آن با « واقعیت » مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود.
- دانشمندان پیش از سقراط به شناخت حسی اهمیت می دادند و توجه کمتری به شناخت عقلی داشتند.

تفاوت دیدگاه معرفت‌شناسی هراکلیتوس و پارمیندس

□ دیدگاه معرفت‌شناسی هراکلیتوس

علاوه بر حس، عقل هم اهمیت دارد.

▪ شناخت حسی معتبر است و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می‌یابیم و درک می‌کنیم.

□ دیدگاه معرفت‌شناسی پارمیندس

شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، اعتبار ندارد و نمی‌توان بدان تکیه کرد.

▪ حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.

□ دیدگاه معرفت‌شناسی سوفسطائیان

▪ سوفسطائیان به سبب اختلاف نظرها و مغالطه‌هایی که خودشان بدان متوسل می‌شدند، اصل امکان شناخت واقعیت را

زیر سؤال برده، مدعی شدند که از راه حس و عقل، نمی‌توان به حقیقت رسید و اگر چیزی را حس می‌کنیم بدان معنا

نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر می‌دهد. به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم.

□ دیدگاه معرفت‌شناسی پروتاگوراس مشهورترین سوفسطائیان

پروتاگوراس که طرز تلقی سوفسطائیان را داشت، می‌گفت:

▪ حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد، خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت.

▪ حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می‌تواند متفاوت باشد.

▪ اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می‌آیند،

برای تو نیز همان طور هستند.

دیدگاه معرفت‌شناسی سقراط، افلاطون و ارسطو

▪ در میان مجادلات طرفداران عقل و حس، حکیمانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطو کوشیدند راه‌های معتبر

شناخت و روش‌های رسیدن به آن را تبیین کرده و راه‌های گریز از خطا را هم توضیح دهند.

▪ ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه‌های مصون ماندن از

خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود.

افلاطون که به عقل اهمیت می‌داد، عقیده داشت که:

شناخت عقلی بسیار مطمئن‌تر از شناخت حسی است و اموری را که عقل درک می‌کند، ارزش برتری دارد.

عقل می‌تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید. وی نام این جهان برتر را

عالم مُثُل نامید. عالم طبیعت سایه عالم مُثُل است.

افلاطون شهود قلبی را هم باور داشت و معتقد بود که سقراط آن عالم برتر را مشاهده کرده است.

▪ ارسطو نیز گرچه ادراک حسی را معتبر می‌دانست، اما استدلال کردن را یک کار عقلی معتبر می‌شمرد. به

نظر او عقل می‌تواند به اموری ماورای حس پی‌ببرد و آنها را اثبات نماید.

ب) دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران

- در این دوره فیلسوفان بزرگی ظهور کردند که همگی سه ابزار حس و عقل و قلب را معتبر می دانستند، با این تفاوت که برخی از آنها بیشتر درباره حس و عقل سخن گفته اند، برخی به شهود قلبی توجه ویژه کرده اند و برخی نیز میان حس و عقل و قلب و شهود وحیانی پیوند برقرار ساخته و از هر سه بهره برده اند.

تداوم اعتبار حس و عقل

دیدگاه معرفت شناسی فارابی و ابن سینا

- حکیم ابونصر فارابی (قرن سوم و چهارم ه. ق) و شیخ الرئیس ابن سینا (قرن چهارم و پنجم ه. ق) که از فیلسوفان بزرگ اسلام و جهان به شمار می آیند، مانند افلاطون و ارسطو، حس و عقل را نیز معتبر می دانستند.
- فارابی و ابن سینا برای شناخت وحیانی هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد.
- فارابی و ابن سینا نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند.
- ابن سینا در یکی از کتاب های خود که به تبیین عرفان می پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال های فلسفی سخنی نمی گوید.

□ دیدگاه معرفت شناسی سهروردی

- شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق (قرن ۶ ه. ق) علاوه بر فلسفه، در عرفان شخصیتی مهم به شمار می رود.
- سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

□ دیدگاه معرفت شناسی ملاصدرا (بهره مندی از همه ابزارهای معرفت)

- ملاصدرای شیرازی، فیلسوف بزرگ قرن یازدهم هجری، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد.
- ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است
- ملاصدرا پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند .
- ملاصدرا در کتاب « مبدأ و معاد » می گوید: عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت آنور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

□ دیدگاه معرفت شناسی اسلامی پس از ملاصدرا

- پس از ملاصدرا، فیلسوفان دیگر نیز این راه را ادامه داده و تکامل بخشیدند.
- عموم فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل اند.
- فلاسفه اسلامی معرفت شهودی و وحیانی را نیز قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند.
- علامه سید محمدحسین طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر می گوید: « صدرالمتألهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می آید) استفاده نمود. اگرچه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی (ابو نصر فارابی)، ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می خورد، ولی این ملاصدرا است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد .
- در دوره معاصر، عموم فیلسوفان مسلمان این نظر علامه طباطبایی را قبول دارند و معتقدند که عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می توانند ابزاری کسب معرفت باشند .
- معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد؛ یعنی نمی توان صرفاً با اتکاء بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

ج) دوره جدید اروپا

- مقصود از دوره جدید، دوره ای است که از قرن شانزدهم آغاز می گردد و تاکنون ادامه دارد.
- در این دوره اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج می شود، علوم تجربی گسترش می یابد و در حوزه های مختلف اجتماعی، از جمله سیاست، فرهنگ و فلسفه تحولات زیادی رخ می دهد.
- آنچه اکنون مورد توجه ماست، تحولاتی است که در این دوره در بخش « معرفت شناسی » فلسفه اتفاق افتاده است.

□ دو جریان فکری در دوره جدید اروپا : توجه به تجربه – توجه به عقل

الف) توجه به تجربه :

- در دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز می شود، به معرفت شناختی توجه ویژه ای شد و از این دوره به بعد، مسئله معرفت شناسی در کانون مباحثات فلسفی قرار گرفت.
- در این بحث و جدال فلسفی، نزاع بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می رساند یا استدلال عقلی؟
- تجربه گرایان : برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند .
- عقل گرایان : به عقل و استدلال عقلی اهمیت می دادند.

□ دیدگاه بیکن فیلسوف تجربه گرا:

- بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود.
- به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور بماند و پیشرفت نکند.

□ دیدگاه جان لاک فیلسوف تجربه گرا:

- پس از بیکن فیلسوفان دیگری مانند جان لاک، فیلسوف قرن هفدهم انگلستان، روش او را دنبال کردند و بر تجربه گرایی تأکید ورزیدند.
- تأکید جان لاک بر اهمیت تجربه از آن جهت اهمیت داشت که در دوره قرون وسطی کمتر به تجربه توجه می شد و علوم تجربی از عقب ماندگی فوق العاده ای رنج می برد.
- تأکید جان لاک بر اهمیت تجربه، یکی از عوامل توجه دانشجویان و پژوهشگران به علوم تجربی شد و زمینه ساز پیشرفت های علمی گردید.

ب) توجه به عقل :

□ دیدگاه دکارت فیلسوف عقل گرا:

- دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا.
- به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.
- البته دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود و خود او نقش مؤثری در پیشرفت علم در اروپا داشت، بخصوص که او یک ریاضی دان بزرگ هم شمرده می شد.
- آنچه وی را از تجربه گرایان جدا کرد، قبول گزاره ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند.
- پس از دکارت، فیلسوفان دیگری پیدا شدند که نظر او را تأیید کردند. این گروه از فیلسوفان به عقل گرایان مشهور شدند.

□ دیدگاه کانت :

- بحث و گفت وگو میان این دو جریان ادامه داشت تا نوبت به کانت در قرن هجدهم میلادی رسید .
- کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند.
- کانت درصدد بود تا نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.
- کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصویری مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد.
- به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم درک می کند.
- به عنوان مثال، انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی یابد؛ اما وقتی می تواند بگوید طلوع خورشید علت روشن شدن زمین است که به کمک مفهوم علت که خودش در دستگاه ادراکی موجود است و از خارج گرفته نشده، میان تصور طلوع خورشید و تصور روشن شدن رابطه برقرار کند.

□ حرکت به سوی تجربه گرایی مطلق

- تلاش های عقل گرایان در برابر تجربه گرایان تلاش موفقی نبود و تجربه گرایی به صورت یک دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد .
- از این به بعد در میان تجربه گرایان دیدگاه های جدیدی بروز کرد که یکی از مهم ترین آنها پوزیتیویسم یا اثبات گرایی است .

□ دیدگاه پوزیتیویسم :

یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرده، اوگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم است .

▪ پوزیتیویست ها علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند.

▪ بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.

□ رشد نسبی گرایی :

▪ گرچه توجه خاص به تجربه، سبب رشد دانش هایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی شد، اما بی مهری به تفکر عقلی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورد.

نتایج و اشکالات بی مهری به تفکر عقلی :

□ محدودیت های روش تجربی :

روش تجربی نمی توانست پاسخگوی سؤال های مهم انسان باشد.

مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار نداشت.

▪ ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان ها، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد.

در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان های نسبی گرا در داخل تجربه گرایی ظهور کنند.

دیدگاه نسبی گرایی :

▪ هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است.

▪ شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.

مثلاً بر اساس این دیدگاه، به طور مطلق نمی توان گفت « فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند » بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید « من در این وضعیت، فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود »

نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

□ ظهور پراگماتیسم :

- پراگماتیسم همان مکتب اصالت عمل (مصلحت عملی) است.
 - پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت اشیاء را شناخت.
 - به عقیده پراگماتیست ها ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند.
- مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند و دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی درست بودن است.

- پراگماتیسم وقتی به حوزه هایی مانند اخلاق، حقوق، دین و حتی هنر وارد می شود، نتایج و تبعاتی دارد؛ این تبعات را امروزه در جوامع مختلف می توانیم مشاهده کنیم.

□ ظهور جریان های دیگر معرفت شناسی در قرن ۲۰ :

- در ادامه تحولات حوزه معرفت شناسی، از اواسط قرن بیستم، جریان های دیگری نیز در اروپا و آمریکا پدید آمد که در واقع مکمل رخدادها و تحولات قبلی به شمار می آید.
- جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد.
- هنوز هم راه های دیگر معرفت، یعنی شهود عرفانی و وحی نیز همچنان طرفدارانی دارند.
- برخی از فیلسوفان معاصر، در حالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند.
- ویلیام جیمز و برگسون از جمله کسانی هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند.

توشه ای برای موفقیت

پاسخ فعالیت های درس هشتم

مقایسه ص ۶۱ :

سیر اندیشه از پارمنیدس تا ارسطو را مطالعه کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱. آیا تفاوتی میان نظر پارمنیدس و افلاطون درباره ادراک حسی وجود دارد؟

در این سؤال، مقایسه نظر پارمنیدس و افلاطون درباره ادراک حسی و محسوسات مطرح شده است.

- پارمنیدس ادراک حسی را معتبر نمی داند، اما افلاطون منکر ادراک حسی نیست و آن را پایین ترین نوع معرفت تلقی می کند.
- پارمنیدس معتقد به حرکت و تغییر نیست. اما افلاطون معتقد است که عالم محسوس عالم تغییر و حرکت است و به همین جهت پایین ترین مرتبه عالم است.

۲. آیا افلاطون و ارسطو اختلاف نظری در معرفت شناسی دارند؟

در این سؤال، مقایسه افلاطون و ارسطو درخواست شده است.

افلاطون و ارسطو، هر دو معرفت انسان را دارای ارزش واقع نمایی می دانند و با سوفسطائیان مخالف بودند.

- هر دو هم برای ادراک حسی و هم عقلی اعتبار قائل بودند.
- البته افلاطون ادراک حسی را بسیار پایین تر از ادراک عقلی می دانست و مردم را تشویق به ادراک عقلی می کرد. علاوه بر این، افلاطون ادراک شهودی را هم معتبر می دانست.

۳. آیا می توان میان دیدگاه پارمنیدس و افلاطون وجه تشابهی پیدا کرد؟

در این سؤال از وجه تشابه میان پارمنیدس و افلاطون سؤال کرده است.

این دو فیلسوف، هر دو، به عالم معقول که عالم ثبات است، اهمیت می دادند و آن را جهان حقیقی تلقی می کردند. می توان از جدول زیر برای نوشتن وجوه افتراق و اشتراک استفاده کرد:

| وجوه اشتراک | وجوه اختلاف |
|--|---|
| توجه و اهمیت دادن به عالم معقول یا عالم ثبات و جهان حقیقی دانستن آن. | پارمنیدس ادراک حسی را معتبر نمی داند، اما افلاطون منکر ادراک حسی نیست و آن را پایین ترین نوع معرفت تلقی می کند. |
| معتبر دانستن ادارک حسی و عقلی | پارمنیدس معتقد به حرکت و تغییر نیست. اما افلاطون معتقد است که عالم محسوس عالم تغییر و حرکت است و به همین جهت پایین ترین مرتبه عالم است. |
| | افلاطون ادراک حسی را بسیار پایین تر از ادراک عقلی می دانست. |
| | افلاطون ادراک شهودی را هم معتبر می دانست. |

تامل ص ۶۲ :

شیخ اشراق بر این عقیده است که فیلسوف، بدون معرفت شهودی، به جایی نمی‌رسد و اگر کسی تصور کند که تنها به وسیله مطالعه کتب و بدون سیر و سلوک عرفانی می‌تواند، فیلسوف شود، اشتباه بزرگی کرده است. همان‌گونه که عارفی که فاقد نیروی تفکر و تحلیل عقلی است، یک عارف ناقص است، فیلسوف و جست و جوگر حقیقت، اگر اسرار الهی را به صورت مستقیم و بی واسطه تجربه نکند، فیلسوفی ناقص و کم‌قدر خواهد بود.

در این متن تأمل کنید و بگویید حاوی چه پیامی در حوزه معرفت‌شناسی است؟

- از نظر شیخ اشراق، طی مدارج عالی در فلسفه با طی مدارج در عرفان ارتباط دارد.
- شیخ اشراق معتقد است که بدون استدلال و بدون نیروی تفکر و تحلیل عقلی، عرفان هم ناقص است و عارفی که فاقد قدرت تحلیل است، یک عارف ناقص است.

تشخیص ص ۶۷-۶۶ :

گزاره‌های زیر را بخوانید و ابتدا مشخص کنید کدام گزاره‌ها معنای مشترک دارند. سپس تعیین کنید کدام گزاره دیدگاه نسبی‌گرایی در معرفت را بیان می‌کند.

۱- به طور کلی شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد و لزوماً برای فردی دیگر معتبر نیست.

در این گزاره قید «به طور کلی» و «نسبت به خودش» حکایتگر دیدگاه کلی نسبی‌گرایی است.

۲- در برخی موارد شناخت انسان‌ها نسبی است و شناخت هر کس برای خودش معتبر است، اما در برخی موارد، انسان‌ها می‌توانند به شناخت یکسان دست پیدا کنند.

این گزاره با واقع‌گرایی تضاد ندارد. اما با نسبی‌گرایی ناسازگار است. زیرا اگر نسبی‌گرایی پذیرد که انسان‌ها در برخی موارد می‌توانند نظر یکسان داشته باشند، دیگر اختلافی با واقع‌گرا نخواهد داشت. آنچه نسبی‌گرایی را از واقع‌گرا جدا می‌کند، بیان مطلق او درباره نسبی‌گرایی است.

۳- به طور کلی این امکان برای انسان‌ها وجود دارد که به شناخت‌های یکسانی برسند، گرچه ممکن است در برخی موارد شناخت یکسانی نداشته باشند.

این گزاره با گزاره دوم یکسان است، گرچه در بیان متفاوت است.

۴- شناخت انسان‌ها در بسیاری از موارد نسبی است، اما این سخن به معنای نسبی بودن همه معرفت‌ها نیست.

این گزاره نیز با گزاره سوم و دوم سازگاری دارد.

۵- انسان‌ها امکان این را ندارند که بتوانند درباره یک چیز به معرفتی یکسان دست پیدا کنند؛ دیدگاه انسان‌ها درباره پدیده‌ها، حتماً متفاوت است.

این گزاره با گزاره اول کاملاً سازگار است و لذا با گزاره دوم و سوم و چهارم اختلاف دارد. این گزاره هم بیان دیگری از نسبی‌گرایی است.

به کار ببندیم ص ۶۸ :

- ۱- ویژگی بارز اندیشه هر یک از دانشمندان زیر را درباره معرفت بنویسید و سپس نظر خود را درباره هر یک بیان کنید.
در این سؤال ، دانش آموزان دیدگاه فلاسفه مطرح شده را درباره معرفت می نویسند و نقد خود را ارائه می کنند. در واقع، این فعالیت، چکیده و خلاصه درس است که با نقد و بررسی دانش آموزان باید توأم شود.
 - پارمنیدس در بی اعتباری ادراک حسی سخن گفت و در نتیجه وجود حرکت را انکار کرد.
 - سوفسطائیان به طور کلی منکر واقع نمایی هر ادراکی شدند و گفتند که ما به ازای ادراکات ما، چیزی نیست.
 - افلاطون برای ادراک حسی و عقلی و شهودی، هر سه ارزش قائل بود؛ البته ادراک حسی را پایین ترین و کم ارزش ترین نوع ادراک می دانست.شیخ اشراق همه مراتب معرفت را قبول داشت. اما توجه ویژه ای به معرفت شهودی کرد. او معرفت عقلی بدون شهود و هم معرفت شهودی بدون عقلانیت را رد می کرد.
 - ملاصدرا همه مراتب معرفت را پذیرفت و تلاش کرد سازگاری آنها با یکدیگر را نشان دهد.
 - علامه طباطبایی نیز مانند ملاصدرا همه مراتب و اقسام معرفت را پذیرفت.
 - بیکن برای معرفت حسی و تجربی اهمیت فوق العاده ای قائل بود اما معرفت عقلی را کم فایده می پنداشت.
 - دکارت معرفت عقلی را برتر از معرفت حسی و تجربی می دانست.
 - کانت تلاش کرد اعتبار معرفت عقلی و حسی را بازگرداند که منجر به پیدایش مکتب های جدید در معرفت شناسی شد.
- ۲- به نظر شما چه عواملی باعث شده است واقع نمایی دانش تجربی با اشکال مواجه شود. به طور گروهی با دوستان خود بحث و نتیجه را در کلاس ارائه کنید.
سؤال دوم یک سؤال واگراست و پاسخ های مختلفی می توان به آن داد.
یکی از مهم ترین عوامل، تغییرات و تحولاتی بود که در علوم تجربی رخ داد و در برخی موارد نظریات گذشتگان به کلی باطل شد. مثلاً درباره نظام کیهانی، گذشتگان زمین را مرکز عالم می دانستند و معتقد بودند که خورشید به گرد زمین می چرخد، اما این نظر به کلی غلط از آب درآمد.
- ۳- هر کدام از دیدگاه های زیر به کدام فیلسوف مربوط است؟
 - امری که قابل بررسی تجربی نباشد بی معناست. دیدگاه پوزیتیویست ها است.
 - معرفت تجربی حاصل همکاری حس و عقل است. دیدگاه فلاسفه اسلامی مانند فارابی و ابن سینا و دیدگاه ارسطو فیلسوف یونانی
 - درک حقیقت از راه عقل و شهود معنوی، هر دو، امکان پذیر است. دیدگاه سهروردی
 - میان داده های استدلالی و قطعی عقلی با معارف وحیانی تضادی نیست و هر دو مؤید یکدیگرند. دیدگاه بیشتر فلاسفه اسلامی
 - است که البته ملاصدرا و علامه طباطبایی بر آن تأکید کرده اند.
 - معرفت حسی، عقلی، شهودی و وحیانی، هر کدام در جای خود مفید است.دیدگاه عموم فلاسفه اسلامی است که البته ملاصدرا به تبیین کامل آن پرداخت

سوالات تشریحی

۱- چهار دوره تاریخ فلسفه را نام ببرید.

دوره یونان باستان - فیلسوفان اروپایی دوره قرون وسطی - دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران. - دوره جدید اروپا

۲- دوره یونان باستان شامل چه فیلسوفانی می شود؟

فیلسوفان پیش از سقراط و بعد از وی از جمله افلاطون و ارسطو و شاگردان این دو

۳- دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران با ظهور چه فیلسوفانی همراه بود؟

فیلسوفانی مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، شیخ اشراق و ملاصدرا

۴- دوره جدید اروپا با چه ظهور چه فیلسوفانی آغاز می شود؟ فیلسوفانی مانند فرانسیس بیکن، دکارت، کانت و هگل

۵- اولین دوره معرفت شناسی به کدام دوره باز می گردد و چه مسائلی نظر فیلسوفان این دوره را به خود جلب کرده بود؟

اولین دوره معرفت شناسی به دوره یونان بازمی گردد. دوره یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما

ارزش شناخت و میزان انطباق شناخت انسان با «واقعیت» از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.

۶- دیدگاه هراکلیتوس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، در مورد شناخت را بنویسید.

هراکلیتوس علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می داد. به اعتقاد وی، شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از

طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.

۷- دیدگاه هراکلیتوس در مورد شناخت حسی و حرکت را بنویسید.

به نظر هراکلیتوس، شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.

۸- دیدگاه پارمنیدس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، در مورد شناخت حسی را بنویسید.

پارمنیدس از کسانی بود که شناخت حسی را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، معتبر نمی دانست.

۹- نظر پارمنیدس در مورد وجود حرکت را بنویسید.

حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.

۱۰- عقیده هراکلیتوس و پارمنیدس درباره شناخت حسی و حرکت چه بود؟

۱۱- چرا نظر هراکلیتوس و پارمنیدس درباره شناخت حسی و حرکت نقطه مقابل یکدیگر است؟

زیرا به نظر هراکلیتوس، شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.

اما پارمنیدس از جمله کسانی بود که شناخت حسی را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، معتبر نمی دانست و

معتقد بود که حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.

۱۲- چه کسانی اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال بردند و چرا؟

سوفسطائیان به سبب اختلاف نظرها و مغالطه هایی که خودشان بدان متوسل می شدند، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر

سؤال برده و مدعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، می توان به حقیقت رسید و اگر چیزی را حس می کنیم بدان معنا

نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر دهد. به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم.

۱۳- دیدگاه پروتاگوراس در مورد حقیقت را بنویسید.

پروتاگوراس که طرز تلقی سوفسطائیان را داشت، می گفت: حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی

می دهد، خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت. حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت

باشد. اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای

تو نیز همان طور هستند.

۱۴- ارسطو چگونه توانست مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود؟

ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود.

۱۵- به عقیده افلاطون کدام شناخت مطمئن تر است و چرا؟

افلاطون که به عقل اهمیت می داد، عقیده داشت که شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی است زیرا اموری را که عقل درک می کند، ارزش برتری دارد. عقل می تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید. وی نام این جهان برتر را عالم مُثُل نامید. عالم طبیعت سایه عالم مُثُل است.

۱۶- عقیده ارسطو در مورد ادراک حسی و عقلی را بنویسید.

ارسطو گرچه ادراک حسی را معتبر می دانست، اما استدلال کردن را یک کار عقلی معتبر می شمرد. به نظر او عقل می تواند به اموری ماورای حس پی ببرد و آنها را اثبات نماید.

۱۷- در دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران، کدام ابزار شناخت، معتبر تلقی می شد و چه تفاوت هایی میان فیلسوفان این دوره وجود داشت؟

در این دوره فیلسوفان بزرگی ظهور کردند که همگی سه ابزار حس و عقل و قلب را معتبر می دانستند، با این تفاوت که برخی از آنها بیشتر درباره حس و عقل سخن گفته اند، برخی به شهود قلبی توجه ویژه کرده اند و برخی نیز میان حس و عقل و قلب و شهود وحیانی پیوند برقرار ساخته و از هر سه بهره برده اند.

۱۸- دیدگاه فارابی و ابن سینا درباره اعتبار حس و عقل و شناخت وحیانی و شهودی را بیان کنید.

فارابی و ابن سینا مانند افلاطون و ارسطو، هم حس و هم عقل را معتبر می دانستند. آنان علاوه بر اینکه برای شناخت وحیانی اعتبار خاص قائل بودند و آن را یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد، نیم نگاهی هم به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند.

۱۹- دیدگاه سهروردی درباره معرفت شهودی را بنویسید.

سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

۲۰- ملاصدرا چگونه توانست میان فلسفه و معرفت وحیانی یا میان عقل و وحی پیوند مستحکمی برقرار نماید؟

ملاصدرا با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. وی توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند.

۲۱- دیدگاه ملاصدرا درباره ارتباط عقل و دین را توضیح دهید.

ملاصدرا در کتاب «مبدأ و معاد» می گوید: عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت آنور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

۲۲- نظر علامه طباطبایی در مورد نقش ملاصدرا در برقراری پیوند مستحکم میان عقل و وحی را بنویسید.

علامه طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر می گوید: «صدرالمتألهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و

مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می آید) استفاده نمود . اگرچه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی (ابو نصر فارابی)، ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می خورد، ولی این صدرالمتألهین است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد .

۲۳- عموم فیلسوفان جهان اسلام، برای کدام ابزار شناخت اعتبار قائل بودند ؟

عموم فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل اند. فلاسفه اسلامی همچنین معرفت شهودی و وحیانی را قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند.

۲۴- مقصود از دوره جدید اروپا در تاریخ فلسفه چیست؟ و چه ویژگی هایی دارد ؟

مقصود از دوره جدید، دوره ای است که از قرن شانزدهم آغاز می گردد و تاکنون ادامه دارد. در این دوره جدید، اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج می شود، علوم تجربی گسترش می یابد و در حوزه های مختلف اجتماعی، از جمله سیاست، فرهنگ و فلسفه تحولات زیادی رخ می دهد .

۲۵- در دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز می شود، بحث و جدال فلسفی، بیشتر بر سر چه موضوعاتی بود ؟ در این دوره نزاع فلسفی بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می رساند یا استدلال عقلی؟

۲۶- در دوره جدید فلسفه در اروپا ، حاصل نزاع فلسفی بیکن و دکارت پیدایش دو مکتب تجربه گرایان و عقل گرایان بود . دیدگاه این دو مکتب را بنویسید.

گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند ، به « تجربه گرایان » و گروهی که به عقل و استدلال عقلی اهمیت می دادند، به «عقل گرایان » مشهور شدند .

۲۷- نخستین کسی که در دوره جدید فلسفه در اروپا ، بر اهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود چه کس بود و چه دیدگاهی داشت ؟ بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور بماند و پیشرفت نکند.

۲۸- تاکید جان لاک بر روش تجربه گرایی از چه جهتی مهم تلقی می شد ؟ این تأکید از آن جهت اهمیت داشت که در دوره قرون وسطی کمتر به تجربه توجه می شد و علوم تجربی از عقب ماندگی فوق العاده ای رنج می برد.

۲۹- چرا نظر دکارت و بیکن در موضوع معرفت شناسی، نقطه مقابل یکدیگر است؟

زیرا دکارت به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا. به اعتقاد وی، انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.

۳۰- آیا اعتقاد دکارت به معرفت های ذاتی انسان که حاصل تجربه نیست به معنای مخالفت او با علوم تجربی است ؟

خیر، دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود و خود او نقش مؤثری در پیشرفت علم در اروپا داشت، بخصوص که او یک ریاضی دان بزرگ هم شمرده می شد. آنچه دکارت را از تجربه گرایان جدا کرد، قبول گزاره ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند.

۳۱- وجه متمایز کننده عقیده دکارت با تجربه گرایان چیست؟

آنچه دکارت را از تجربه گرایان جدا کرد، قبول گزاره ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند.

۳۲- کانت برای آشتی دادن دو دیدگاه تجربه گرایی بیکن و دیدگاه عقل گرایی دکارتی چه اقدامی انجام داد و چه نظریه ای را مطرح کرد؟

کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند. کانت در صدد بود تا نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم درک می کند.

۳۳- آیا تلاش های عقل گرایان در برابر تجربه گرایان اروپایی تلاشی موفقیت آمیز بود؟

خیر- تلاش های عقل گرایان در برابر تجربه گرایان تلاش موفق نبود و تجربه گرایی به صورت یک دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد.

۳۴- دیدگاه ها «پوزیتیویسم» یا «اثبات گرایی» درباره مباحث معرفت شناسی را توضیح دهید.

پوزیتیویست ها علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند. بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.

۳۵- پیامدها و نتایج رشد اندیشه نسبی گرایی در معرفت شناسی غرب را بنویسید.

رشد اندیشه نسبی گرایی به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانش هایی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند؛ علمی مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی.

۳۶- چرا توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی، در معرفت شناسی غربی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورده است؟

زیرا اولاً روش تجربی نمی توانست پاسخگوی سؤال های مهم انسان باشد. مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار نداشت. ثانیاً ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان ها، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد. در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان های نسبی گرا در داخل تجربه گرایی ظهور کنند.

۳۷- نظریه نسبی گرایی در معرفت شناسی را توضیح دهید.

نسبی گرایی بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد؛ مثلاً بر اساس این دیدگاه، به طور مطلق نمی توان گفت «فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند» بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید «من در این وضعیت، فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود»

۳۸- نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به چه حوزه هایی راه یافت؟

نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

۳۹- دیدگاه معرفت شناسی پراگماتیسم یا مکتب اصالت عمل (مصلحت علمی) در خصوص واقعیت اشیاء ملاک درستی یک عمل را بیان کنید .

پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت اشیاء را شناخت. به عقیده پراگماتیست ها ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند . مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند و دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی درست بودن است.

۴۰- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|---|-----------------|
| الف) منکر وجود حرکت | ۱- معرفت وحیانی |
| ب) تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود. | ۲- پارمیندس |
| ج) شناخت حسی را معتبر می دانست. | ۳- برگسون |
| د) اختصاص به پیامبران دارد. | ۴- هراکلیتوس |
| و) سهووردی براین معرفت تاکید بسیاری داشت. | ۵- اثبات گرایی |
| ه) پوزیتیویسم | ۶- اصالت عمل |
| ی) پراگماتیسم | ۷- معرفت شهودی |

الف) پارمیندس ب) پارمیندس ج) هراکلیتوس د) معرفت وحیانی و) معرفت شهودی ه) اثبات گرایی ی) اصالت عمل

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- انسان از سه طریق می تواند به معرفت برسد. آنها را نام ببرید. عقل - حس - شهود
- ۲- درباره سه طریق رسیدن به معرفت، چه بحث و گفت و گویی همواره میان فیلسوفان بوده است؟
درباره ارزش این سه راه و میزان توانایی آنها در رساندن انسان به معرفت
- ۳- اولین کسانی که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده اند، چه کسانی بوده اند؟
دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط
- ۴- فیلسوفان پیش از سقراط به ترتیب، به کدام شناخت اهمیت می دادند و توجه کمتری به کدام شناخت داشتند؟
شناخت حسی - شناخت عقلی
- ۵- کدام یک از فیلسوفان یونانی پیش از سقراط، به ترتیب علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می داد و کدام یک شناخت حسی را معتبر نمی دانست؟ هراکلیتوس - پارمیندس
- ۶- کدام یک از فیلسوفان یونانی پیش از سقراط، معتقد بود که ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم و کدام یک وجود حرکت را انکار می کرد؟ هراکلیتوس - پارمیندس
- ۷- به عقیده افلاطون، کدام شناخت مطمئن تر است؟ شناخت عقلی
- ۸- به عقیده افلاطون، جهان برتر از جهان طبیعت که عقل می تواند آن را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید چه نام دارد؟
عالم مُثُل
- ۹- به نظر افلاطون، عالم طبیعت سایه ای از کدام عالم است؟ عالم مثل
- ۱۰- افلاطون علاوه بر شناخت عقلی و حسی، کدام طریق شناخت را باور داشت؟ شهود قلبی

۱۱- به عقیده افلاطون، آن عالم برتری که سقراط مشاهده کرده بود چه نام داشت؟ عالم مثل

۱۲- کدام فیلسوف مسلمان، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال های فلسفی

سخنی نمی گوید؟ ابن سینا

۱۳- دو جریان فکری که در دوره جدید در اروپا شکل گرفت را نام ببرید. توجه به تجربه و توجه به عقل

۱۴- فیلسوفی که پس از بیکن روش او را دنبال کرد و بر تجربه گرایی تاکید داشت، چه کسی بود؟ جان لاک

۱۵- یکی از مهمترین جریان های تجربه گرایی که در دوره جدید در اروپا بروز کرد کدام دیدگاه بود؟ پوزیتیویسم

۱۶- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرده، کدام فیلسوف بود؟ اوگوست کنت

۱۷- نام دو تن از فیلسوفان معاصر غرب که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند، را

بنویسید. ویلیام جیمز و برگسون

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

۱- اولین دوره معرفت شناسی به دوره بازمی گردد. یونان

۲- در دوره یونان که معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، ... و میزان انطباق شناخت انسان با ... از مسائلی بود که

نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود. ارزش شناخت - واقعیت

۳- پارمنیدس، شناخت معتبر نمی دانست و تنها برای شناخت ... ارزش قائل بود. حسی - عقلی

۴- پارمنیدس معتقد بود که وجود ندارد؛ زیرا از طریق برای ما معلوم شده و احتمال خطا در آن وجود دارد. حرکت - حس

۵- به عقیده هراکلیتوس شناخت معتبر است و به همین دلیل وجود ... را در عالم قبول داشتند. حسی - حرکت

۶- سوفسطائیان، با زیرسؤال بردن اصل امکان شناخت مدعی شدند که از راه حس و عقل، نمی توان به ... رسید.

واقعیت - حقیقت

۷- پروتاگوراس که طرز تلقی ... را داشت، می گفت حقیقت چیزی است که ... هرکس به آن گواهی می دهد. سوفسطائیان - حواس

۸- به نظر افلاطون، عالم طبیعت، ...، عالم مثل است و اگر انسان به آن جهان برتر راه یابد، می تواند ... آن را نظاره کند.

سایه - حقایق

۹- از نظر افلاطون، ابزار ... توانایی درک جهان طبیعت را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با ... و شهود امکان پذیر

است. حس - عقل

۱۰- سهروردی بر ... تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق به صورت الهامات ... به دست آورده بود، تبیین

استدلالی کند و نظام فلسفی خود را بر پایه آنها بنا نماید. معرفت شهودی - شهودی

۱۱- ملاصدرا، با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت ... در

کنار معرفت ... بهره ببرد. شهودی - عقلی

۱۲- ملاصدرا توانست پیوند مستحکمی میان ... و ... برقرار و اثبات کند عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند. فلسفه - معرفت وحیانی

۱۳- عموم فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت ... و هم برای معرفت ... اعتبار قائل اند. حسی - عقلی

۱۴- در دوره جدید، فلسفه در اروپا از قرن ۱۶ با پیشگامی ... و ... آغاز شد. فرانسیس بیکن - دکارت

۱۵- در قرن ۱۶ میلادی به ... توجه ویژه ای شد و از این دوره به بعد، این مسئله در کانون مباحثات ... قرار گرفت.

معرفت شناسی - فلسفی

- ۱۶- در قرن ۱۶ میلادی، نزاع فلسفی بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا ... ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می‌رساند یا ...؟ حس (تجربه) - استدلال عقلی
- ۱۷- ... از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می‌ورزید و به اصالت ... معتقد بود. بیکن - تجربه
- ۱۸- گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل اند و آن را اساس کسب معرفت می‌دانستند، به ... مشهور شدند. تجربه‌گرایان
- ۱۹- گروهی که به عقل و استدلال اهمیت می‌دادند، به و آن را اساس کسب معرفت می‌دانستند، به ... مشهور شدند. عقل‌گرایان
- ۲۰- به نظر بیکن، فیلسوفان گذشته با دنباله‌روی از ...، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم ... در خرافات و تعصب‌های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود. ارسطو - تجربی
- ۲۱- دکارت به تفکر ... اهمیت بسیار می‌داد و برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ... معرفت‌هایی دارد که آنها را با عقل درک می‌کند. عقلی - ذاتی
- ۲۲- به اعتقاد دکارت انسان در فهم ... و ... نیازی به حس و تجربه ندارد. نفس مجرد - وجود خدا
- ۲۳- کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید، نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری ... و ... است. حس - عقل
- ۲۴- به نظر کانت، قوه ... انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و ... را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. ادراکی - علیت
- ۲۵- تلاش کانت برای آشتی دادن ... و ... به پیدایش دیدگاه‌های جدیدی در معرفت‌شناسی غرب از جمله پوزیتیویسم منجر شد. عقل‌گرایان - تجربه‌گرایان
- ۲۶- از نظر پوزیتیویست‌ها، اموری که از طریق ... قابل بررسی نیستند، اصولاً اموری ... هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است. تجربه - بی‌معنا
- ۲۷- به اعتقاد پوزیتیویست‌ها، تنها اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که قابل ارزیابی ... و ... باشند. حسی - تجربی
- ۲۸- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرده، ... است. اوگوست کنت
- ۲۹- رشد اندیشه ...، به حاشیه رفتن جریان ... و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانش‌هایی مانند فیزیک، شیمی، پزشکی شد که بر تجربه و آزمایش‌های تجربی استوار بودند. نسبی‌گرایی، عقل‌گرایی
- ۳۰- ... بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود درباره امور به شناختی می‌رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است. پس شناخت هرکس برای خود و نسبت به خود ... دارد. نسبی‌گرایان - اعتبار
- ۳۱- پراگماتیسم همان مکتب اصالت ... است و پراگماتیست‌ها معتقدند که از طریق ... نمی‌توان واقعیت را شناخت. عمل (مصلحت‌عملی) - تجربه
- ۳۲- پراگماتیست‌ها می‌گویند هدف ما کشف ... نیست، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در ... به کار ما بیایند. واقعیت - عمل
- ۳۳- و از جمله کسانی هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می‌دهند. ویلیام جیمز - برگسون
- تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می‌باشد.
- ۱- اولین دوره معرفت‌شناسی به دوره یونان بازمی‌گردد. درست
- ۲- در دوره جدید فلسفه در اروپا معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح نبود. نادرست
- ۳- «ارزش شناخت» و میزان انطباق شناخت انسان با «واقعیت» مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود. درست
- ۴- هراکلیتوس شناخت حسی را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، معتبر نمی‌دانست. نادرست

- ۵- هر اکتیوس تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود. نادرست
- ۶- به نظر پارمینیدس حرکت وجود ندارد؛ زیرا از طریق حس برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حس وجود دارد. درست
- ۷- پارمینیدس شناخت حسی معتبر است و حرکت را در عالم قبول داشتند. چون حرکت قابل مشاهده حسی است. نادرست
- ۸- سوفسطائیان با زیر سؤال بردن اصل امکان شناخت واقعیت، مدعی شدند که از راه حس و عقل، نمی توان به حقیقت رسید. درست
- ۹- به نظر، پروتاگوراس حقیقت چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد. درست
- ۱۰- به عقیده پروتاگوراس حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد. درست
- ۱۱- ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در مبارزه با سوفسطائیان برداشت. درست
- ۱۲- ارسطو با تدوین منطق، شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش داد و مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود. درست
- ۱۳- به نظر افلاطون، عالم طبیعت، سایه عالم مثل است و اگر انسان به جهان برتر راه یابد می تواند حقایق آن را نظاره کند. درست
- ۱۴- از نظر افلاطون، ابزار حسی فقط توانایی درک جهان طبیعت را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است. درست
- ۱۵- به نظر افلاطون، گرچه حس اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا صرفاً جهان سایه ها را به ما نشان می دهد نه آن جهان برتر را. درست
- ۱۶- فارابی و ابن سینا فیلسوفان بزرگ اسلام و جهان، مانند افلاطون و ارسطو، فقط عقل را معتبر می دانستند. نادرست
- ۱۷- فارابی و ابن سینا برای شناخت و حیانی اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. درست
- ۱۸- فارابی و ابن سینا اعتنایی به شناخت شهودی نداشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند. نادرست
- ۱۹- سهروردی، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورد، تبیین استدلالی کرد و نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید. درست
- ۲۰- ملاصدرا با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. درست
- ۲۱- ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. درست
- ۲۲- ملاصدرا، اثبات نمود که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد و عقل و وحی موید یکدیگرند. درست
- ۲۳- همه فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی و هم معرفت شهودی و حیانی اعتبار قائل اند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند. نادرست
- ۲۴- در دوره معاصر، عموم فیلسوفان مسلمان نظر علامه طباطبایی را قبول دارند. درست
- ۲۵- عموم فیلسوفان مسلمان معاصر معتقدند که عقل و حس و شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند. درست
- ۲۶- دوره جدید فلسفه در اروپا از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و کانت آغاز شد. نادرست
- ۲۷- دکارت از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. نادرست
- ۲۸- به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود. درست
- ۲۹- به نظر کانت، انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا. نادرست

- ۳۰- کانت کوشید با طرح دیدگاهی جدید نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. درست
- ۳۱- به نظر کانت قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و می تواند آنها را از راه حس و تجربه به دست آورد. نادرست
- ۳۲- تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب از جمله پراگماتیسم منجر شد. نادرست
- ۳۳- از نظر پراگماتیست ها، اموری که از طریق تجربه قابل بررسی نیستند، بی معنا هستند و بشر به علی به آنها معتقد شده است. نادرست
- ۳۴- به اعتقاد پوزیتیویست ها، تنها اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند. درست
- ۳۵- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرد، اوگوست کنت است. درست
- ۳۶- به نظر نسبی گرایان شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد. درست
- ۳۷- نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد. درست
- ۳۸- پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت. نادرست
- ۳۹- به عقیده پراگماتیست ها، هدف کشف واقعیت نیست، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیانند و سودمندی خود را نشان دهند. درست
- ۴۰- جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد. درست
- ۴۱- برخی از فیلسوفان معاصر، درحالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند. درست
- ۴۲- ویلیام جیمز و برگسون به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقد بودند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دادند. درست

سوالات تستی

- ۱- اولین دوره معرفت شناسی مربوط به کدام دوره است؟
- ۱) رنسانس (۲) یونان باستان (۳) ایران باستان (۴) قرون وسطی
گزینه ۲
- ۲- در اولین دوره معرفت شناسی در یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح و شناخت و میزان انطباق شناخت انسان با از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.
- ۱) بود - ارزش - حقیقت (۲) نبود - ارزش - واقعیت (۳) نبود - امکان - حقیقت (۴) بود - امکان - حقیقت
گزینه ۲
- ۳- کدام مطلب، به ترتیب تفاوت دیدگاه پارمیندس و هراکلیتوس در مورد شناخت را به روشنی بیان می کند؟
- ۱) شناخت حسی معتبر است - شناخت عقلی معتبر نیست (۲) شناخت حسی معتبر نیست - فقط شناخت عقلی معتبر است
۳) شناخت حسی معتبر نیست - شناخت حسی معتبر است (۴) شناخت حسی معتبر است - شناخت عقلی معتبر است.
گزینه ۳
- ۴- کدام مطلب، تفاوت دیدگاه پارمیندس و هراکلیتوس در مورد حرکت را به روشنی بیان می کند؟
- ۱) پارمیندس منکر حرکت است زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم می شود و احتمال خطا در حس وجود دارد.
۲) هراکلیتوس منکر حرکت است زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم می شود و احتمال خطا در حس وجود دارد.
۳) پارمیندس وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت قابل مشاهده حسی است و شناخت حسی معتبر است
۴) هراکلیتوس وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت قابل امری عقلی است و شناخت عقلی معتبر است.
گزینه ۱
- ۵- کدام گزینه بیانگر اساس فلسفه پارمیندس است؟
- ۱) شناخت حسی معتبر است - انکار حرکت (۲) شناخت حسی معتبر است - پذیرش حرکت
۳) شناخت حسی معتبر نیست - انکار حرکت (۴) شناخت حسی معتبر نیست - پذیرش حرکت
گزینه ۳

۶- کدام یک از موارد زیر در باره پارمنیدس صحیح است؟

- (۱) او اعتقاد داشت احتمال خطا در حس وجود ندارد . (۲) پارمنیدس از فیلسوفان پس از سقراط می باشد .
(۳) وی معتقد بود حرکت وجود دارد . (۴) وی شناخت حسی را به خاطر خطاهایی که دارد معتبر نمی دانست
۷- مهمترین عامل زیر سوال بردن اصل امکان شناخت واقعیت توسط سوفسطائیان چه بود ؟

(۱) عدم توفیق فلاسفه نخستین یونان در حل مسئله ماده اولیه جهان (۲) یافتن اطلاعات گسترده درباره تمدن های دیگر

(۳) به سبب مغالطه هایی که برای آنها رخ داده بود (۴) بی اعتمادی نسبت به حواس

گزینه ۳

۸- پروتاگوراس جزء کدام دسته به شمار می رود ؟

(۱) افلاطونیان (۲) سوفسطاییان (۳) پیروان ارسطو (۴) نو افلاطونیان

گزینه ۲

۹- جمله « حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد » مربوط به کدام فیلسوف است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) هراکلیتوس (۲) افلاطون (۳) پارمنیدس (۴) پروتاگوراس

گزینه ۴

۱۰- کدام یک ، با نظرات پروتاگوراس سازگار نیست ؟

(۱) حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد.

(۲) هر چیزی، برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می رود.

(۳) حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد .

(۴) اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، برای تو نیز همان طور هستند .

گزینه ۴

۱۱- مفاد کدام عبارت ، بیانگر نظر خاص پروتاگوراس است ؟

(۱) ادراک حسی انسان ها را به امر ثابتی می رساند. (۲) اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.

(۳) انسان ها در مورد حقیقت باهم اختلاف نظر دارند (۴) هر چیزی که انسان درک کند، حقیقت است .

گزینه ۴

۱۲- برای گریز از خطا با تدوین کتاب ... گام مهمی برداشت. (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) افلاطون - جمهوری (۲) افلاطون - منطق (۳) ارسطو - مابعد الطبیعه (۴) ارسطو - منطق

گزینه ۴

۱۳- از نظر افلاطون ... فقط توانایی درک این جهان و درک جهان برتر را به انسان می دهد. (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) عقل و شهود - عقل و شهود (۲) حس - حس (۳) حس - عقل و شهود (۴) عقل و شهود - حس

گزینه ۳

۱۴- کدام عبارت مثل افلاطونی را به درستی توصیف می کند ؟

(۱) سایه هایی از حقیقت برین اند . (۲) وجود موجودات در عقل هستند.

(۳) بدل موجودات طبیعی هستند. (۴) اصل و حقیقت هر موجود طبیعی اند.

گزینه ۴

۱۵- محتوای کدام عبارت با تمثیل غار افلاطون سازگار نیست ؟

(۱) عالم طبیعت، سایه عالم مثل شمرده می شود و اگر انسان به آن جهان برتر مثل راه یابد، می تواند حقایق را نظاره کند.

(۲) ابزارحسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است.

(۳) حس اعتبار دارد اما ازدرجه اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا صرفاً جهان سایه ها را نشان می دهد نه جهان برتر را

(۴) ابزار حسی معتبر نیست زیرا صرفاً جهان سایه ها را به ما نشان می دهد نه آن جهان برتر را

گزینه ۴

۱۶- از دیدگاه فیلسوفان مسلمان ابزارهای شناخت چه چیزهایی است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) شناخت حسی و عقلی و شهودی و وحی (۲) شناخت حسی و شهودی و عقل

(۳) شناخت حسی و عقلی و وحی (۴) شناخت تجربی و عقلی و وحی

گزینه ۲

۱۷- شناخت شهودی نزد فارابی چگونه بوده است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) شناخت شهودی را مختص پیامبران می داند .

(۲) شناخت شهودی را قبول دارد اما از ارتباط آن با استدلال فلسفی حرفی نمی زند .

(۳) شناخت شهودی را اصلاً قبول ندارد .

(۴) شناخت شهودی را یکی از ابزارهای شناخت قبول دارد .

گزینه ۱

۱۸- اشتراک فارابی و ابن سینا با افلاطون و ارسطو چیست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) اعتبار عقل و حس (۲) اعتبار عقل بیشتر از حس (۳) اعتبار عقل و بی اعتباری حس (۴) اعتبار حس و بی اعتباری عقل

۱۹- از دیدگاه فارابی و ابن سینا ، منابع معرفتی انسان کدامند ؟

گزینه ۱

(۱) حس- عقل - وحی (۲) وحی - حس - تجربه (۳) حس - عقل - شهود (۴) عقل - شهود - وحی

۲۰- تفاوت فارابی و ابن سینا با سهروردی در مورد معرفت شهودی کدام است ؟

(۱) فارابی و ابن سینا نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند و آن را در تبیین فلسفی خود وارد کردند.

(۲) سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به

دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و درنهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

(۳) فارابی و ابن سینا بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کردند و کوشیدند، نظام فلسفی خود را بر پایه شهودها بنا نمایند.

گزینه ۲

(۴) سهروردی نیم نگاهی به شناخت شهودی داشت اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نکرد.

۲۱- سهروردی ابزار شناخت را بیشتر از چه طریقی می دانست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۱

(۱) معرفت شهودی (۲) معرفت عقلی (۳) معرفت حسی (۴) معرفت وحی

۲۲- کدام متفکر در قرن یازدهم هجری ، فلسفه اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت

عقلی بهره ببرد؟

گزینه ۲

(۱) قطب الدین شیرازی (۲) ملاصدرای شیرازی (۳) خواجه نصیرالدین طوسی (۴) علامه طباطبایی

۲۳- ملاصدرا معتقد است عقل و وحی چه رابطه ای با هم دارند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۱

(۱) تأیید کننده یکدیگر (۲) هر کدام نظر و دیدگاه خود را دارند. (۳) تضاد (۴) تناقض

۲۴- ملاصدرا برای کشف حقایق الهیات از و استفاده نمود . (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۳

(۱) برهان - شهود - حس (۲) حس - عقل - شهود (۳) برهان - شهود - دین (۴) برهان - حس - دین

۲۵- ملاصدرا برای چه فلسفه ای افسوس می خورد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) فلسفه ای که با تجربه در تضاد نباشد . (۲) فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

گزینه ۲

(۳) فلسفه ای که دین را برتر از عقل نداند (۴) فلسفه ای که دین و عقل با هم تعارض داشته باشند .

۲۶- ریشه نظرات ملاصدرا را در کدام فیلسوفان می توان پیدا کرد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۴

(۱) خواجه نصیر الدین طوسی، ابن سینا (۲) سهروردی، ابن سینا (۳) ابن سینا، فارابی (۴) همه موارد

۲۷- با توجه به نظر ملاصدرا کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد ؟

- (۱) نمی توان پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد زیرا فلسفه مطابق با کتاب و سنت خداوندی نیست.
(۲) تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد، بلکه عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند .
(۳) عقل و دین در همه احکام با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد.
(۴) می توان پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد .

گزینه ۱

۲۸- علامه طباطبایی درباره ملاصدرا معتقد است که وی پایه های بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان ... و ... و گذاشت. (کارگاه آموزش مجازی)

- (۱) عقل - شهود - کشف (۲) حس - شرع - وحی (۳) عقل - شهود - شرع (۴) عقل - وحی - شهود
۲۹- در دوره معاصر ، عموم فیلسوفان مسلمان نگرش کدام فیلسوف را درباره مبحث زیر پذیرفتند ؟

« صدرالمتألهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف و شرع گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی و مواد قطعی دینی استفاده نمود،» پس عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند.

- (۱) علامه طباطبایی (۲) محی الدین عربی (۳) حضرت امام خمینی (۴) شیخ طوسی
۳۰- نخستین کسانی که در دوره جدید فلسفه در اروپا در قرن شانزدهم ، مسائل معرفت شناسی را به طور منظم و جدی مورد

بحث قرار دادند و سبب شد مسئله معرفت شناسی در کانون مباحثات فلسفی قرار گرفت، چه کسانی بودند؟

- (۱) هیوم - کانت (۲) کانت - دکارت (۳) بیکن - دکارت (۴) کانت - بیکن
۳۱- پیشگام دوره جدید فلسفه در اروپا چه کسانی هستند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

- (۱) دکارت و کانت (۲) کانت و آگوست کنت (۳) بیکن و دکارت (۴) بیکن و کانت
۳۲- گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند چه گروهی بودند؟

- (کارگاه آموزش مجازی)
(۱) تجربه گرایان (۲) عقل گرایان (۳) پدیدارگرایان (۴) اثبات گرایان
گزینه ۱

۳۳- نخستین کسی که دوره جدید فلسفه در اروپا ، در بحث معرفت شناسی بر اهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت تجربه معتقد شد چه کسی بود ؟

- (۱) کانت (۲) دکارت (۳) بیکن (۴) هیوم
۳۴- فرانسیس بیکن از فلاسفه کدام مکتب فکری محسوب می شود؟

- (۱) پوزیتیویسم (۲) عقل گرایان (۳) اثبات گرایان (۴) تجربه گرایان
۳۵- مهمترین ویژگی فرانسیس بیکن چیست ؟

- (۱) تأکید بر عقل (۲) تأکید بر تجربه (۳) تأکید بر اشراق الهی (۴) تأکید بر شهود
۳۶- کدام گزینه با توجه به اندیشه های بیکن درست است ؟

(۱) بدلیل دنباله روی فیلسوفان گذشته از ارسطو، و تکیه بر استدلال عقلی ، علوم تجربی در خرافات محصور شده و پیشرفت نکرده است.
(۲) انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا
(۳) انسان در فهم امور عقلانی نیازی به حس و تجربه ندارد.

- (۴) معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.
گزینه ۱

۳۷- بیکن دلیل محصور ماندن و پیشرفت نکردن علوم تجربی را چه می داند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) پیروی کردن فیلسوفان قدیم از ارسطو و تجربه (۲) پیروی کردن فیلسوفان قدیم از ارسطو و استدلال عقلی

(۳) اهمیت دادن فیلسوفان قدیم به حس و عقل با هم (۴) اهمیت دادن فیلسوفان قدیم به حس و تجربه
گزینه ۲

۳۸- کدام گزینه با توجه به اندیشه های دکارت درست است ؟

(۱) دلیل دنباله روی فیلسوفان گذشته از ارسطو، و تکیه بر استدلال عقلی، علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده است.

(۲) انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا

(۳) انسان در فهم امور عقلانی نیز نیازمند حس و تجربه است.

(۴) معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.
گزینه ۲

۳۹- اعتقاد به این که انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آن را با عقل درک می کند مربوط به کدام فیلسوف است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) کانت (۲) بیکن (۳) ارسطو (۴) دکارت
گزینه ۴

۴۰- دکارت در فهم کدام امور معتقد است نیازی به حس و تجربه نیست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) اعتقاد به عوالم هستی (۲) اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا (۳) اثبات وجود جسمانی (۴) اعتقاد به احکام دینی
گزینه ۲

۴۱- دغدغه کانت آشتی دادن میان کدام دیدگاه ها بوده است؟ (کارگاه آموزش مجازی)
گزینه ۴

(۱) پراگماتیسم ها و تجربه گرایان (۲) شک گرایان و عقل گرایان (۳) اثبات گرایان و عقل گرایان (۴) عقل گرایان و تجربه گرایان

۴۲- این عقیده که انسان آن چه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب مفاهیم زمان و... قرار می دهد و درک می کند از کیست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) دکارت (۲) آگوست کنت (۳) کانت (۴) بیکن
گزینه ۳

۴۳- بر اساس اندیشه های کانت کدام گزینه درست نیست ؟

(۱) معرفت، حاصل همکاری عقل، حس و امور وجدانی و شهودی است.

(۲) قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد.

(۳) انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب مفاهیم ادراکی قرار می دهد و درک می کند.

(۴) انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی یابد و این دریافت، ناشی از همکاری دستگاه ادراکی با حس است که یکی بعدیت زمانی را می فهمد و دیگری تصویرها را از خارج به دستگاه ادراکی می رساند.
گزینه ۱

۴۴- تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب منجر شد

(۱) پوزیتیویسم (۲) پراگماتیسم (۳) نسبی گرایی (۴) اصالت عمل
گزینه ۳

۴۵- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای نخستین بار استفاده کرد... فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم بود.

(۱) کانت (۲) آگوست کنت (۳) ویلیام جیمز (۴) برگسون
گزینه ۲

۴۶- آگوست کنت در کدام گروه فیلسوفان قرار می گیرد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) پراگماتیست ها (۲) عقل گرایان (۳) نسبی گرایی (۴) پوزیتیویست ها

۴۷- از دیدگاه چه کسانی اموری که از طریق تجربه قابل بررسی نباشند؛ اموری بی معنا هستند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) عقل گرایان (۲) سوفسطائیان (۳) تجربه گرایان (۴) اثبات گرایان
گزینه ۴

۴۸- بر اساس فلسفه اثبات گرایی یا پوزیتیویسم شناختی معتبر و اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که

(۱) قابل ارزیابی شهودی نبوده اما با کمک عقل عملی و اخلاق وجدانی اثبات شده است .

(۲) قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند و با استفاده از روش تجربی اثبات شوند .

(۳) با بررسی های محققانه فیلسوفان به اثبات رسیده باشد.

گزینه ۲

(۴) قابل ارزیابی عقلی و استدلالی اند درغیراین صورت ارزش معرفتی ندارند.

۴۹- کدام مطلب نادرست است ؟

(۱) پوزیتیویسم مورد نقد بسیاری از فلاسفه اروپایی قرار گرفت .

(۲) امروزه دیدگاه های دیگری در برابر پوزیتیویسم مطرح گردیده است.

(۳) در اکثر دیدگاه هایی که امروزه در برابر پوزیتیویسم مطرح شده، همچنان اصل و اساس تجربه گرایی و عدم توانایی عقل در

کسب معرفت مستقل از تجربه غلبه دارد و نظر غالب فلاسفه اروپایی را تشکیل می دهد.

گزینه ۴

(۴) امروزه نظر غالب فلاسفه اروپایی به حاشیه رفتن تجربه و توجه مجدد به استدلال عقلی است .

۵۰- آگوست کنت به چه چیز معتقد نبود؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) امور ماوراء حسی ارزش معرفتی ندارند.

(۲) عقل ابزار کسب معارف غیر حسی است.

(۳) تنها اموری که حس می شوند ارزش پژوهش و تحقیق را دارند

گزینه ۲

(۴) اموری که از طریق تجربه به دست می آیند، معرفت محسوب می شوند .

۵۱- کدام مورد سبب رشد دانش هایی مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی

استوار بودند؟

(۱) رشد اندیشه مطلق گرایی- به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - توجه خاص به مسئله تجربه

(۲) رشد اندیشه نسبی گرایی- توجه خاص به استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - به حاشیه رفتن تجربه

(۳) رشد اندیشه نسبی گرایی - به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - توجه خاص به مسئله تجربه

گزینه ۳

(۴) رشد اندیشه مطلق گرایی- توجه خاص به استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - به حاشیه رفتن تجربه

۵۲- کدام یک از مکاتب زیر از لحاظ فکری به سوفسطائیان نزدیک ترند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) نسبی گرایان (۲) عقل گرایان (۳) پراگماتیسم (۴) تجربه گرایان

گزینه ۱

۵۳- باور نسبی گرایی بر چه مبنایی استوار است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) نسبی بودن اعتبار شناخت (۲) معتبر بودن شناخت هر فرد برای همه اشخاص

گزینه ۴

(۳) نسبی بودن شناخت فرد و اعتبار شناختش (۴) نسبی بودن شناخت هر فرد متناسب با ویژگی های خود

۵۴- محتوای کدام عبارت با دیدگاه نسبی گرایان سازگار نیست ؟

(۱) هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است.

(۲) به طور مطلق نمی توان گفت « فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند » بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید « من در این وضعیت،

فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود »

(۳) هر چند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است اما این

شناخت برای همگان معتبر است.

گزینه ۳

(۴) شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.

۵۵- اشکالاتی که به دلیل توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی وارد شد، در همه گزینه آمده است به جز

(۱) تجربه توانایی تبیین هر مسئله ای را ندارد زیرا توانایی آن محدود به حس و تجربه است.

(۲) مسائلی مانند خطاهای تجربه، تغییرات علوم تجربی و تفاوت های موجود در تجربه انسان های مختلف، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد

(۳) واقع نمایی دانش تجربی، باز با اشکال رو به رو شد و جریان های دیگر فلسفی برای تبیین جایگاه دانش تجربی پیدا شدند.

(۴) شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار خواهد داشت .
گزینه ۴

۵۶- توجه به حس و تجربه چه اشکالات نظری را پیش آورد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) توانایی توضیح همه مسائل-تغییرات علوم تجربی (۲) قطعیت احکام تجربی-بیان خوبی و بدی اخلاقی

(۳) عدم توانایی تبیین همه مسائل- خطاهای تجربه (۴) عدم پاسخگویی تجربه به مسئله وجود عوامل دیگر، پایدار بودن آزمایش های تجربی

۵۷- پراگماتیسم به چه معناست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) تجربه گرایی (۲) عقل گرایی (۳) اثبات گرایی (۴) عمل گرایی

۵۸- منظور از پراگماتیسم و پوزیتیویسم به ترتیب چیست؟

(۱) اصالت عمل - اثبات گرایی (۲) اصالت ذهن - اثبات گرایی

(۳) اثبات گرایی - اصالت عمل (۴) تجربه گرایی - اصالت ذهن
گزینه ۱

۵۹- اصل مکاتب پراگماتیسم و پوزیتیویسم به ترتیب بر اساس چیست؟

(۱) عمل - عقل (۲) حس - شهود (۳) عمل - تجربه (۴) تجربه - عمل

۶۰- کدام مطلب ، تمایز و یا تشابه مکتب پوزیتیویسم و پراگماتیسم درمورد شناخت تجربی را بهتر بیان می کند ؟

(۱) پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت اما پوزیتیویسم ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت .

(۲) پوزیتیویسم ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت اما پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت .

(۳) پراگماتیست ها و پوزیتیویسم ها هر دو معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت .

(۴) پوزیتیویسم ها و پراگماتیست ها هر دو معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت .
گزینه ۱

۶۱- در معرفت شناسی پراگماتیسم نه تنها هدف کشف واقعیت بلکه ما نیازمند ... مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند ... خود را نشان دهند و این فایده به معنیبودن است .

(۱) است - باورهای - سودمندی - درست (۲) نیست - تجربیات - آثار - درست

(۳) نیست - باورهای - سودمندی - درست (۴) است - تجربیات - آثار - درست
گزینه ۳

۶۲- معیار مکتب پراگماتیسم برای درستی یک گزاره چیست؟

(۱) مطابقت با واقع (۲) مفید بودن در زندگی (۳) سازگاری درونی با محیط (۴) سازگاری بیرونی با محیط
گزینه ۲

۶۳- کدام عبارت درست نیست ؟

۱) پراگماتیسم وقتی به حوزه هایی مانند اخلاق، حقوق، دین و حتی هنر وارد می شود، نتایج و تبعاتی دارد که امروزه در جوامع مختلف می توانیم آن تبعات مشاهده کنیم .

۲) در ادامه تحولات حوزه معرفت شناسی، از اواسط قرن بیستم، جریان های متعددی در اروپا و آمریکا پدید آمد که در واقع مکمل رخدادهای و تحولات قبلی به شمار می آید .

۳) به طور کلی جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد .

۴) با وجود قالب های جدید امروزی، راه های دیگر معرفت مانند شهود عرفانی و وحی دیگر طرفدارانی ندارند .
گزینه ۴

۶۴- کدام فیلسوفان معاصر، در حالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند؟

۱) ویلیام جیمز - آگوست کنت (۲) ویلیام جیمز - برگسون (۳) برگسون - آگوست کنت (۴) بیکن - دکارت
گزینه ۲

۶۵- ویلیام جیمز و برگسون علاوه بر اینکه ... را قبول دارند به ... و ... اهمیت می دهند. (کارگاه آموزش مجازی)

۱) تجربه گرایی - شهود - تجربه دینی - بعد معنوی انسان (۲) عقل گرایی - بعد معنوی انسان - تجربه حسی - شهود

۳) تجربه گرایی - عقل - شهود - وحی (۴) عقل گرایی - تجربه حسی - شهود - وحی

۶۶- در حال حاضر رویکرد غالب در اروپا در دوران معاصر کدام است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

۱) پراگماتیسم (۲) تجربه گرایی (۳) پوزیتیویسم (۴) عقل گرایی
گزینه ۲

کدام یک جزء نظرات پوزیتیویسم شمرده نمی شود ؟

۱) اموری که از طریق تجربه قابل ارزیابی نیستند، اصولاً اموری بی معنا هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است.

۲) اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی اند و اگر از طریق تجربه اثبات شوند، معرفت به شمار می روند.

۳) اموری که از طریق تجربه اثبات می شوند، معرفت به حساب می آیند، در غیر این صورت ارزش معرفتی ندارند و باید کنار گذاشته شوند .

۴) تنها اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی عقلی و استدلالی اند در غیر این صورت ارزش معرفتی ندارند.
گزینه ۴

فصل سوم : انسان

درس ۹ : چیستی انسان (۱) شامل مبحث :

▪ حقیقت انسان چیست؟

درس ۱۰ : چیستی انسان (۲) شامل مباحث :

▪ دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره حقیقت انسان

▪ از جانب بالا

▪ حقیقت نورانی نفس

▪ تا بی نهایت

درس ۱۱ : انسان موجود اخلاق گرا شامل مباحث :

فعل طبیعی و فعل اخلاقی

▪ برخی دیدگاه ها در معیار فعل اخلاقی

فصل سوم – درس نهم : چیستی انسان (۱)

وقتی که می گوید « من می خواهم » ، « من می نویسم » ، « من قبول دارم » ، « من دوست دارم » منظور آن از « من » چیست؟

- آیا مقصودتان جسم و بدن شماست؟ اندیشه و ذهنتان است؟ احساسات و عواطف و خاطرات شماست؟ یا همه اینها متعلق به آن حقیقتی است که آن را « من » می نامید؟
- یکی از مسائل مورد توجه فیلسوفان از ابتدای شکل گیری فلسفه تاکنون مسئله « حقیقت انسان » بوده است. فیلسوفان در این مورد نظرات مختلف و گاه متضادی بیان کرده اند.

□ دوره یونان باستان

❖ دیدگاه افلاطون :

- نظر دقیق و روشن درباره انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب افلاطون ابراز شد .
- از آنجا که مجموعه آثار افلاطون منعکس کننده اندیشه های سقراط نیز هست، می توان گفت که دیدگاه افلاطون، به میزان زیادی، منعکس کننده دیدگاه استاد وی، سقراط هست.
- افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت های بدن را ندارد.
- به عقیده افلاطون، حقیقت برتر انسان نفس است که قابل رؤیت نیست.
- از نظر افلاطون، نفس با ارزش ترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.
- به عقیده افلاطون، « تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است »
- به عقیده افلاطون، نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند و غیر فانی و جاوید است »

❖ دیدگاه ارسطو

- ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن.
 - به عقیده ارسطو، بدن بدون نفس، یک موجود مرده است.
 - از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر. نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به « فعلیت » می رسد و کامل و کامل تر می شود.
- مقصود از « ناطق » بودن انسان هم صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است.
- انسان با قوه تفکر خود استدلال می کند؛ یعنی از تصدیقات و تصورات خود کمک می گیرد و استدلال را سامان می دهد. گویا در هنگام استدلال، با خود نطق می کند. پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق محتوای استدلال را به دیگران منتقل می نماید.

□ دوره جدید اروپا :

در دوره جدید اروپا، همان طور که فیلسوفان اروپایی از جهت معرفت شناسی به دو گروه « تجربه گرایی » و « عقل گرایی » تقسیم شدند، از جهت انسان شناسی نیز به تدریج، دو تلقی از انسان پیدا کردند و دو جریان را پدید آوردند که تاکنون نیز این دو جریان همچنان در مباحثات فلسفی اروپا حضور دارند؛ البته یکی از این دو، حضور فعال تر و تأثیرگذارتری بر فرهنگ و زندگی اروپاییان معاصر داشته است.

❖ جریان معتقد به وجود نفس :

- جریان عقل گرایی، همانند افلاطون و ارسطو، معتقد به وجود « روح » یا « نفس » است.
- فلاسفه جریان عقل گرایی برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را روح و نفس می دانند.

جریان منکر نفس :

جریان تجربه گرا، به این سو تمایل دارند که اصولاً وجود « نفس » را انکار می کنند.

فلاسفه جریان تجربه گرایی، انسان را یا یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند.

معتقدین به وجود نفس:

دیدگاه دکارت (فیلسوف فرانسوی):

- دکارت، که درباره بدن و درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار فعالیت می کند. به عقیده دکارت بدن، حقیقت « من » انسان را تشکیل نمی دهد.
- از نظر دکارت، « من » همان « روح » یا « نفس » است که مرکز اندیشه های ماست.
- از نظر دکارت، روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.
- از نظر دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می کند.
- به نظر دکارت، روح از قوانین فیزیکی آزاد است اما بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند و آزاد نیست.

دیدگاه کانت (فیلسوف آلمانی قرن ۱۸):

- کانت، با استدلال دیگری که با استدلال دکارت متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت و از این راه راه نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد.
- به عقیده کانت، انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد.
- به نظر کانت، اختیار ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.
- دکارت و کانت، اعتقاد دارند که انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است.

□ تک ساحتی بودن انسان

- ماتریالیست ها فیلسوفانی هستند که معتقدند همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ماده ساخته شده است.
- به عقیده ماتریالیست ، همه موجودات ، فقط یک بُعد و یک ساحت دارند که همان بُعد مادی و جسمانی است.
- ماتریالیست ها می گویند ذهن و روان چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست.
- از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.

دیدگاه توماس هابز (فیلسوف ماتریالیست قرن ۱۸ انگلستان) :

- هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند

دیدگاه مارکس (فیلسوف ماتریالیست قرن ۱۹) :

- مارکس، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهای ماند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند .

□ دیدگاه داروینیست ها :

- داروینیست ها، که عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند، فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند.
- داروینیست ها، می گویند « انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت » با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده می شوند، انسان نیز با آنها تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد.
- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.
- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد.
- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی ، به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند .
- به نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، زیست اجتماعی است که انسان ها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

سوالات تشریحی

- ۱- عقیده افلاطون درباره روح و بدن انسان را توضیح دهید.
افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتری به نام نفس است که محدودیت های بدن را ندارد و قابل رؤیت نیست. به عقیده افلاطون، «نفس تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد، چیزی نامرئی، غیر فانی و جاوید است»
- ۲- به عقیده افلاطون حقیقت برتر انسان چیست و چه ویژگی هایی دارد؟ (ذکر سه ویژگی کافی است)
نفس - غیر قابل رؤیت (نامرئی)، مجرد، جاوید (غیرفانی)، جزء عقلانی، دارای عقل و خرد
- ۳- عقیده ارسطو درباره روح و بدن انسان را توضیح دهید.
ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. به عقیده ارسطو، بدن بدون نفس، یک موجود مرده است.
به نظر ارسطو؛ نفس انسان به هنگام تولد چگونه است و چگونه کامل می شود؟
از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر. نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به « فعلیت » می رسد و کامل و کامل تر می شود.
- ۴- به عقیده ارسطو، تفکر و نطق مربوط به کدام بعد وجودی انسان است؟
مربوط به بُعد غیرمادی وجود انسان، یعنی «روح» است. به نظر ارسطو، روح است که می اندیشد، اراده می کند و از بدن در کارهای مختلف بهره می گیرد.
- ۵- در مورد انسان شناسی در دوره جدید اروپا، شاهد دو نوع جریان فلسفی بوده ایم؟ عقیده آن دو جریان را بنویسید.
جریانی که همانند افلاطون و ارسطو، معتقد به وجود «روح» یا «نفس» است. فلاسفه این جریان، برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را همان روح و نفس وی می دانند.
و جریانی که تمایل دارند اصولاً وجود «نفس» را انکار می کنند. فلاسفه این جریان، انسان را یا یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند.
- ۶- عقیده جریانی که در دوره جدید اروپا اصولاً وجود نفس را انکار می کردند، بنویسید.
فلاسفه این جریان، انسان را یا یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند.
- ۷- نظریه دکارت در مورد نفس و بدن را بنویسید.
دکارت، که درباره بدن و درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار فعالیت می کند. به نظر وی «من» همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه های ماست. استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.
منظور از «من» در فلسفه دکارت، چیست؟ توضیح دهید.
- ۸- به عقیده دکارت بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی دهد. از نظر دکارت، «من» همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه های ماست. از نظر دکارت، روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.

۹- دوگانگی ذهن و بدن در فلسفه دکارت را شرح دهید.

از نظر دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا بوده و خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگرند و روح از بدن استفاده می کند. به نظری، روح از قوانین فیزیکی آزاد است اما بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند و آزاد نیست.

۱۰- کانت چگونه توانست به اثبات حقانیت نفس انسان پردازد؟

کانت، با استدلال دیگری که با استدلال دکارت متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت و از این راه نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد. به عقیده وی، انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. پس، اختیار ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.

۱۱- دیدگاه ماتریالیست ها در مورد انسان را بنویسید.

ماتریالیست ها فیلسوفانی هستند که معتقدند همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ماده ساخته شده است. به عقیده آنها، همه موجودات، از جمله انسان، فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعد مادی و جسمانی است. و ذهن و روان هم چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست. طبق این دیدگاه، انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.

۱۲- دیدگاه هابز و مارکس درباره انسان را با هم مقایسه کنید.

هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند مارکس، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.

۱۳- دیدگاه هابز درباره ذهن بشر را بنویسید.

هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند

۱۴- مارکس، انسان را چگونه موجودی می دانست؟

مارکس، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.

۱۵- دیدگاه داروینیست ها در مورد انسان را بنویسید.

داروینیست ها، عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند، و از نظریه داروین درباره پیدایش حیات، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند. داروینیست ها، می گویند «انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت» با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده می شوند، انسان نیز با آنها تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد.

۱۶- به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها، دلیل توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی ناشی از چیست؟

به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده و زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

۱۷- از نظر داروینیست ها و ماتریالیست ها، چرا نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد و دلیل گرایش انسان به فضائل اخلاقی چیست؟
از نظر آنان چون تفاوت واقعی ای میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد. و اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه کرده، به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

۱۸- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|--|-----------------|
| الف) نظر دقیق و روشن درباره انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب وی ابراز شد . | ۱- ارسطو |
| ب) به عقیده وی قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. | ۲- نفس |
| ج) مرکز اندیشه ها به عقیده دکارت | ۳- زیست اجتماعی |
| د) به نظر دکارت ماشینی پیچیده است که بطور خودکار فعالیت می کند. | ۴- روح |
| و) به نظر دکارت، از قوانین فیزیکی آزاد است . | ۵- بدن |
| ه) به نظر کانت ، اختیار ویژگی آن است، . | ۶- افلاطون |
| ی) منشاء و دلیل فضیلت گرایی به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها | ۷- من |

الف: ۶ ب: ۱ ج: ۷ د: ۵ و: ۴ ه: ۲ ی: ۳

(توضیح: در صورتی که به جای روح؛ نفس یا به جای من، نفس و روح قرار داده شود قابل قبول است)

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- کدام فیلسوف دوره یونان باستان برای اولین بار نظر دقیق و روشن درباره انسان ارائه نمود؟ افلاطون
- ۲- مجموعه آثار افلاطون منعکس کننده اندیشه های کدام فیلسوف یونانی است؟ سقراط
- ۳- این سخن از کیست؟ تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و نفس چیزی نامرئی است افلاطون
- ۴- این سخن از کیست؟ نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند و غیر فانی و جاوید است « افلاطون
- ۵- مقصود اصلی ارسطو از « ناطق » بودن انسان چیست؟ مقصود قوه تفکر و تعقل است.
- ۶- نام دو تن از فیلسوفان دوره جدید اروپا که اعتقاد دارند انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است را بنویسید. دکارت و کانت
- ۷- دو فیلسوف ماتریالیست دوره جدید اروپا را نام ببرید. هابز و مارکس
- ۸- عقاید داروینیست ها در مورد انسان نزدیک به کدام جریان فکری فلسفی بود؟ ماتریالیست ها
- ۹- به عقیده داروینیست ها، تفاوت حقیقی میان انسان و حیوانات در چیست؟ انسان با حیوانات تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد.
- ۱۰- عبارت « انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت» دیدگاه کدام جریان فکری فلسفی دوره جدید اروپا به شمار می رود؟ داروینیست ها
- ۱۱- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چرا نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد؟ چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد.

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- نظر دقیق و روشن درباره انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب ارسطو ابراز شد . نادرست
- ۲- دیدگاه افلاطون در مجموعه آثار وی، به میزان زیادی، منعکس کننده اندیشه های سقراط است. درست
- ۳- مطابق دیدگاه هابز، انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت های بدن را ندارد. نادرست
- ۴- به عقیده افلاطون، حقیقت برتر انسان نفس است که قابل رؤیت نیست. درست
- ۵- از نظر ارسطو، نفس با ارزش ترین دارایی انسان است . نادرست
- ۶- به نظر افلاطون، توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین سان نفس زیبا و به فضایل آراسته شود. درست
- ۷- به عقیده هابز، تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است . نادرست
- ۸- به عقیده مارکس، نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند و غیر فانی و جاوید است « نادرست
- ۹- به عقیده ارسطو قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. درست
- ۱۰- ارسطو با نظریه استادش در مورد نفس به مخالفت پرداخت . نادرست
- ۱۱- به عقیده ارسطو، بدن بدون نفس، یک موجود مرده است. درست
- ۱۲- از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد. درست
- ۱۳- به عقیده ارسطو، نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به « فعلیت » می رسد و کامل و کامل تر می شود. درست
- ۱۴- مقصود ارسطو از « ناطق » بودن انسان صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است. درست
- ۱۵- به نظر ارسطو، انسان پس از تنظیم استدلال با سخن گفتن و نطق محتوای استدلال را به دیگران منتقل می نماید. درست
- ۱۶- در دوره جدید اروپا، بر اثر غلبه تجربه گرایی بر عقل گرایی در بحث انسان شناسی یک تلقی از انسان پدید آمد. نادرست
- ۱۷- در مباحثات انسان شناسی دوره جدید اروپا، هر دو جریان تجربه گرایی و عقل گرایی بر فرهنگ و زندگی اروپاییان معاصر تأثیر گذارتری یکسان داشته است. نادرست
- ۱۸- جریان تجربه گرایی، همانند افلاطون و ارسطو، معتقد به وجود « روح » یا « نفس » است. نادرست
- ۱۹- فلاسفه جریان تجربه گرا، برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را روح و نفس می دانند. نادرست
- ۲۰- جریان تجربه گرا، به این سو تمایل دارند که اصولاً وجود « نفس » را انکار می کنند. درست
- ۲۱- فلاسفه جریان تجربه گرا، انسان را یا یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شمارمی آورند. درست
- ۲۲- کانت بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار فعالیت می کند. نادرست
- ۲۳- به عقیده کانت، بدن، حقیقت « من » انسان را تشکیل نمی دهد. نادرست
- ۲۴- از نظر کانت، « من » همان « روح » یا « نفس » است که مرکز اندیشه های ماست. نادرست
- ۲۵- از نظر دکارت، روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند. درست
- ۲۶- از نظر دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می کند. درست

- ۲۷- به نظر دکارت، هم روح و هم بدن از قوانین فیزیکی آزاد است و هیچکدام از قوانین فیزیکی تبعیت نمی کنند . نادرست
- ۲۸- کانت، با استدلالی مشابه استدلال دکارت به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت . نادرست
- ۲۹- دکارت برخلاف کانت از طریق نفس مختار و اراده آزاد انسان به اثبات حقیقت نفسانی پرداخت. نادرست
- ۳۰- به عقیده هابز، انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است . نادرست
- ۳۱- به عقیده هیوم، وجدان اخلاقی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. نادرست
- ۳۲- به نظر هابز ، اختیار ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است . نادرست
- ۳۳- دکارت و کانت، در این مورد که انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است هم عقیده نیستند. نادرست
- ۳۴- ماتریالیست ها معتقدند که همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ماده ساخته شده است. درست
- ۳۵- به عقیده ماتریالیست ، همه موجودات فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعد مادی و جسمانی است. درست
- ۳۶- ماتریالیست می گویند ذهن و روان چیزی فراتر از مغز و سلسله اعصاب انسان است. نادرست
- ۳۷- از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن. درست
- ۳۸- هابز و مارکس در زمره فلاسفه عقل گرا دوره جدید اروپا به شمار می آیند. نادرست
- ۳۹- هابز و مارکس در زمره فلاسفه ماتریالیست دوره جدید اروپا به شمار می آیند . درست
- ۴۰- هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند . درست
- ۴۱- مارکس، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند . درست
- ۴۲- به عقیده مارکس نیازهای انسان مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند. درست
- ۴۳- داروینیست ها، عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند. درست
- ۴۴- فیلسوفانی که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند، ماتریالیست نامیده می شوند. نادرست
- ۴۵- به عقیده ماتریالیست انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت . نادرست
- ۴۶- به عقیده داروینیست ها انسان از تفاوت حقیقی با حیوانات جز پیچیدگی ندارد. درست
- ۴۷- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، لذا نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد. درست
- ۴۸- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها ، توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی به این دلیل است که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد. نادرست
- ۴۹- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند .
- ۵۰- به نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، زیست اجتماعی است که انسان ها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است. درست

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- نظر دقیق و روشن دربارهٔ انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب ابراز شد . افلاطون
- ۲- افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان علاوه بر بدن، دارای ... برتر است که های بدن را ندارد.حقیقتی - محدودیت
- ۳- به عقیده افلاطون،حقیقت برتر انسان ، است که قابل نیست. نفس - رؤیت
- ۴- به عقیده افلاطون،تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، ... است و این نفس چیزی ... است. نفس - نامرئی
- ۵- به عقیده افلاطون، جزء عقلانی انسان ... اوست که است . نفس - جاوید (غیرفانی)
- ۶- از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت ... دارد و هیچ چیز ندارد. بالقوه - بالفعلی
- ۷- دکارت، ، بدن را پیچیده می داند که به طور فعالیت می کند. ماشینی - خودکار
- ۸- به عقیده دکارت بدن، حقیقت « من » انسان را تشکیل نمی دهد.
- ۹- از نظر دکارت، « من » همان یا است که مرکز اندیشه های ماست. روح - نفس
- ۱۰- به نظر دکارت، ... از قوانین فیزیکی آزاد است اما مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند . روح- بدن
- ۱۱- به عقیده ، انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از اخلاقی است . کانت - وجدان
- ۱۲- و، اعتقاد دارند که انسان علاوه بر بدن،یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است. دکارت - کانت
- ۱۳- ماتریالیست ها فیلسوفانی هستند که معتقدند همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ساخته شده است. ماده
- ۱۴- به عقیده ماتریالیست،همه موجودات،از جمله انسان فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعدو است.مادی - جسمانی
- ۱۵- ماتریالیست می گویند و چیزی جز مغز و سلسلهٔ اعصاب انسان نیست. ذهن - روان
- ۱۶- از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن. مادی
- ۱۷-،ذهن بشر را یک ماشین پیچیدهٔ تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی،مثل موتور اتومبیل، کار می کند هابز- مادی
- ۱۸- ، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند . مارکس
- ۱۹- داروینیست ها،عقایدی نزدیک به ... دارند و از نظریهٔ داروین دربارهٔ پیدایش حیات، نتایج گرفتند. ماتریالیست ها - فلسفی
- ۲۰- از نظر و ، تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد. ماتریالیست ها- داروینیست ها
- ۲۱- از نظر و داروینیست ها توجه انسان به اخلاق به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و او وجود دارد. ماتریالیست ها - فطرت
- ۲۲- از نظر ماتریالیست ها و توجه انسان به اخلاق به این دلیل است که انسان ها، وارد.... اجتماعی شده اند. داروینیست ها - زندگی (زیست)
- ۲۳- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها اجتماعی است که انسان ها را وادار به ابداع اصولو رعایت آنها کرده است . زیست - اخلاقی

سوالات تستی

- ۱- نظر دقیق و روشن دربارهٔ انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب ... ابراز شد و ذهن بشر را یک ماشین پیچیدهٔ مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند.
- ۱) افلاطون - مارکس ۲) ارسطو - هابز ۳) ارسطو - مارکس ۴) افلاطون - هابز گزینه ۴
- ۲- نظراسطو در مورد نفس نظر افلاطون است و کانت، با استدلال دیگری که با استدلال دکارت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان واراده و اختیار آن پرداخت .
- ۱) موافق - مشابه ۲) مخالف - متفاوت ۳) مخالف - متفاوت ۴) موافق - متفاوت گزینه ۴
- ۳- کدام گزینه در مورد نفس نزد جریان تجربه گرا درست نیست ؟
- ۱) اصولاً وجود « نفس » را انکار می کنند. ۲) نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند .
- ۳) اصولاً نفس را مرکز اندیشه های بشر می دانند. ۴) نفس را از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند. گزینه ۳
- ۴- مفهوم « من » نزد دکارت بیانگر است که مرکز ما است .
- ۱) ذهن - اندیشه های ۲) نفس - اراده های ۳) ذهن - اراده های ۴) نفس - اندیشه های گزینه ۱
- ۵- کدام مطلب بر دوگانگی ذهن و بدن نزد دکارت دقیق تر اشاره می کند ؟
- ۱) ذهن تنها مجموعه ای از سلول های مغزی است که افکار را جمع و جور می کنند و به یکدیگر مرتبط می سازند.
- ۲) ذهن و بدن دو چیز متفاوت اند و کاملاً از یکدیگر مجزاً هستند .
- ۳) هم ذهن و هم بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی پیروی می کند و آزاد نیستند.
- ۴) ذهن و بدن دو چیز متفاوت اند اما کاملاً از یکدیگر مجزاً نیستند . گزینه ۲
- ۶- کدام گزینه در مورد فلسفه ماتریالیسم درست نیست ؟
- ۱) من همان ذهن است که مجموعه ای از سلول های مغزی است که فعالیت اثبات، قضاوت و جمع کردن افکار را به عهده دارد.
- ۲) انسان نهایتاً مانند یک ماشین بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن
- ۳) میان انسان و رایانه تفاوت حقیقی ای وجود ندارد؛ تفاوت این دو فقط در میزان پیچیدگی شان است.
- ۴) براساس اعتقاد به ماده انسان را نوعی ماشین می داند. گزینه ۱
- ۷- عبارت « انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت » نظر کدام مکتب فلسفی است ؟
- ۱) مکتب اگزیستانسیالیست ۲) مکتب ماتریالیسم ۳) مکتب داروینیست ۴) مکتب دکارتی گزینه ۳
- ۸- از دیدگاه داروینیست چه چیزی انسان را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است ؟
- ۱) فضیلت گرایی فطری ۲) ویژگی های متمایز روحی ۳) تمایلات فطری ۴) زیست اجتماعی گزینه ۴
- ۹- محتوای کدام عبارت با نظریه داروینیست در مورد انسان سازگار است ؟
- ۱) چون تفاوت واقعی ای میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.
- ۲) اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه کرده، به این دلیل است که فضیلت گرایی در نهاد و فطرت او وجود دارد.
- ۳) هرچند فضیلت گرایی در نهاد انسان نیست اما وی ناچار، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده نشده است.
- ۴) این نظریه که زیست اجتماعی انسان را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است، درست نیست. گزینه ۱

فصل سوم – درس دهم : چستی انسان (۲)

□ دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره حقیقت انسان

- فیلسوفان مسلمان که بیشتر آنان در سرزمین ما زندگی می کردند، با استفاده از آنچه از افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو به دستشان رسیده بود و نیز با الهام از آموزه های دینی خود، در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم های بلندی برداشتند و آثاری از خود باقی گذاشتند که شایسته قدردانی است.
- فیلسوفان مسلمان بخصوص فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر، سهروردی، میرداماد، ملاصدرا، سبزواری و بسیاری از فیلسوفان مسلمان دوره معاصر تأکید می کنند که نمی توان انسان را به یک موجود صرفاً زمینی و مادی تقلیل داد و در همان حال برای وی ویژگی هایی متعالی و ارزشمند مانند آزادگی، کرامت انسانی، نوع دوستی و فضایی از این قبیل قائل شد.
- فیلسوفان مسلمان با تفکر و تعمق فکری، دینی را قبول کرده بودند که در کتاب آسمانی به روشنی و وضوح از حقیقتی به نام «روح» سخن گفته و آن را هدیه ای الهی و غیرزمینی شمرده است.
- کتاب آسمانی، انسان را موجودی جاویدان، جانشین خدا در زمین و مسجود فرشتگان محسوب کرده که آسمان ها و زمین را خداوند برای او آفریده و آماده ساخته است.
- فیلسوفان مسلمان یا خود عارف بودند یا عارفانی را می شناختند که با قدم سلوک و پاکی نفس به مرحله ای رسیده بودند که مراتب برتر و مجرد هستی را شهود می کردند و می دانستند که چنین شهودی در توان بدن مادی انسان نیست. به همین جهت با این بیان مولوی هم نظر و هم دل بودند که:
مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم
ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بردوست به هوای سرگوش پر و بالی بزنم
- در این حال و هوای فکری و فرهنگی است که فیلسوفان مسلمان تلاشی می کنند که حقیقت متعالی انسان را بشناسند و جایگاه برتر او در هستی را نشان دهند.

□ از جانب بالا

- ابن سینا نظر ارسطو درباره حقیقت انسان را پسندید و کوشید این دیدگاه را عمیق تر بیان کند و ابعاد دیگر آن را روشن نماید.
- ابن سینا معتقد است که وقتی بدن دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می کند. این روح، که جنبه غیرمادی دارد و از جنس موجودات مجرد است، استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد.
- این روح همچنین می تواند اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را دریابد و آنها را در خود پدید آورد.
- ابن سینا از این توصیف نیز فراتر رفت و همچون عارفان برای روح جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت قائل شد. ابن سینا برای توصیف بی قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه اصلی اش، شعری به زبان عربی سرود و وضعیت روح را با بیانی تمثیلی، در آن شرح داد.

□ حقیقت نورانی نفس

- شیخ شهاب الدین سهروردی یکی از فیلسوفان بزرگ جهان اسلام و یک عارف و سالک الی الله محسوب می شود.
- سهروردی با بهره مندی از الهامات و اشرافات معنوی خود، بسیاری از حقایق را از طریق شهود درونی به دست می آورد و تلاشی می کند آنها را به زبان فلسفه و استدلال بیان کند.
- سهروردی به جای مفهوم « وجود » بیشتر از مفهوم « نور » استفاده می کرد.
- به نظر سهروردی هستی مراتب نور است. خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد « نورالانوار » است.
- مراتب وجود، نور هستی خود را از نورالانوار دریافت می کنند، اما چون نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت اند.
- سهروردی عقیده داشت که نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او، همان جنبه ظلمانی اوست.
- به عقیده سهروردی، اگر نفس انسان نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند و می تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند.
- سهروردی عقیده داشت خدا یا همان نورالانوار، مشرق عالم است و از خداست که انوار بعدی طلوع می کنند. آنجا که نور وجود به پایین ترین حد خود می رسد، مغرب عالم قرار گرفته است.
- سهروردی، نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم می داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست.

□ تا بی نهایت

- حکمت متعالیه نام مکتب فلسفی ملاصدرا است.
- از دیدگاه حکمت متعالیه ، حقیقت انسان، حقیقتی دو بُعدی است: روح و بدن همان گونه که بسیاری دیگر از فیلسوفان گفته اند.
- براساس این مکتب، روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.
- از دیدگاه حکمت متعالیه ، روح و بدن دو چیز مجزاً نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه اینها وحدتی حقیقی دارند به گونه ای که یکی (روح) باطن دیگری (بدن) است.
- به نظر ملاصدرا ، هر اتفاقی در روح بیفتد، در بدن ظاهر می شود و هر اتفاقی در بدن رخ دهد، بر روح تأثیر می گذارد. به طور مثال، بدن بیمار، روح را هم کسل و بیمار می کند و بدن شاداب به روح هم شادابی می بخشد. همچنین روح با نشاط، جسم را به فعالیت و کار می کشاند و روح افسرده، جسم را زمین گیر می کند.
- از نظر حکمت متعالیه روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند. ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد.
- مراحل تکاملی طبیعت، وقتی از گیاه و حیوان می گذرد و به انسان می رسد، ظرفیتی بی نهایت پیدا می کند و به هیچ درجه ای از کمال قانع نمی شود. مانند این توصیف مولوی :

| | |
|---------------------------|------------------------------|
| از جمادی مُردم و نامی شدم | وز نما مُردم به حیوان بر زدم |
| مردم از حیوانی و آدم شدم | پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم |
| حمله دیگر بمیرم از بشر | تا برآرم از ملایک پر و سر |
| وز ملک هم بایدم جستن زجو | کل شیء هالک الّ وجهه |
| بار دیگر از ملک قربان شوم | آنچه اندر وهم ناید آن شوم |
- از منظر مکتب فلسفی متعالیه اگرچه انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، اما این استعداد، به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات نیست.
- انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند. یعنی باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند.
- انسان اختیار دارد که مسیرهای دیگری غیر از این مسیر تکامل را برگزیند.
- بنابراین در ابتدای زندگی معلوم نیست هر انسانی چه هویتی خواهد داشت، شجاع خواهد بود یا ترسو؟ بخشنده خواهد بود یا بخیل؟ عالم خواهد بود یا نادان؟
- همه صفات (شجاعت، ترسوئی، بخل ، بخشنده، علم و جهل) به صورت بالقوه در وجود انسان هست و بالفعل شدن هر کدام از آنها، به گزینش ها و شیوه زندگی انسان مربوط است.

سوالات تشریحی

- ۱- فیلسوفان مسلمان از چه طریقی توانستند در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم های بلندی بردارند؟
فیلسوفان مسلمان با استفاده از آنچه از افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو به دستشان رسیده بود و نیز با الهام از آموزه های دینی خود، در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم های بلندی برداشتند .
- ۲- دیدگاه فیلسوفان مسلمان از جمله فارابی و ابن سینا درباره انسان چه بود ؟
نمی توان انسان را به یک موجود صرفاً زمینی و مادی تقلیل داد و در همان حال برای وی ویژگی هایی متعالی و ارزشمند مانند آزادگی، کرامت انسانی، نوع دوستی و فضایی از این قبیل قائل شد.
به عقیده ابن سینا، خداوند چه زمانی روح انسانی را به وی عطا می کند ؟
- ۳- ابن سینا معتقد است که وقتی بدن دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می کند.
به عقیده ابن سینا، روح انسانی چه ویژگی هایی دارد؟ و چگونه استعداد کسب علم را به دست می آورد؟
این روح، که جنبه غیرمادی دارد و از جنس موجودات مجرد است، استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد. این روح همچنین می تواند اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را دریابد و آنها را در خود پدید آورد.
- ۵- سهروردی چگونه و از چه طریقی به حقایق دست یافت و کوشید آنها را به چه زبانی بیان نماید؟
سهروردی با بهره مندی از الهامات و اشارات معنوی خود، بسیاری از حقایق را از طریق شهود درونی به دست می آورد و تلاش می کند آنها را به زبان فلسفه و استدلال بیان کند.
- ۶- دیدگاه سهروردی در مورد نفس انسان را بیان کنید.
سهروردی عقیده داشت که نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او، همان جنبه ظلمانی اوست.
سهروردی، نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم می داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست.
- ۷- مطابق دیدگاه سهروردی نفس انسان چه زمانی می تواند حقایق هستی را بهتر رؤیت کند ؟
به عقیده سهروردی ، اگر نفس انسان نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند و می تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند.
- ۸- مقصود سهروردی از مشرق و مغرب عالم را توضیح دهید.
سهروردی عقیده داشت خدا یا همان نورالانوار، مشرق عالم است و از خداست که انوار بعدی طلوع می کنند. آنجا که نور وجود به پایین ترین حد خود می رسد، مغرب عالم قرار گرفته است.
- ۹- با توجه دیدگاه حکمت متعالیه ، حقیقت انسان، را توضیح دهید .
از دیدگاه حکمت متعالیه ، حقیقت انسان، حقیقتی دو بُعدی است: روح و بدن . براساس این مکتب، روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.

۱۰- با توجه دیدگاه حکمت متعالیه رابطه روح و بدن را بنویسید.

روح و بدن دو چیز مجزاً نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه اینها وحدتی حقیقی دارند به گونه ای که (روح) باطن (بدن) است. به نظر ملاصدرا، هر اتفاقی در روح بیفتد، در بدن ظاهر می شود و هر اتفاقی در بدن رخ دهد، بر روح تأثیر می گذارد.

۱۱- با توجه دیدگاه حکمت متعالیه، ظرفیت و استعداد انسان چگونه است؟ را توضیح دهید.

از نظر حکمت متعالیه روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند. ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد.

۱۲- از منظر مکتب فلسفی متعالیه، انسان چگونه می تواند ظرفیت و استعداد بی نهایت را به فعلیت برساند؟

انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند و با ایمان و عمل، مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید

۱۳- چرا در ابتدای زندگی، معلوم نیست هر انسانی چه هویتی خواهد داشت؟

زیرا همه صفات انسان از قبیل شجاعت، ترسویی، بخل، بخشندهگی، علم و جهل به صورت بالقوه در وجود انسان هست و بالفعل شدن هر کدام از آنها، به گزینش ها و شیوه زندگی انسان مربوط است.

۱۴- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|---|---------------|
| الف) سهروردی به جای مفهوم « وجود » بیشتر از این مفهوم استفاده می کرد. | ۱- روح |
| ب) به نظر سهروردی، نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد. | ۲- نور |
| ج) به عقیده ابن سینا، استعداد کسب علم از طریق تفکر را داراست. | ۳- نورالانوار |
| د) جنبه نورانی وجود انسان نزد سهروردی | ۴- مشرق عالم |
| ه) نورالانوار | ۵- نفس |

الف) ۲ ب) ۳ ج) ۱ د) ۵ ه) ۴

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- کدام فیلسوف مسلمان همچون عارفان برای روح جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت قائل شد؟ ابن سینا
- ۲- کدام فیلسوف مسلمان، برای توصیف بی قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه اصلی اش، شعری به زبان عربی سرود و وضعیت روح را با بیانی تمثیلی، در آن شرح داد؟ ابن سینا
- ۳- سهروردی به جای مفهوم « وجود » بیشتر از کدام مفهوم استفاده کرد؟ نور
- ۴- کدام فیلسوف یکی از فیلسوفان بزرگ جهان اسلام و یک عارف و سالک الی الله محسوب می شود؟ سهروردی
- ۵- تعبیری که سهروردی از خداوند در فلسفه اشراقی خویش داشت چه بود؟ نورالانوار
- ۶- به نظر سهروردی خداوند یا نورالانوار چه ویژگی هایی دارد؟ نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد.
- ۷- مراتب نور در فلسفه سهروردی کدام است؟ هستی
- ۸- در فلسفه سهروردی مراتب وجود، نور هستی خود را از کجا دریافت می کنند؟ از نورالانوار
- ۹- مکتب فلسفی ملاصدرا چه نام دارد؟ حکمت متعالیه

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- به عقیده فیلسوفان مسلمان نمی توان انسان را به یک موجود صرفا ... و ... تقلیل داد . زمینی - مادی
- ۲- به عقیده ابن سینا روح جنبه ... دارد و از جنس موجودات ... است. غیرمادی - مجرد
- ۳- به عقیده ابن سینا روح ، استعداد کسب علم از طریق ... را دارد. تفکر
- ۴- ... ، بی قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه اصلی اش را در شعری عربی و با بیانی ... توصیف کرد. ابن سینا- تمثیلی
- ۵- سهروردی با بهره مندی از الهامات معنوی، بسیاری از حقایق را از طریق ... درونی به دست آورد و کوشید آنها را به زبان ... بیان کند. شهود - فلسفه (استدلال)
- ۶- سهروردی به جای مفهوم « وجود » بیشتر از مفهوم ... استفاده می کرد و براساس این نظریه ، ... ، مراتب نور است. نور - هستی
- ۷- به نظر سهروردی ، خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد است . نورالانوار
- ۸- به نظر سهروردی ، مراتب ... ، نور هستی خود را از ... دریافت می کنند. وجود - نورالانوار
- ۹- به نظر سهروردی ، چون مراتب وجود نور کامل نیستند، ترکیبی از و ... هستند. نور - ظلمت
- ۱۰- به عقیده سهروردی ، ... انسان، جنبه نورانی وجود و ... او، جنبه ظلمانی اوست. نفس- بدن (جسم)
- ۱۱- به عقیده سهروردی نفس انسان، جنبه ... وجود و جسم و ... او، جنبه ... اوست. نورانی - ظلمانی
- ۱۲- به عقیده سهروردی ، اگر ... انسان نورانیت بیشتری کسب کند، ... هستی را بهتر رؤیت می کند . نفس- حقایق
- ۱۳- به عقیده سهروردی ، نورالانوار، ... عالم است و از اوست که ... بعدی طلوع می کنند. مشرق - انوار
- ۱۴- به عقیده سهروردی، آنجا که نور وجود به پایین ترین حدّ خود می رسد، ... عالم قرار می گیرد. مغرب
- ۱۵- به نظر سهروردی، حقیقت ... انسانی مربوط به مشرق عالم است اما از مشرق ... دور افتاده و مشتاق بازگشت است. نفس- وجود
- ۱۶- حکمت ... نام مکتب فلسفی ملاصدرا است که براساس آن ظرفیت ... انسان پایان ندارد. متعالیه - روح
- ۱۷- از منظر مکتب فلسفی متعالیه انسان باید با ... و اراده خود ظرفیت بی نهایت انسان را به ... برساند. اختیار- فعلیت
- ۱۸- از منظر مکتب فلسفی متعالیه ، انسان می تواند با ... و ... مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب و طی کند. ایمان - عمل
- ۱۹- از دیدگاه حکمت متعالیه ، حقیقت انسان، حقیقتی دو بُعدی است و متشکل است از ... و ... روح - بدن

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- فیلسوفان مسلمان صرفا با استفاده از اندیشه های افلاطون و ارسطو در تبیین حقیقت انسان قدم های بلندی برداشتند . نادرست
- ۲- به عقیده فیلسوفان مسلمان هم می توان انسان را به یک موجود صرفا زمینی و مادی تقلیل داد و هم برای وی ویژگی هایی متعالی قائل شد. نادرست
- ۳- فیلسوفان مسلمان تلاش کردند که حقیقت متعالی انسان را بشناسند و جایگاه برتر او در هستی را نشان دهند. درست
- ۴- ابن سینا کوشید نظر ارسطو درباره حقیقت انسان را عمیق تر بیان کند و ابعاد دیگر آن را روشن نماید. درست
- ۵- به نظر ابن سینا وقتی بدن ما به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام های بدنی شد، خدا، روح انسانی را به آن عطا می کند. درست
- ۶- به عقیده ابن سینا روح جنبه غیرمادی دارد و از جنس موجودات مجرد است. درست

- ۷- به عقیده ابن سینا روح ، استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد. درست
- ۸- به عقیده ابن سینا روح می تواند اموری مانند اخلاق، عشق، دوستی و پرستش را دریابد و آنها را در خود پدید آورد. درست
- ۹- ابن سینا برخلاف عارفان برای روح جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت قائل شد. نادرست
- ۱۰- ابن سینا، بی قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه اصلی اش را در شعری عربی و با بیانی تمثیلی توصیف کرد. درست
- ۱۱- شیخ شهاب الدین سهروردی یکی از فیلسوفان بزرگ جهان اسلام و یک عارف و سالک الی الله محسوب می شود. درست
- ۱۲- سهروردی با بهره مندی از الهامات معنوی، بسیاری از حقایق را از طریق شهود درونی به دست آورد و کوشید آنها را به زبان عرفان بیان کند. نادرست
- ۱۳- ابن سینا به جای مفهوم « وجود » بیشتر از مفهوم « نور » استفاده می کرد. نادرست
- ۱۴- به نظر سهروردی هستی مراتب نور است. درست
- ۱۵- به نظر ملاصدرا ، خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد « نورالانوار » است . نادرست
- ۱۶- به نظر سهروردی ، مراتب وجود ، نور هستی خود را از نورالانوار دریافت می کنند. درست
- ۱۷- به نظر سهروردی ، چون مراتب وجود نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت اند. درست
- ۱۸- به عقیده سهروردی ، نفس انسان، جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او، جنبه ظلمانی اوست. درست
- ۱۹- به عقیده سهروردی ، اگر نفس انسان نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند . درست
- ۲۰- به عقیده سهروردی ، نفس با کسب نورانیت ، شایستگی و لیاقت بیشتر، می تواند مسیر کمال را طی کند. درست
- ۲۱- به عقیده سهروردی ، نورالانوار، مَشْرَق عالم است اما از نورقاهر است که انوار بعدی طلوع می کنند. نادرست
- ۲۲- به عقیده سهروردی، آنجا که نور وجود به پایین ترین حدّ خود می رسد، مغرب عالم قرار می گیرد. درست
- ۲۳- به نظر سهروردی، حقیقت نفس انسانی مربوط به مشرق عالم است اما از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت است. درست
- ۲۴- حکمت متعالیه نام مکتب فلسفی ملاصدرا است. درست
- ۲۵- از دیدگاه حکمت متعالیه ، حقیقت انسان، حقیقتی دو بُعدی است: روح و بدن . درست
- ۲۶- براساس حکمت متعالیه، روح چیزی ضمیمه شده به بدن و نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است. نادرست
- ۲۷- از دیدگاه حکمت متعالیه، روح و بدن دو چیز مجزاً نیستند بلکه وحدتی حقیقی دارند به گونه ای که روح باطن بدن است. درست
- ۲۸- به نظر ملاصدرا، هر اتفاقی در روح بیفتد، در بدن ظاهر می شود و هر اتفاقی در بدن رخ دهد، بر روح تأثیر می گذارد. درست
- ۲۹- از نظر حکمت متعالیه روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند. درست
- ۳۰- بر اساس حکمت متعالیه ، ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد. درست
- ۳۱- از منظر مکتب فلسفی متعالیه، ظرفیت و استعداد بی نهایت انسان، به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات است. نادرست
- ۳۲- از منظر مکتب فلسفی متعالیه انسان باید با اختیار و اراده خود ظرفیت بی نهایت انسان را به فعلیت برساند. درست
- ۳۳- از منظر مکتب فلسفی متعالیه ، انسان می تواند با ایمان و عمل، مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب و طی کند. درست
- ۳۴- از منظر مکتب فلسفی متعالیه، همه صفات انسانی مانند علم و جهل به صورت بالفعل در وجود انسان هست . نادرست
- ۳۵- از منظر مکتب فلسفی متعالیه، بالفعل شدن هر کدام از صفات انسانی، به گزینش ها و شیوه زندگی انسان مربوط است. درست

سوالات تستی

۱- با بهره مندی از الهامات و اشارات معنوی خود، بسیاری از حقایق را از طریق به دست می آورد و تلاشکرد آنها را به زبان بیان کند.

(۱) سهروردی - سیرو سلوک قلبی - اشراق و عرفان (۲) ابن سینا- شهود درونی- فلسفه و استدلال

(۳) ابن سینا - سیرو سلوک قلبی- اشراق و عرفان (۴) سهروردی - شهود درونی - فلسفه و استدلال گزینه ۴

۲- سهروردی به جای مفهوم بیشتر از مفهوم استفاده کرد و عقیده داشت که مشرق عالم همان است و نفس انسانی را حقیقتی مربوط به عالم می دانست .

(۱) وجود - نور - واجب الوجود - مغرب (۲) نور- وجود- واجب الوجود- مشرق

(۳) وجود - نور- نورالانوار - مشرق (۴) نور - وجود - نورالانوار - مغرب گزینه ۳

۳- کدام مطلب با اندیشه های سهروردی در مورد نفس انسان سازگار نیست؟

(۱) نفس چیزی ضمیمه شده به بدن و نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.

(۲) نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او، همان جنبه ظلمانی اوست..

(۳) نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم می داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست..

(۴) اگر نفس انسان نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند گزینه ۱

۴- کدام مطلب بر دوگانگی روح و بدن نزد ملاصدرا دقیق تر اشاره می کند ؟

(۱) روح و بدن دو چیز مجزا نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه اینها وحدتی حقیقی دارند و روح باطن بدن است.

(۲) روح و بدن دو چیز متفاوت اند و کاملا از یکدیگر مجزا هستند .

(۳) هم روح و هم بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی پیروی می کند و آزاد نیستند.

(۴) روح چیزی ضمیمه شده به بدن و نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است. گزینه ۱

۵- کدام نظریه مورد پذیرش حکمت متعالیه نیست؟

(۱) ظرفیت های بالقوه در وجود انسان هست و بالفعل شدن هر کدام از آنها، به گزینش و شیوه زندگی انسان مربوط است.

(۲) انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، و این استعداد، ضرورتا می تواند وی را به کمالات برساند.

(۳) انسان باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند.

(۴) درابتدای زندگی معلوم نیست هر انسانی چه هویتی خواهد داشت . گزینه ۲

فصل سوم - درس یازدهم : انسان موجود اخلاق گرا

- انسان با مفهوم « اخلاق » آشناست و می تواند خوب و بد اخلاقی را درک کند.
- اخلاق و درک خوبی و بدی را می توان یکی از وجوه تمایز انسان از سایر موجودات دانست.
- این ویژگی آن قدر مهم است که برخی متفکران انسان را بر اساس همین ویژگی تعریف کرده و گفته اند :
انسانی موجودی است اخلاقی که حُسن و قبح را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد.
- « فلسفه اخلاق » که یکی از اقسام فلسفه های مضاف است، در این باره بحث می کند تا ریشه های این ویژگی انسانی بیشتر شناخته شود.

دسته بندی کارهای انسان

کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد :

❖ فعل طبیعی :

- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، از قبیل خرید مایحتاج روزانه، داشتن شغل برای کسب درآمد، استراحت، آشپزی، ورزش و تفریح .

❖ فعل اخلاقی :

- کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می گیرند؛ مانند احسان، گذشت، ایثار، وفاداری و مبارزه با ظلم و نابرابری
- یکی از مسائل مورد توجه فلاسفه، تفاوت این دو دسته کار است.
پرسش اصلی این است که چه ویژگی هایی در افعال دسته نخست وجود دارد که باعث می شود آنها را « افعال طبیعی » بدانیم؟
- در مورد دسته دوم چگونه؟ چه ویژگی هایی این قبیل کارها را به « فعل اخلاقی » تبدیل می کند؟
- اساسا معیار فعل اخلاقی چیست و از کجا نشئت می گیرد؟ چرا قواعد اخلاقی مورد قبول عموم واقع شوند؟ آیا هر کس می تواند مطابق سلیقه و دیدگاه خود قاعده اخلاقی وضع کند و از دیگران بخواهد آن را رعایت نمایند؟ آیا اصول اخلاقی بسته به تحول و تفاوت فرهنگ ها و جوامع، متغیر و متفاوت اند؟

❖ دیدگاه هایی در مورد معیار فعل اخلاقی:

الف) فیلسوفان دوره یونان باستان (ب) فیلسوفان دوره جدید اروپا (ج) فیلسوفان مسلمان

دیدگاه فیلسوفان دوره یونان باستان

❖ دیدگاه افلاطون

- فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد.
- فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد .
- فعل اخلاقی اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود.
- افلاطون در پاسخ به این سؤال که « در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است » می گوید :

در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند :

« قوه شهوت » : انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند .

« قوه غضب » : انسان را در برابر خطرها و موانع، دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند.

« قوه عقل » خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند.

▪ عمل انسان در صورتی در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد.

▪ قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند با راهنمایی عقل عمل کنند .

✚ افلاطون می گوید؛ اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است، حاکم باشد :

✓ قوه شهوت « خویشتن داری » پیش می گیرد .

✓ قوه غضب متصف به « شجاعت » می شود .

▪ برابند و نتیجه چنین سامانی، برقراری « عدالت » میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است.

▪ پس انسانی که آراسته به چهار فضیلت « حکمت » ، « خویشتن داری » ، « شجاعت » و « عدالت » است، نیک بخت

است؛ این معیار میان همه انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.

❖ دیدگاه ارسطو :

- ارسطو، شاگرد افلاطون، درباره معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد.
- ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است.
- به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.
- از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می رسد.
- ارسطو معتقد است این معیار، مشترک میان همه انسان هاست و عقل هر انسانی این اعتدال را درک می کند و آن را به عنوان امری درست می پذیرد.



ب) دیدگاه فیلسوفان دوره جدید اروپا

❖ دیدگاه کانت :

- کانت، فیلسوف قرن ۱۸ آلمان، عقیده دارد، معیار فعل اخلاقی را باید در «وجدان اخلاقی» جست و جو کرد.
- هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند.
- هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود.
- مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت است
- کانت می گوید: « برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود.»
- مقصود کانت این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را پسندد و عاملان آن را تحسین کند.
- جمله مشهور کانت: دو چیز همواره مرا به شگفتی وا می دارد:
- یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

❖ دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا :

- فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می کنند.
- از نظر این گروه انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد .
- « خوب » و « بد » عناوینی هستند که خود ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان.
- از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؛ زیرا، در غیر این صورت، منفعت خودش نیز حفظ نمی شود .
- بنابراین اولین قانون اخلاقی این است « آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران هم پسند . در این صورت است که می توانی با دیگران زیست کنی . »
- توماس هابز می گوید : هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند.
- بنابراین دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد؛ در امانت نباید خیانت ورزید، باید با دیگران به عدل رفتار نمود و امثال اینها بر این اساس اموری مانند صداقت، عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و فضیلت شمرده نمی شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.

➤ دیدگاه فیلسوفان مسلمان

- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند.
- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان ، عقل را منبع شناخت فضیلت ها و ردیلت ها می دانند .
- عقل از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد « عقل عملی » ، می نامند.

- عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشتن داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا و اموری از این قبیل که جسم انسان را رشد می دهند.
- هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، بخل و ریا گریزان است.
- رذائل اخلاقی مانند ظلم، بخل و ریا به روح صدمه رسانده و آن را از کمال باز می دارند.
- هر انسانی به دنبال کسب فضائل است و با کسب فضائل، احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد
- فلاسفهٔ مسلمان می گویند اگرچه بشر به فضیلت ها فطرتاً علاقه مند است و عقل او آنها را زیبا و خوب می داند، فلاسفهٔ مسلمان می گویند اگرچه بشر به فضیلت ها فطرتاً علاقه مند است و عقل او آنها را زیبا و خوب می داند، اما انتخاب این فضائل و عمل به آنها چندان هم آسان نیست، زیرا انسان دو دسته تمایلات دارد:
 - ✓ تمایلات مربوط به بُعد مادی و حیوانی، مانند تمایل به ثروت و لذت های مادی.
 - ✓ تمایلات مربوط به بُعد روحی و معنوی، مانند تمایل به عدالت و سخاوت که تمایلاتی برتر هستند و فضیلت شمرده می شوند.
- علت انجام رذایل اخلاقی این است که گاه میان فضیلت ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می شود؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می کشانند و مانع رسیدن او به فضیلت ها می شوند و حتی او را به سوی رذیلت ها سوق می دهند
- فلاسفهٔ مسلمان معتقدند اینکه انسان می تواند فضائل و رذائل را بشناسد و حتی به آنها علاقه بورزد، به تنهایی نمی تواند باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد؛ به نظر ایشان، علاوه بر این تمایل ذاتی، پشتوانه ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه به اعتقاد فلاسفهٔ مسلمان خداست؛ اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود.
- البته اعتقاد به خداوند، گرچه عامل تقویت کننده است، اما به این معنا نیست که عمل به فضیلت قطعی و حتمی می شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سربلندی نماید.

سوالات تشریحی

- ۱- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد نام برده و هر کدام را با ذکر مثالی توضیح دهید؟
فعل طبیعی: کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، از قبیل خریدمایحتاج روزانه، ورزش و تفریح.
فعل اخلاقی: کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می گیرند؛ مانند احسان، گذشت، ایثار
- ۲- تفاوت فعل طبیعی و فعل اخلاقی در چیست؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
فعل طبیعی: کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، از قبیل خریدمایحتاج روزانه،
فعل اخلاقی: کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می گیرند؛ مانند احسان، گذشت
- ۳- معیار فعل اخلاقی نزد افلاطون چیست؟
از نظر افلاطون، فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود.
- ۴- به عقیده افلاطون چه زمانی یک فعل اخلاقی «فضیلت» یا «رذیلت» به شمار می رود؟
به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود.
- ۵- به عقیده افلاطون در وجود انسان چند قوه اصلی نهفته است و هر کدام چه ویژگی هایی دارد؟
در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند: «قوه شهوت» که انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند.
«قوه غضب» که انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند.
«قوه عقل» که خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند.
- ۶- افلاطون در پاسخ این سؤال «در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است» چه دیدگاهی ارائه می کند؟
عمل انسان در صورتی در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند با راهنمایی عقل عمل کنند.
- ۷- به نظر افلاطون، اگر عقل بر قوه غضب و قوه شهوت حاکم شود، چه نتایج اخلاقی حاصل می شود؟
افلاطون می گوید؛ اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است حاکم باشد؛ قوه شهوت «خویشتن داری» پیش می گیرد. قوه غضب متصف به «شجاعت» می شود. برآیند و نتیجه چنین سامانی، برقراری «عدالت» میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است.
- ۸- به نظر افلاطون، برای اینکه انسان به نیک بختی و سعادت برسد، باید به چه فضیلت هایی آراسته گردد؟
انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت»، «خویشتن داری»، «شجاعت» و «عدالت» است، نیک بخت است؛ این معیار میان همه انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.
- ۹- عامل سعادت و نیک بختی انسان نزد ارسطو چیست؟ توضیح دهید.
ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است. به تعبیری دیگر از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می رسد. ارسطو معتقد است عقل هر انسانی این اعتدال را درک می کند و آن را به عنوان امری درست می پذیرد.
- ۱۰- به عقیده ارسطو، کدام دو قوه انسان همواره در معرض تفریط و افراط قرار دارند؟ توضیح دهید.
شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.

۱۱- ارسطو، «سعادت» را چگونه تعریف می کند؟ عمل بر طبق عقل و قابلیت انتخاب حد وسط و دستیابی به اعتدال

۱۲- کانت، معیار فعل اخلاقی را در چه چیزی جست و جو می کند؟ توضیح دهید.

کانت، فیلسوف قرن ۱۸ آلمان، عقیده دارد معیار فعل اخلاقی را باید در «وجدان اخلاقی» جست و جو کرد.

کانت می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت است.

۱۳- به عقیده کانت چه زمانی یک فعل، خیر اخلاقی شمرده می شود؟

هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود

۱۴- قاعده اخلاقی کانت را نوشته و مقصود وی از این قاعده را توضیح دهید؟

کانت می گوید «بر طبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود» مقصود کانت این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را پسندد و عاملان آن را تحسین کند.

۱۵- کانت جمله بسیار مشهوری دارد که بر اساس آن معتقد است دو چیز وی را به شگفتی وا داشته است؟ آن دو چیز کدامند؟

یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

۱۶- با توجه به دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست ها، ریشه های فعل اخلاقی را باید در کجا جست و جو کرد؟

فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست ها و عموم کسانی که بعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می کنند. از نظر این گروه انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد. بنابراین «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان. از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؛ زیرا، در غیر این صورت، منفعت خودش نیز حفظ نمی شود.

۱۷- اولین قانون اخلاقی را نوشته، بگویید این عبارت که «هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد،

باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند.» از کیست؟ اولین قانون اخلاقی این است «آنچه برای

خود می پسندی، برای دیگران هم پسند. در این صورت است که می توانی با دیگران زیست کنی.» - توماس هابز

۱۸- به عقیده توماس هابز، چرا انسان قواعد اخلاقی را ابداع می کند و آیا اموری مانند صداقت، عدالت و امانت داری، ارزش

حقیقی داشته و فضیلت اخلاقی شمرده می شوند؟

طبق این دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گروه دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد؛ در امانت نباید خیانت ورزید، بر این اساس اموری مانند صداقت، عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و فضیلت شمرده نمی شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.

۱۹- با توجه به دیدگاه ابن سینا و فلاسفه مسلمان، منبع شناخت ها فضیلت ها و رذیلت ها کدام است؟ توضیح دهید .

عقل - عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشن داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا و اموری از این قبیل که جسم انسان را رشد می دهند. بنابراین هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، بخل و ریا گریزان است. این رذائل اخلاقی به روح صدمه رسانده و آن را از کمال باز می دارند. بنابراین هر انسانی به دنبال کسب فضائل است؛ زیرا او با کسب این فضائل احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد

۲۰- علت نامگذاری عقل عملی به این نام چیست ؟

این عقل از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد «عقل عملی» ، می نامند.

۲۱- به عقیده فلاسفه مسلمان ، انسان دارای چند نوع تمایلات است؟ آنها را توضیح دهید.

انسان دو دسته تمایلات دارد: تمایلات مربوط به بُعد مادی و حیوانی، مانند تمایل به ثروت و لذت های مادی. تمایلات مربوط به بُعد روحی و معنوی، مانند تمایل به عدالت و سخاوت که تمایلاتی برتر هستند و فضیلت شمرده می شوند.

۲۲- به عقیده فلاسفه مسلمان ، علت انجام رذایل اخلاقی چیست ؟

علت انجام رذایل اخلاقی این است که گاه میان فضیلت ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می شود؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می کشانند و مانع رسیدن او به فضیلت ها می شوند و حتی او را به سوی رذیلت ها سوق می دهند.

۲۳- چرا فلاسفه مسلمان معتقدند شناخت فضائل و رذائل به تنهایی نمی تواند باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد؟

زیرا علاوه بر این تمایل ذاتی، پشتوانه ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست؛ اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود.

۲۴- به عقیده فلاسفه مسلمان، به هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان به چه پشتوانه ای نیازمند است تا بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد؟ این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست

۲۵- به عقیده فلاسفه مسلمان، اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، آیا عمل به فضیلت قطعی و حتمی می شود؟ چرا؟

خیر در چنین شرایطی ، عمل به فضیلت قطعی و حتمی نمی شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی کند.

۲۶- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

| | |
|---|----------|
| الف) معیار فعل اخلاقی نزد کانت | ۱- شره |
| ب) حد وسط قوه غضب نزد ارسطو | ۲- وجدان |
| ج) حالت افراط قوه شهوت نزد ارسطو | ۳- نفع |
| د) نظریه هابز درباره ابداع قواعد اخلاقی | ۴- شجاعت |

الف: ۲ ب: ۴ ج: ۱ د: ۳

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد ، آنها را نام ببرید . **فعل طبیعی و فعل اخلاقی**
- ۲- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد ، در زمره چه نوع افعالی قرار می گیرند؟ **فعل طبیعی**
- ۳- کارهایی که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقیح قرار می گیرند؛ در زمره چه نوع افعالی قرار می گیرند؟ **فعل اخلاقی**
- ۴- خرید مایحتاج روزانه و احسان و گذشت به ترتیب شامل چه نوع افعالی می شوند ؟ **فعل طبیعی و فعل اخلاقی**
- ۵- به عقیده افلاطون فعل اخلاقی با کدامیک از موضوعات اخلاقی آدمی رابطه دارد؟ **سعادت و نیک بختی حقیقی**
- ۶- به نظر افلاطون چه زمانی یک فعل اخلاقی ، فضیلت محسوب می گردد؟ **اگر در جهت سعادت حقیقی باشد.**
- ۷- به نظر افلاطون چه زمانی یک فعل اخلاقی، فضیلت محسوب می گردد؟ **اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد.**
- ۸- به نظر افلاطون ، کدام قوه انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند ؟ **قوه شهوت**
- ۹- به نظر افلاطون ، کدام قوه انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند؟ **قوه غضب**
- ۱۰- به نظر افلاطون، اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است، حاکم باشد: قوه شهوت و قوه غضب متصف به چه صفتی می شوند؟
قوه شهوت « خویشتن داری » پیش می گیرد . قوه غضب متصف به « شجاعت » می شود .
- ۱۱- به نظر افلاطون، چه انسانی نیک بخت است ؟ **انسانی که آراسته به چهار فضیلت : حکمت، خویشتن داری ، شجاعت و عدالت است.**
- ۱۲- به نظر ارسطو ، چه زمانی انسان به اعتدال در میان قوا می رسد ؟ **اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود.**
- ۱۳- به نظر ارسطو، عامل سعادت و نیک بختی انسان چیست؟ **اعتدال در میان قوای انسانی**
- ۱۴- به نظر ارسطو چه قوه ای می تواند مانع افراط و تفریط شهوت و غضب شود؟ **عقل**
- ۱۵- به نظر ارسطو کدام قوا در انسان همواره در معرض افراط و تفریط هستند؟ **شهوت و غضب**
- ۱۶- به نظر ارسطو به ترتیب، حالت افراط ، تفریط و حدوسط قوه عقل چیست؟ **جرزیه - سفاهت - حکمت**
- ۱۷- به نظر ارسطو به ترتیب، حالت افراط ، تفریط و حدوسط قوه غضب چیست؟ **تهور - ترس - شجاعت**
- ۱۸- به نظر ارسطو به ترتیب، حالت افراط ، تفریط و حدوسط قوه شهوت چیست؟ **شره - خمودی - خویشتن داری**
- ۱۹- کدام فیلسوف غربی معتقد بود که معیار فعل اخلاقی را باید در « وجدان اخلاقی » جست وجو کرد؟ **کانت**
- ۲۰- به عقیده کانت ، معیار فعل اخلاقی را باید در چه چیزی جست وجو کرد؟ **وجدان اخلاقی**
- ۲۱- به عقیده کدام فیلسوف، انسان باید ، طبق قاعده ای عمل کند که بتواند اراده کند، قاعده مزبور قانونی کلی و عمومی شود؟ **کانت**
- ۲۲- ابن سینا و فیلسوفان مسلمان دیگر، منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها را چه چیزی می دانند ؟ **عقل**
- ۲۳- دو دسته از تمایلات انسانی را فقط نام ببرید. **تمایلات مربوط به بُعد مادی و حیوانی - تمایلات مربوط به بُعد روحی و معنوی**
- ۲۴- به عقیده فیلسوفان مسلمان ، چه پشتوانه ای در انسان می تواند باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد؟ **خداوند**

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- انسان با مفهوم آشناست و می تواند خوب و بد را درک کند. اخلاق - اخلاقی
- ۲- اخلاق و درک خوبی و بدی را می توان یکی از وجوه تمایز از سایر دانست. انسان - موجودات
- ۳- انسان موجودی است اخلاقی که ... و ... را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد. حُسن - قبح
- ۴- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد که عبارتند از فعل و فعل طبیعی ، اخلاقی
- ۵- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، در زمره فعل..... قرار می گیرند طبیعی
- ۶- کارهایی که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقییح قرار می گیرند در زمره فعل..... قرار می گیرند. اخلاقی
- ۷- از نظر افلاطون فعل اخلاقی با و حقیقی آدمی رابطه دارد. سعادت - نیک بختی
- ۸- به نظر افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی یا برخلاف آن باشد، به ترتیب و ... محسوب می گردد. فضیلت - رذیلت (بدی)
- ۹- به اعتقاد افلاطون، قوه انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند و قوه انسان را در برابر خطرها و موانع، دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند. شهوت - غضب
- ۱۰- به نظر افلاطون ، قوه....خوب را از بد تشخیص می دهد و واقعی را شناسایی می کند. عقل - سعادت
- ۱۱- از نظر افلاطون، عمل انسان در صورتی در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی...انجام پذیرد. عقل
- ۱۲- قوه ... و قوه ... ، تحت کنترل و حکومت عقل اند و با راهنمایی عقل عمل می کنند. غضب - شهوت
- ۱۳- افلاطون می گوید؛ اگر عقل که از فضیلت برخوردار حاکم باشد ، قوه شهوت.... پیش می گیرد. حکمت-خویشتن داری
- ۱۴- به عقیده افلاطون ؛ اگر عقل که از فضیلت برخوردار حاکم باشد ، قوه غضب متصف به می شود. حکمت-شجاعت
- ۱۵- به عقیده ارسطو، اعتدال در میان قوا ، عامل و انسان است. سعادت - نیک بختی
- ۱۶- به اعتقاد ارسطو و همواره در معرض افراط و تفریط هستند. شهوت - غضب
- ۱۷- به عقیده کانت، معیار فعل اخلاقی را باید در.... جست وجو کرد. وجدان اخلاقی
- ۱۸- به نظر کانت، انسان در درون خود حقیقتی به نام دارد که او را به سوی عمل ... اخلاقی دعوت می کند. وجدان اخلاقی - خیر
- ۱۹- به عقیده کانت ، اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که بدان دعوت می کند، انجام دهد، است. وجدان - فضیلت
- ۲۰- کانت می گوید برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون و شود. کلی ، عمومی
- ۲۱- کانت می گوید؛ دو چیز همواره مرا به شگفتی وا می دارد.... که بالای سر ماست و.... که در درون ما قرار دارد. آسمانی - وجدانی
- ۲۲- فیلسوفان و ، ریشه های فعل اخلاقی را در رفتار طبیعی انسان جست وجو می کنند. طبیعت گرا - ماتریالیست ها
- ۲۳- از منظر فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست ها، « خوب » و « بد » عناوینی هستند که خود ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به ما باشد یا به مان. سود - ضرر
- ۲۴- توماس هابز می گوید : هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان باشند. آزادی - آزاد
- ۲۵- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان ، عقل را منبع شناخت و می دانند. فضیلت ها - رذیلت ها
- ۲۶- به نظر فلاسفه مسلمان ، بشر به فضیلت ها علاقه مند است اما فضائل و عمل به آنها چندان آسان نیست. فطرتاً - انتخاب
- ۲۷- به عقیده فیلسوفان مسلمان ، تمایلات انسان یا مربوط به بعد ... است یا مربوط به بعد ... مادی (حیوانی) - روحی (معنوی)
- ۲۸- به عقیده فیلسوفان مسلمان ، تمایل به عدالت و سخاوت تمایلاتی ... هستند و ... شمرده می شوند. برتر - فضیلت
- ۲۹- به نظر فیلسوفان مسلمان، اعتقاد به، عامل تقویت کننده است، اما سبب نمی شود که عمل به قطعی و حتمی شود. خدا - فضیلت

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- اخلاق و درک خوبی و بدی را می توان یکی از وجوه تمایز انسان از سایر موجودات دانست. درست
- ۲- انسانی موجودی است اخلاقی که حُسن و قبح را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد. درست
- ۳- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته، فعل طبیعی و فعل اخلاقی می توان تقسیم کرد. درست
- ۴- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، را فعل اخلاقی می گویند. نادرست
- ۵- از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. درست
- ۶- به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد. درست
- ۷- به عقیده افلاطون، فعل اخلاقی اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود. درست
- ۸- قوه شهوت انسان را در برابر خطرها و موانع، دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند. نادرست
- ۹- قوه عقل « خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند. درست
- ۱۰- قوه غضب، انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند. نادرست
- ۱۱- به نظر افلاطون، قوه غضب و قوه شهوت تحت کنترل و حکومت عقل اند و با راهنمایی عقل عمل می کنند. درست
- ۱۲- افلاطون می گوید، اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است حاکم باشد، قوه شهوت، خویشتن داری پیش می گیرد. درست
- ۱۳- به نظر افلاطون، قوه غضب متصف به « حکمت» می شود و عقل نیز به صفت « شجاعت » می رسد. نادرست
- ۱۴- به نظر افلاطون، انسانی که آراسته به چهار فضیلت حکمت، خویشتن داری، شجاعت و عدالت است، نیک بخت است. درست
- ۱۵- ارسطو، شاگرد افلاطون، درباره معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد. درست
- ۱۶- به عقیده ارسطو، اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال می رسد و اعتدال، عامل سعادت انسان است. درست
- ۱۷- به عقیده ارسطو، شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط اند و عقل نمی تواند مانع این افراط و تفریط شود. نادرست
- ۱۸- از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می رسد. درست
- ۱۹- کانت، عقیده دارد، معیار فعل اخلاقی را باید در « وجدان اخلاقی » جست وجو کرد. درست
- ۲۰- هابز می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. نادرست
- ۲۱- کانت می گوید، برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و خصوصی شود. نادرست
- ۲۲- طبق جمله مشهور کانت، دو چیز شگفتی ساز است، آسمانی که بالای سر ماست و وجدانی که در درون ماست. درست
- ۲۳- فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست ها، ریشه های فعل اخلاقی را در وجدان انسان جست وجو می کنند. نادرست
- ۲۴- طبق اولین قانون اخلاقی آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران بپسند. در این صورت می توانی با دیگران زیست کنی. درست
- ۲۵- توماس هابز می گوید: هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند. درست
- ۲۶- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند. درست
- ۲۷- فلاسفه مسلمان می گویند چون بشر به فضیلت ها فطرتاً علاقه مند است لذا انتخاب فضائل و عمل به آنها آسان است. نادرست
- ۲۸- به نظر فلاسفه مسلمان، شناخت فضائل و رذائل و علاقه مندی به آنها، به تنهایی می تواند باعث ترک رذیلت و کسب فضیلت شود. نادرست
- ۲۹- به نظر فلاسفه مسلمان، تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی، نیازمند پشتوانه ای همچون خداست تا فضائل بر تمایلات ترجیح داده شوند. درست
- ۳۰- به عقیده فیلسوفان مسلمان، تمایلات انسان یا مربوط به بعد مادی و حیوانی است یا مربوط به بعد روحی و معنوی. درست
- ۳۱- به عقیده فیلسوفان مسلمان، تمایل به عدالت و سخاوت تمایلاتی برتر هستند و فضیلت شمرده می شوند. درست
- ۳۲- به نظر فیلسوفان مسلمان اعتقاد به خدا، عامل تقویت کننده است، و سبب می شود که عمل به فضیلت قطعی و حتمی شود. نادرست

سوالات تستی

- ۱- افلاطون برای این پرسش که «در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است» چه پاسخ مناسب تری ارائه می دهد ؟
- (۱) هرگاه به احساس نشاط و لذت و رضایت درونی برسد. (۲) هرگاه دریابد که نفع او در گرو نفع دیگران است. (۳) هرگاه بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. (۴) اگر معیار فعل اخلاقی وجدان باشد. گزینه ۳
- ۲- کدام تعریف افلاطون از فضیلت دقیق تر است ؟
- (۱) اگر فعل اخلاقی در ردیف شقاوت ابدی باشد. (۲) اگر فعل اخلاقی در جهت وجدان بیدار باشد. (۳) هرگاه فرد دریابد که نفع او در گرو نفع دیگران است. (۴) اگر فعل اخلاقی در جهت سعادت حقیقی باشد. گزینه ۴
- ۳- از نظر فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد و هرگاه فعل اخلاقی در جهت سعادت حقیقی باشد، محسوب می گردد و اگر باعث ... گردد، رذیلت شمرده می شود.
- (۱) افلاطون - فضیلت - شقاوت (۲) هابز - فضیلت - شقاوت (۳) هابز - شقاوت - فضیلت (۴) افلاطون - شقاوت - فضیلت گزینه ۱
- ۴- با توجه به نظریه اخلاقی افلاطون، کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد ؟
- (۱) اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است حاکم باشد ، قوه شهوت «خویشتن داری» پیش می گیرد . (۲) اگر عقل که از فضیلت اخلاقی برخوردار است، حاکم باشد، قوه غضب متصف به «حکمت» می شود . (۳) انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت» ، «خویشتن داری» ، «شجاعت» و «عدالت» است، نیک بخت است. (۴) قوه عقل «خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند گزینه ۲
- ۵- با توجه به دیدگاه ارسطو قوه غضبیه در سه حالت (حدوسط - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد ؟
- (۱) شجاعت - ترس - تهور (۲) تهور - شجاعت - ترس (۳) شجاعت - تهور - ترس (۴) ترس - تهور - شجاعت گزینه ۳
- ۶- با توجه به دیدگاه ارسطو قوه شهویه در سه حالت (حدوسط - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد ؟
- (۱) شره - خویشتن داری - خمودی (۲) خویشتن داری - خمودی - شره (۳) شره - خمودی - خویشتن داری (۴) خویشتن داری - شره - خمودی گزینه ۴
- ۷- با توجه به دیدگاه ارسطو قوه عقل در سه حالت (حدوسط - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد ؟
- (۱) حکمت - جربزه - سفاهت (۲) جربزه - سفاهت - حکمت (۳) سفاهت - حکمت - جربزه (۴) حکمت - سفاهت - جربزه گزینه ۱
- ۸- با توجه به دیدگاه ارسطو کدام قوه همواره در معرض افراط و تفریط هستند و قوه مانع این افراط و تفریط کدام است ؟
- (۱) عقل - شهویه - غضبیه (۲) شهویه - غضبیه - عقل (۳) غضبیه - عقل - شهویه (۴) عقل - غضبیه - شهویه گزینه ۲
- ۹- از نظر ارسطو، عامل سعادت و نیکبختی انسان کدام است ؟
- (۱) هرگاه به احساس نشاط و لذت و رضایت درونی برسد. (۲) هرگاه دریابد که نفع او در گرو نفع دیگران است. (۳) اگر قوای وجودی انسان در حد اعتدال باشد. (۴) اگر معیار فعل اخلاقی وجدان باشد. گزینه ۳
- ۱۰- از دیدگاه ارسطو سعادت چیست ؟
- (۱) عمل بر طبق وجدان (۲) عمل بر طبق عقل (۳) عمل بر طبق لذت و رضایت درونی (۴) عمل بر طبق منفعت گزینه ۲
- ۱۱- با توجه به نظریه کانت ؛ هر کاری که انسان ، صرفاً برای اطاعت از خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود.
- (۱) شهود (۲) تصمیم (۳) وجدان (۴) عقل گزینه ۳
- ۱۲- معیار فضیلت اخلاقی از نگاه کانت چیست ؟
- (۱) عمل بر طبق وجدان (۲) عمل بر طبق عقل (۳) عمل بر طبق تشویق و تمجید دیگران (۴) عمل به هدف رسیدن به سعادت گزینه ۱

۱۳- این جمله از کیست؟ دو چیز همواره مرا به شگفتی وا می دارد: یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

۱) کانت (۲) هابز (۳) افلاطون (۴) ارسطو
گزینه ۱
۱۴- کانت می گوید؛ برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون ... و ... شود.

۱) عمومی - ثابت (۲) کلی - خصوصی (۳) عمومی - متغیر (۴) کلی - عمومی
گزینه ۴
۱۵- کدام عقیده با دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا سازگاری ندارد؟

۱) انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد.

۲) ریشه های فعل اخلاقی را باید در رفتار طبیعی انسان جست وجو کرد.

۳) «خوب» و «بد» عناوینی هستند که ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان.

۴) معیار فعل اخلاقی باید وجدان باشد زیرا، در غیر این صورت، منفعت انسان نادیده گرفته می شود.
گزینه ۴
۱۶- مطابق عقیده فیلسوفان طبیعت گرا، عبارت زیر در کدام گزینه به درستی کامل می شود؟

قواعد اخلاقی مانند صداقت، عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ... و ... شمرده نمی شوند و چون برای زندگی اجتماعی ... هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.

۱) ندارند- فضیلت- ضروری (۲) ندارند- رذیلت- ضروری (۳) دارند- رذیلت- ضروری (۴) دارند- فضیلت- ضروری
گزینه ۱
۱۷- این سخن که «هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند» از کیست؟

۱) هابز (۲) کانت (۳) ارسطو (۴) دکارت
گزینه ۱
۱۸- نظر ابن سینا درباره اخلاق شباهت و نزدیکی بسیاری با دیدگاه کدام فیلسوفان دارد؟

۱) کانت - هابز (۲) افلاطون - دکارت (۳) افلاطون - ارسطو (۴) ارسطو - دکارت
گزینه ۳
۱۹- کدام یک از عبارتهای زیر با دیدگاه اخلاقی فیلسوفان مسلمان مطابقت نمی کند؟

۱) انسان می تواند فضائل و رذائل را بشناسد، اما این شناخت به تنهایی باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت نمی باشد.

۲) علاوه بر شناخت فضائل و رذائل و تمایل ذاتی، پشتوانه ای همچون خدا لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد.

۳) اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود.

۴) اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید، عمل به فضیلت قطعی و حتمی می شود.
گزینه ۴